

سبک زندگی منتظر کز نه

(شیوه زندگی مؤمنان در عصر غیبت امام زمان عجل الله فرجه)

حسن ملایی

سرشناسه	: ملایی، حسن، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: سبک زندگی منتظرانه/حسن ملایی.
مشخصات نشر	: قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۷ ص.
شابک	: 978-600-8372-06-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۶۳.
موضوع	: محمدین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۳۵۵ق -
موضوع	: مهدویت -- انتظار
موضوع	: Mahdism -- *Waiting
موضوع	: مهدویت-- انتظار-- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: -- Social aspectsMahdism -- *Waiting
شناسه افزوده	: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ م/۳۳۴BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۷۱۷۵۱



سبک زندگی منتظرانه

- مؤلف: حسن ملایی
- ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- صفحه‌آرا: رضا فریدی
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: سوم/ پاییز ۱۳۹۷ (با ویرایش و اضافات)
- مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۰۶-۶
- شمارگان: دو هزار نسخه (تاکنون سه هزار نسخه)
- قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا/کوچه امار (۲۲)/بن بست شهید علیان، پ ۲۴/ص پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵/تلفن: ۳۷۸۴۱۴۴۰/۳۷۸۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۳۳)/فاکس: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۶۰
○ www.mahdi313.ir
○ entesharatmarkaz@chmail.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام خامنه‌ای:

ما امروز برای انتظار، باید باب به خصوصی در زندگی خود باز کنیم.
حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند.

(سخنرانی در سالروز میلاد امام عصر علیه السلام ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۹)

تقدیم

به همه منتظرانی که با سبک زندگی خود،
زمینه‌ساز ظهور امام قائم هستند.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۷
بخش اول . منزلت سبک زندگی منتظرانه.....	۹
فصل اول. فضیلت سبک زندگی منتظرانه.....	۱۲
گفتار اول. زندگی انبیا و اولیای الهی به رنگ انتظار.....	۱۲
گفتار دوم. امام مهدی <small>عج</small> و زندگی بر محور انتظار.....	۱۴
فصل دوم. ضرورت سبک زندگی منتظرانه.....	۱۶
گفتار اول. سرنوشت سازی سعادت‌مندان.....	۱۶
گفتار دوم. امیدافزایی در زندگی.....	۱۸
گفتار سوم. هویت سازی و مقاوم سازی در برابر فرهنگ مادی غرب.....	۲۰
گفتار چهارم. زمینه سازی برای ظهور.....	۲۲
بخش دوم . ماهیت سبک زندگی منتظرانه.....	۲۵
فصل اول. درباره سبک زندگی.....	۲۷
گفتار اول. ضرورت بحث از سبک زندگی.....	۲۷
گفتار دوم. مفهوم سبک زندگی.....	۳۱
گفتار سوم. نسبت اخلاق و ادب با سبک زندگی.....	۳۸
فصل دوم. ماهیت انتظار.....	۴۰
گفتار اول. لزوم بازشناسی مفهوم انتظار.....	۴۰
گفتار دوم. نسبت انتظار و رفتار.....	۴۲
گفتار سوم. پیوستگی رفتار منتظرانه با جهاد و تلاش.....	۴۳
گفتار چهارم. مفهوم جهاد و انواع آن.....	۴۷
فصل سوم. معنا و ویژگی های سبک زندگی منتظرانه.....	۵۰
گفتار اول. نگاهی به تعریفها درباره سبک زندگی منتظرانه.....	۵۰
گفتار دوم. تعریف پیشنهادی از سبک زندگی منتظرانه.....	۵۲
گفتار سوم. نسبت سبک زندگی منتظرانه با سبک زندگی اسلامی و نظایر آن.....	۵۵

گفتار چهارم. ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه ۶۱

بخش سوم . اهداف و کارکردهای سبک زندگی منتظرانه ۶۳

فصل اول. اهداف سبک زندگی منتظرانه ۶۵

گفتار اول. عبودیت و تقرب به خدا ۶۵

گفتار دوم. نیل به درجات عالی ۶۶

گفتار سوم. راه ورود به سپاه امام زمان عجل الله فرجه ۶۷

گفتار چهارم. تبدیل سازی انتظار ظاهری به انتظار واقعی ۶۸

گفتار پنجم. الگوسازی با تمدن سازی ۷۰

گفتار ششم. اصلاح گری در فرد و اجتماع ۷۲

گفتار هفتم. انتقال عملی ارزشهای ناب مهدوی ۷۵

فصل دوم. کارکردهای سبک زندگی منتظرانه ۷۷

گفتار اول. نمادسازی باورهای مهدوی ۷۷

گفتار دوم. همدلی، همبستگی و همیاری جامعه منتظر ۷۹

گفتار سوم. تأثیرگذاری تربیتی از جهت روشی ۸۰

گفتار چهارم. افزایش بهره‌وری در زندگی ۸۱

گفتار پنجم. تلاش و پویایی هدفمند ۸۲

گفتار ششم. نشاط بخشی ۸۳

گفتار هفتم. وحدت شخصیت و نظام‌مند شدن فعالیتها ۸۴

گفتار هشتم. تعهد آفرینی و قانون‌مداری ۸۵

گفتار نهم. پیش بینی و کنترل رفتارها ۸۶

گفتار دهم. ظلم ستیزی در قالبهای مختلف ۸۶

گفتار یازدهم. تقویت نظام اسلامی ۸۷

بخش چهارم ۹۱

نگرشها و ارزشهای عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه ۹۱

فصل اول. نگرشهای حاکم بر سبک زندگی منتظرانه ۹۳

گفتار اول. نگرشهای هستی‌شناختی ۹۳

گفتار دوم. نگرش‌های الاهیاتی و توحیدی ۹۵

گفتار سوم. نگرش‌های انسان شناختی ۹۷

فصل دوم. ارزش‌ها و گرایشهای عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه. ۱۰۶

گفتار اول. ارزشهای الهی در ارتباط با خدا و اولیای خدا ۱۰۷

گفتار دوم. ارزشهای الهی در ارتباط با خود، انسانها، جامعه ۱۰۹

گفتار سوم. ارزشهای الهی در ارتباط با جماد، گیاه، حیوان و ۱۱۱

بخش پنجم. مؤلفه‌های رفتاری در سبک زندگی منتظرانه ۱۱۳

فصل اول. سبک زندگی منتظرانه در حوزه ارتباطی با خدا و ولیّ خدا ۱۱۵

گفتار اول. نماز ۱۱۷

گفتار دوم. قرآن ۱۱۸

گفتار سوم. دعا ۱۱۹

گفتار چهارم. توسل و زیارت ۱۲۱

فصل دوم. سبک زندگی منتظرانه در حوزه ارتباطی با خود ۱۲۴

گفتار اول. در خودسازی ۱۲۴

گفتار دوم. در علم آموزی ۱۲۵

گفتار سوم. در اوقات فراغت و تفریح ۱۳۱

گفتار چهارم. در مصرف و تغذیه ۱۳۹

گفتار پنجم. لباس و پوشش ۱۴۱

فصل سوم. سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی ۱۴۶

گفتار اول. در خانواده ۱۴۶

گفتار دوم. در جامعه ۱۵۴

گفتار سوم. در روابط با حاکم و حکومت اسلامی ۱۶۱

سخن آخر ۱۶۵

منابع ۱۶۶

مقدمه

در عصر ارتباطات و عرضه محصولات مختلف از ملل گوناگون، فرهنگ‌ها و مکاتب نیز با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی، سعی در ارائه و نفوذ در شیوه زندگی انسانها نموده و مدل زندگی بر مبنای ارزشهای خود را به جامعه جهانی عرضه می‌کنند. در این بین، فراغت بال به وجود آمده به واسطه توسعه تکنولوژی، بیش از هر زمانی فرصت انتخاب را برای گزینش و تجربه انواع سبکهای زندگی افزایش داده است. کارکردها و تأثیر فراوانی که هر یک از سبکها در فرهنگ و زندگی آدمی خواهد داشت اولاً لزوم مطالعه درباره سبک زندگی به صورت عام و سبک زندگی اسلامی به صورت خاص و ثانیاً ارائه تنها رویکرد زندگی صحیح در عصر غیبت بر مبنای اندیشه و فرهنگ غنی مهدویت را که از آن به «سبک زندگی منتظرانه» تعبیر می‌شود به عنوان الگوی برتر و مصداق کامل سبک زندگی اسلامی در عصر غیبت امام عصر دو چندان نموده است.

رسالت این نوشتار پاسخ گویی به سؤلهایی نظیر اینکه کیفیت سبک زندگی منتظرانه چگونه است؟ تعریف سبک زندگی منتظرانه چیست؟ منتظر چه کسی است؟ سبک زندگی منتظرانه بر چه مبنای و پیش فرضهایی استوار است؟ تأثیر سبک زندگی منتظرانه در زندگی فردی و اجتماعی چیست؟ و پرسش‌هایی نظیر آن می‌باشد.

ضرورت انجام این نوشتار

با توجه به اینکه انسان هویت خویش را به خاطر حرکت در خلاف جهت آفرینش در بحرانهای عصر غیبت و نفوذ سبکهای زندگی غیر مهدوی و بعضاً ضد مهدوی از دست داده و از سویی دیگر لازم است الگویی مناسب برای زمینه سازی مردمی ظهور ارائه

شود؛ ضرورت این طرح اجتناب ناپذیر است. بنابراین به خاطر عدم وجود اثر علمی قابل توجهی در این موضوع، اصل چنین پژوهشی گامی موثر در تدوین آثار مهدوی توسط اندیشمندان و فرهیختگان در این موضوع بسیار مهم و کاربردی است.

اهداف و فواید این نوشتار

آنچه که در این تألیف به دنبال آن هستیم عبارتند از:

- آشنایی دوستداران حضرت مهدی عج با سبک زندگی منتظرانه؛
 - نشان دادن کارکردهای فوق العاده سبک زندگی منتظرانه در بعد فردی و اجتماعی؛
 - بسترسازی برای کاربردی کردن معارف مهدوی در جامعه؛
 - تربیت انسانهایی با طراز منتظر واقعی برای زمینه سازی ظهور؛
 - داشتن الگویی کاربردی برای منتظران ظهور در صحنه زندگی فردی و اجتماعی؛
 - برخورد علمی و عملی با هجمه فرهنگی غرب؛
 - احساس شادابی و رشد در زندگی؛
 - اصلاح روابط اجتماعی؛
 - و موارد دیگر.
- در پایان لازم می‌دانم از همه کسانی که در این تألیف کمک کار بنده بوده‌اند به ویژه حجت‌الاسلام مهدی یوسفیان معاون محترم پژوهش مرکز تخصصی مهدویت قم، حجت‌الاسلام علی صدوقی و مدیریت محترم انتشارات مرکز تشکر کنم.

حسن ملایی - تابستان ۱۳۹۵

hmollaie@chmail.ir

بخش اول

منزلت سبک زندگی منتظرانه

انگیزه، موتور حرکت انسان به سوی موضوعات گوناگون است و برای تحریک انسان به سوی مقصدی باید با شناخت دادن وی به جایگاه آن، انگیزه او را برانگیخت. اما باید بدانیم که زمینه‌های انگیزشی انسان‌ها به خاطر تفاوت شاکله ای و معرفتی آنها متفاوت است. حدیث معروفی درباره تقسیم بندی مردم در عبادت با توجه به نیت و قصدشان از معصومین صادر شده است که در فصل بندی این بخش از کتاب بی تأثیر نبوده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْعِبَادَةَ ثَلَاثَةٌ؛ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فَتَلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتَلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتَلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛ عبادت‌کنندگان سه دسته‌اند: ۱. گروهی که خدای عز و جل را از ترس عبادت می‌کنند و این عبادت بردگان است؛ ۲. مردمی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مزدبگیران است؛ ۳. دسته‌ای که خدای عز و جل را برای دوستیش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

حال با این مقدمه می‌گوییم وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله انتظار فرج را عبادت شمرده و فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ»؛^۲ انگیزه سازی برای مقید شدن به سبک زندگی منتظرانه را با طرح منزلت این شیوه از زندگی در قالب انگیزه‌های سه گانه می‌توان نام برد:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷.

فصل اول این بخش با عنوان فضیلت سبک زندگی منتظرانه با استفاده از تحریک انگیزه عنصر محبت است.

فصل دوم آن با عنوان ضرورت سبک زندگی منتظرانه با بهره گیری از تحریک انگیزه خوف و ترس.

کارکردها و آثار سبک زندگی منتظرانه، به منظور تحریک عنصر طمع و حس تاجرمانانه نیز در بخش سوم کتاب آمده است.

فصل اول.

فضیلت سبک زندگی منتظرانه

اگر بخواهیم در منزلت شیوه زندگی با محوریت انتظار حضرت موعود علیه السلام سخن بگوییم کافی است مروری به انبوه آیات قرآن کریم و احادیث پیشوایان معصوم در حوزه «انتظار» نماییم تا برتری زندگی منتظرانه را نسبت به سایر روشهای زندگی در نزد معصومین بیابیم.

گفتار اول. زندگی انبیا و اولیای الهی به رنگ انتظار

شوق به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در حقیقت شوق به حاکمیت حقیقت و عدالت در زندگی بشر است و این امر جز با استقرار دین خدا در جهان محقق نخواهد شد. جالب اینجاست که به گزارش قرآن کریم بعثت انبیا نیز جز با همین هدف نبوده است که: **﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾**؛ اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.^۱

اگر به آنچه در تبیین حقیقت انتظار گفته شد - که آن را جهاد و تلاش برای ظهور و حاکمیت حق معنا کردیم - دقت کنیم در می‌یابیم که زندگی پیامبران و به تبع ایشان اولیای الهی نیز زندگی منتظرانه بوده و روح انتظار بر تمام حیات مبارکشان سایه افکنده است. سیری در احوال ائمه بزرگوار ما نیز به خوبی گویای همین مطلب است به گونه‌ای که کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* که بر مبنای اندیشه مقام معظم رهبری تدوین یافته همین

زندگی جهادی را به تصویر می‌کشد. علاوه بر آن به صورت خاص نیز در سیره ائمه بزرگوار شواهد فراوانی وجود دارد که زندگی به انتظار دولت مهدوی را می‌توان نظاره نمود.

به عنوان نمونه خالد بن صفار از امام صادق علیه السلام می‌پرسد که آیا قائم آل محمد متولد شده است؟ ایشان در جواب می‌فرماید: «لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛ نه، و اگر او را درک کنم تمام عمرم، خدمتش خواهم نمود» و همین امر در بیان فضیلت این نوع از سبک زندگی برای ما کافی است. ایشان همان امام دلداده موعودی است که شخصی به نام سدیر صیرفی می‌گوید با مفضل بن عمرو، ابو بصیر و ابان بن تغلب به محضر مولای خود امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم و دیدیم که ایشان روی خاک نشستند و همچون کسی که فرزندش مرده است، جگر سوخته گریه می‌کند، آثار حزن و گریه به گونه‌هایش رسیده و رخساره‌اش دگرگون و چشمانش پر از اشک است و می‌فرماید:

«سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفْتُ رِقَادِي وَ ضَيِّقْتُ عَلَيَّ مِهَادِي وَ ابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُوَادِي سَيِّدِي غَيْبُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَ فَقَدْتُ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُفْنِي الْجَمْعَ وَ الْعَدَدَ فَمَا أَحْسُ بِدَمْعَةٍ تَرْقِي مِنْ عَيْنِي وَ أَيْنَ يَفْتُرُ مِنْ صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَايَا وَ سَوَالِفِ الْبَلَايَا إِلَّا مَثَلُ بَعِينِي عَنْ غَوَابِرِ أَعْظَمِهَا وَ أَفْضَعِهَا وَ بَوَاقِي أَشْدَّهَا وَ أَنْكَرِهَا وَ نَوَائِبِ مَخْلُوطَةٍ بِغَضْبِكَ وَ نَوَازِلِ مَعْجُونَةٍ بِسَخَطِكَ؛ ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بستم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده، و فقدان یکی پس از دیگری جمع و شمار را نابود کرده است، من دیگر احساس نمی‌کنم اشکی را که از دیدگانم بر گریبانم روان است و ناله‌ای را که از مصائب و بلاهای گذشته از سینه‌ام سر می‌کشد، جز آنچه را که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه گرفتاریها بزرگتر و جانگدازتر و سخت‌تر و ناآشنا تر است، ناملایماتی که با غضب تو در آمیخته و مصائبی که با خشم تو عجین شده است.

سدیر گوید: چون امام صادق علیه السلام را در چنین حالی دیدیم از شدت وله عقل از سرمان پرید و به واسطه آن رخداد وحشتناک و از شدت جزع قلوبمان چاک چاک گردید و

پنداشتیم که آن نشانه مکروهی کوبنده و یا مصیبتی از مصائب روزگار است که بر وی نازل شده است. و گفتیم: ای فرزند بهترین خلائق! چشمانت گریان مباد! از چه حادثه‌ای اشکتان روان و سرشک از دیدگانتان ریزان است؟ و کدام حالتی است که این ماتم را بر شما واجب کرده است؟ گوید: امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که بر اثر آن درونش برآمد و هراسش افزون شد و فرمود: وای بر شما! صبح امروز در کتاب جفر می‌نگریستم و آن کتابی است که مشتمل بر علم منایا و بلایا و مصائب عظیمه و علم ما کان و ما یکون تا روز قیامت است، همان کتابی که خدای تعالی آن را به محمد صلی الله علیه و آله و ائمه پس از او اختصاص داده است و در فصولی از آن می‌نگریستم، میلاد قائم ما و غیبتش و تأخیر کردن و طول عمرش و بلوای مؤمنان در آن زمان و پیدایش شکوک در قلوب آنها به واسطه طول غیبت و مرتد شدن آنها از دینشان و برکندن رشته اسلام از گردنهایشان که خدای تعالی فرموده است: «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَةً فِي عَقْبِهِ» که مقصود از آن ولایت است و پس از آنکه در آن فصول نگریستم رفتی مرا فرا گرفت و اندوه بر من مستولی شد.»^۱

گفتار دوم. امام مهدی علیه السلام و زندگی بر محور انتظار

بزرگترین فضیلت سبک زندگی منتظرانه آن است که خود مهدی منتظر علیه السلام چنین رویکردی را در زندگی برگزیده و بیش از هزار سال با چنین سبکی زندگی می‌کند، زیرا ما در ادعیه و زیارات حضرت بقیت الله - که مرجعی برای آگاهی به خواسته‌های اوست - ایشان را نیز از طرفی مجاهد (الْجَحَّاجِ الْمُجَاهِدِ)^۲ و از سوی منتظر ظهور خودشان، معرفی می‌کنیم. به عنوان نمونه در ضمن دعایی که توسط نایب چهارم امام عصر به ما رسیده و سفارش شده که در عصر غیبت بخوانیم و با عبارت: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ...» آغاز می‌شود، چنین می‌گوییم: «...فِيَا ذِيكَ غَابَ عَنِّي بَرِّيَّتِكَ وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ!...»^۳ و با اذن تو از مردمان غایب گردید و در انتظار امر تو برای ظهور به سر می‌برد». همچنین در بخشی از دعای منسوب

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۳۱-۳۳.

۲. مصباح المتنهجد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۰۹.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۲.

به امام زمان در حال قنوت آمده است: «إِنَّا لَغَضَبِكَ غَاضِبُونَ وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَإِلَى وَرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأِفُونَ وَلِإِنْجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ...»^۱ به درستی که ما به خاطر خشم تو خشم می‌کنیم و بر یاری حق تعصب می‌ورزیم و برای رسیدن فرمان تو مشتاقیم و منتظر برای برآوردن وعده تو و در انتظار فرا رسیدن عذابت بر دشمنانت هستیم. خداوندا پس به این وعده اذن بده و راههای آن را بگشای و مسیر خروج و قیامش را آسان نما...؛ بنابراین اگر بخواهیم از جنبه الگویی نیز به این امر بنگریم و به انسان کاملی که جانشین خدا و هادی انسانها در زمین است تاسی بجوییم، زندگی مطلوب و سعادت‌بخش در عصر غیبت، زندگی بر محور انتظار یا همان سبک زندگی منتظرانه خواهد بود. بدیهی است که مزین شدن به این شیوه زیستن، امام عصر را که «عین الله الناظرة» و چشمان ناظر پروردگار عالم در میان مردمان است راضی و خشنود خواهد کرد و دعای خیر او را نصیب کسانی که زندگی منتظرانه را به عنوان سبک زندگی خویش برگزیده‌اند خواهند فرمود؛ کما اینکه در نامه مشهور امام زمان به شیخ مفید آمده است:

ما مؤمنان شایسته کردار را با نیایش و دعایی که از فرمانروای آسمانها و زمین پوشیده نمی‌ماند حفاظت و نگه داری می‌کنیم؛ بنابراین قلبهای دوستان ما به دعای ما به درگاه الهی آرامش و اطمینان یابد و به کفایت آن آسوده خاطر باشد.^۲

۱. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۶۷.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶.

فصل دوم. ضرورت سبک زندگی منتظرانه

پس از بیان فضیلت سبک زندگی منتظران، می‌توان از ضرورت زندگی به این سبک سخن گفت. به راستی چه نیازی به زیست منتظرانه است و فقدان آن موجب چه خسارت‌هایی خواهد شد؟ بدیهی است که پاسخ به این سؤال، زمینه مناسبی برای ورود به موضوع سبک زندگی منتظران و مسائل آن خواهد بود. پاسخ به این پرسش را از چند منظر می‌توان مورد دقت قرار داد:

گفتار اول. سرنوشت سازی سعادتمندانه

شاید بتوان مهمترین اثر در مسیر درک اهمیت سبک زندگی منتظرانه را حصول عاقبتی خوش و سرنوشتی نیک دانست (اصل این مطلب قبلا در بحث ضرورت توجه به سبک انتخابی در زندگی توضیح داده شد).

در سخنی از امام صادق علیه السلام آمده است:

طُوبَى لَشَيْعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلَىكَ
أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ سعادت و نیک‌بختی از آن شیعیان
قائم ماست؛ آنان که در غیبتش، منتظر ظهورش و در ظهورش، فرمان‌برش هستند؛
ایشان همان اولیای الهی هستند که نه ترسی دارند و نه اندوهگین هستند.^۱

بی‌شک علت این امر را باید در جایگاه انتظار جستجو نمود، چرا که در ادبیات پیشوایان دین، انتظار امام غایب، در کنار عواملی نظیر توحید و ولایت معصومین، سببی برای قبول

۱. کمال‌الدین و تمام‌التعمه، ج ۲، ص ۳۵۷.

اعمال به شمار می‌آید؛ کما این که یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید امام به من فرمود: *أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى؛ فَقَالَ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةَ لَنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا، يَعْنِي الْأُئِمَّةَ خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ وَالْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالطَّمَأِينَةَ وَالِاتِّظَارَ لِلْقَائِمِ؛* آیا به شما خبر ندهم به آنچه که خداوند عمل بندگان را بدون آن قبول نمی‌کند؟ عرض کردم: بلی؛ پس ایشان فرمود: شهادت به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد و اقرار به اوامر الهی و ولایت ما و برائت از دشمنان ما ائمه و تسلیم ایشان بودن و تقوا و تلاش و طمأنینه و انتظار حضرت قائم.

به همین جهت نه تنها «انتظار موعود»، به عنوان شیوه‌ای مطلوب در عصر غیبت امام زمان معرفی شده، بلکه به عنوان تنها سبک زندگی توسط معصومین قلمداد و تخطی از آن ممنوع شده است. عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام روایت می‌کند که ایشان فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ؛ ^۲ قائم ما همان مهدی است که انتظار در غیبتش و اطاعت در ظهورش واجب است.

اهمیت این مطلب را می‌توان از نگاهی دیگر و با درنگ در حدیث معروف «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلية» ^۳ به دست آورد، زیرا در این سخن نورانی، عاقبت کسی که معرفت امام زمانش را نیافته و او را پیشوا و واجب‌الاطاعة در طول زندگی و تمام عرصه‌هایش نداند، خروج از دنیا با حالت غیر مسلمان معرفی کرده است و معلوم است که از طرفی کسی به مرگ جاهلی و غیر اسلامی می‌میرد که به صورتی غیر اسلامی زندگی کرده باشد و از طرف دیگر دین به عنوان برنامه زندگی موفق، تنها به وسیله امام معصوم به دست می‌آید. بنابراین خروج از محور رضایت امام عصر علیه السلام حتی در رفتارهای ظاهری زندگی به نوعی خروج از زندگی اسلامی محسوب شده که نتیجه آن همان مردن به گونه جاهلی، یعنی عصر قبل از اسلام خواهد بود و این، یعنی هلاکت حقیقی انسان؛ لذا از همین رو در سلام به حضرت حجت اینگونه او را تنها راه نجات و سعادت خطاب می‌کنیم

۱. الغيبة نعمانی، ص ۲۰۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

و می‌گوییم: «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك»^۱.

گفتار دوم. امیدافزایی در زندگی

یأس و ناامیدی بزرگترین بلا در مسیر رستگاری و امید به آینده‌ای بهتر در رسیدن به اهداف و آرزوها، از بایسته‌های موفقیت در زندگی است. بشر همواره در صدد یافتن منبعی امیدزا بوده تا در پرتو انرژی آن بتواند موانع موجود در زندگی را تا رسیدن به هدفهایش بردارد. دانشمندان علم روانشناسی نیز درباره اهمیت آینده‌نگری در شخصیت افراد سخنان قابل درنگی گفته‌اند؛ از نظر آلپورت^۲، «داشتن هدفهای دراز مدت کانون وجود آدمی را تشکیل می‌دهد و بشر را از حیوان، سالمند را از کودک و در بسیاری از موارد شخصیت سالم را از شخصیت بیمار متمایز می‌سازد»^۳. وی بر این باور است که افرادی که از سلامت روان برخوردارند، فعالانه در پی هدفها و امیدها و رؤیاهای خویشند و رهنمون زندگی‌شان، معناجویی و ایثار و حسن تعهد است. تعقیب هدف، هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد. اگر هدفی را باید کنار گذاشت، باید بی‌درنگ انگیزه نوینی آفرید. افراد سالم به آینده می‌اندیشند و در آینده زندگی می‌کنند.^۴

فرانکل^۵ نیز معتقد است: شخصیت‌های سالم، ویژگی‌های دیگری هم دارند؛ به آینده می‌نگرند و به هدفها و وظایف آتی توجه می‌کنند. در واقع به چنین هدفهایی نیاز دارند. این ویژگی انسان است که تنها با نگرش به آینده می‌تواند زندگی کند... بدون اعتقاد به آینده، محمل معنوی زندگی از میان می‌رود و روح و جسم به سرعت محکوم به فنا می‌گردد. باید برای ادامه زندگی دلیلی داشت؛ در راه هدفی آتی کوشید، وگرنه زندگی معنای خود را از دست می‌دهد.^۶

۱. المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص ۵۸۷.

2. Allport

۳. روانشناسی کمال، ص ۱۶.

۴. همان، ص ۲۰.

5. Frankle

۶. روانشناسی کمال، ص ۱۶۵-۱۶۶.

اگر امید چنین نقش تأثیرگذاری در زندگی ما دارد باید به دنبال شیوه‌ای در زندگی بود که توأم با امید به آینده روشن و بهتری باشد و سبک زندگی منتظرانه واجد چنین خصوصیتی است؛ زیرا ویژگی این شیوه زندگی که با اعتقاد قلبی به قطعی بودن وعده الهی و اراده پروردگار مبنی بر تشکیل حکومت حق مهدوی در جهان که «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ شکل گرفته آن است که نیروی امید در کالبد فرد و جامعه منتظر دمیده می‌شود و همین امر پشتوانه محکمی برای فعالیتها است.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در سخنی روشنگر در این باره می‌فرماید:

اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرَج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند. شما کشتی‌ای را در یک دریای توفانی فرض کنید! اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، چه کار می‌کنند؟ آیا هیچ تصوّر می‌شود که این‌ها برای آنکه حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکنند؟ امید و افقی وجود ندارد. یکی از کارهایی که می‌توانند انجام دهند این است که در این مجموعه‌ی کوچک، هرکس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آنکه اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آنکه چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی شان ساحلی وجود دارد. اینکه آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلی که در دسترس آن‌هاست، وجود دارد. این افراد چه کار می‌کنند؟ تلاش می‌کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آن‌ها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت‌دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد

تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند. امید، چنین نقشی دارد.^۱

گفتار سوم. هویت سازی و مقاوم سازی در برابر فرهنگ مادی غرب

اهمیت التزام به سبک زندگی منتظرانه را از منظر هویت آدمی نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. فرهنگ معین، واژه هویت را چنین تعریف کرده است: «آنچه که موجب شناسایی شخص باشد. یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از دیگری باشد». موضوع هویت که در واقع پاسخی است به پرسش «من کیستم» و «ما چه کسی هستیم»، چه از لحاظ فردی و اجتماعی و چه از منظر مکتبی و نظایر آن از اهمیت فراوانی برخوردار است و در حوزه علوم مختلف مورد توجه واقع شده است و پژوهش مستقلی را می‌طلبد؛ اما مطالعاتی که بر مقوله تهاجم فرهنگی صورت گرفته نشان می‌دهد که غرب برای وارد کردن تفکر و فرهنگ خویش با بهره‌گیری از رسانه‌ها و محصولات علمی و فرهنگی آکادمیک خویش، از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند که یکی از این روش‌های حيله گرانه، هویت سازی و تغییر دادن باورهای درونی از طریق تغییر دادن جلوه‌های بیرونی بر اساس مبنای خویش است. مبنای چنین رویکردی نیز اصل تربیتی تأثیر متقابل ظاهر و باطن است و وقتی غریبه‌ها حمله مستقیم بر عقاید و باورهای ما از طریق باطن را ناکارآمد بدانند از راهی غیر مستقیم برای تغییر نگرشها استفاده می‌کنند و آن تغییر ظواهر با متد و معیارهای فرهنگ مادی غرب بوده و روشن است که این روش به خاطر غیر مستقیم بودنش از یک طرف و جهالت و سستی مسلمانان در پابندی به ظواهر فرهنگ اسلامی از طرفی دیگر که همانا با شعارهایی نظیر «مهم پاکی درون و دل است نه ظاهر» توجیه می‌شود، از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. متأسفانه «ما در دوره و جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که دچار نوعی آشفتگی و التقاط فرهنگی هستیم. ماها از یکسو تحت تأثیر تمدن غرب و از سوی دیگر، تحت تأثیر زندگی اجتماعی خودمان در قبل از انقلاب هستیم. از سوی سوم نگاهی داریم به منابع دینی و متأثر از منابع دینی هستیم. عوامل دیگری هم در فضای فرهنگی ما مؤثر

۱. بیانات در جمع اقدار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۷۴.

۲. فرهنگ معین، ج ۴، ص ۵۲۲۸.

است. خلاصه می‌توان گفت که با یک ملقمه فرهنگی مواجهیم. در حقیقت می‌شود گفت ما فاقد یک زندگی هستیم که سبک خاصی داشته باشد. بلکه ترکیبی است از عوامل مختلف که یک فضای ناهمگون را در زندگی ما ایجاد کرده است. در حالی که شرط اول در داشتن سبک زندگی، این است که اجزاء و عناصر تشکیل دهنده زندگی فردی و اجتماعی ما، با هم همساز باشند. همین که همساز نیست، نشان دهنده این است که ما سبک خاصی برای زندگی نداریم.... در آیات زیادی از ما خواسته شده که دینتان را خالص کنید. دینتان را خالص کنید، تنها به این معنا نیست که گزاره‌های اعتقادی تان را از شرک پاک کنید. دین به معنای راه و روش زندگی هم هست. اخلاص در دین، یعنی بیرون ریختن عناصر غیر دینی، غیر الهی، غیر مرتبط با اعتقاد و اندیشه‌مان از فضای زندگی مان. این، به معنای ایجاد یک سبک زندگی خاص است. پس لزوم تخلیص دین هم ما را به بحث سبک زندگی می‌کشاند؛^۱ بنابراین برای ساخت و حفظ هویت اسلامی خود باید سبکی در زندگی که بر پایه باورهای اصیل اسلامی است برگزینیم و گرنه چشم انداز آینده زندگی به سبک و روش غریبه‌ها، معتقد شدن به نگرش غیرمنطقی غرب و کنار گذاشتن آیین ناب اسلام است.

با این توضیح و نیز توجه جدی آموزه‌های دینی به اهمیت و ضرورت مقوله انتظار - که در قبل بیان شد - واضح است که مزین شدن سبک زندگی منتظرانه کمک به تثبیت هویت ایمانی و باورهای شیعی و مهدوی که رمز فلاح انسان است و عدم تقید به آن خوف از دست دادن این باورهای اصیل را به همراه خواهد داشت زیرا «امام همه چیز را در سبک زندگی ما تحت تأثیر قرار می‌دهد و به زندگی ما معنا می‌دهد؛...امام، هویت آدم را درست می‌کند و کسی که با اهل بیت علیهم‌السلام نیست، بی‌هویت است و این اهل بیت علیهم‌السلام هستند که سبک زندگی ما را با جزئیاتش برای ما مشخص می‌کنند و به آن معنا می‌دهند».^۲

۱. کارکرد قفه در سبک زندگی اسلامی (۱)؛ امیر غنوی؛ <http://www.einsad.ir>

۲. مقاله «امام، همه چیز را در سبک زندگی ما تحت تأثیر قرار می‌دهد»؛ علیرضا پناهیان؛ نشریه/مان، ش ۴۵.

گفتار چهارم. زمینه سازی برای ظهور

بایسته دیگری که این نوع از سبک زندگی را مهم می‌نمایاند، آماده نمودن زمینه‌های مردمی ظهور است. توضیح آنکه همه شیفتگان دستیابی به کمال انسانی، در انتظار موعود نجات بخشی هستند که جامعه بشریت را از غل و زنجیر ظلم و جور و جهل خلاصی بخشیده و راه رشد را برایشان هموار سازد؛ اما در جای خود ثابت شده است که ظهور منجی عالم بشریت علاوه بر تأییدات الهی، نیازمند بسترهای اجتماعی زمینه‌های مردمی می‌باشد.^۱

حال می‌گوییم دلایل فراوانی وجود دارد که سبک و روش غلط زندگی انسانها از مهمترین عواملی است که مانع ظهور امام شده است. از حضرات معصومین و نیز شخص مهدی علیه السلام سخنان زیادی به دست ما رسیده است که اثبات‌گر همین مطلب است. امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که ایشان روزی بر بالای منبر فرمود:

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعِمِّي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؛^۲ زمین هرگز خالی از حجت نخواهد ماند و لکن به زودی چشمان مردم به خاطر ظلم و جور و اسراف بر خودشان از دیدن وی نابینا خواهد گشت.

از خود امام زمان علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:

فَمَا يُحْبَسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ؛^۳ چیزی جز اعمال ناپسندشان که به ما می‌رسد، ما را از آنها حبس ننموده است.

در داستان علی بن ابراهیم بن مهزیار که پس از بیست بار سفر به حج موفق به دیدار با امام زمان علیه السلام شده بود، امام عصر ضمن دیدار با وی فرمود: «ای ابالحسن! ما شب و روز در انتظار تو بودیم! چه چیزی باعث تأخیر تو در تشریف به سوی ما شد؟» او می‌گوید: عرض کردم: آقای من! تاکنون کسی را نیافته‌ام که مرا به نزد شما راهنمایی کند؛ امام به

۱. برای مطالعه بیشتر رک: جایگاه اختیار و تلاش انسان در پدیده ظهور، حسن ملایی، فصلنامه علمی-ترویجی

انتظار موعود، ش ۳۶.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۱۴۱.

۳. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۳.

وی فرمود: « کسی را نیافتی که تو را (به نزد من) راهنمایی کند؟! نه (این چنین نیست)!... لَكِنَّكُمْ كَثَرْتُمْ الْأَمْوَالَ، وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَى ضَعْفَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَطَعْتُمْ الرَّحِمَ الَّتِي بَيْنَكُمْ، فَأَيُّ عُذْرٍ لَكُمْ الْآنَ؟؛ لیکن شما اموالی فراوان انباشتید و ضعفای مؤمنین را به زحمت افکندید و پیوند رحمی که در میان خود داشتید، قطع کردید، دیگر (و در این صورت)، چه عذری برای شما خواهد ماند؟^۱»

ملاحظه می کنید که تمام انتقاد امام علیه السلام به شیوه نادرست در زندگی و تعامل با دیگر شیعیان است. لذا از همین روست که دائماً این چنین این سخن حضرت بقیة الله علیه السلام را به ما گوشزد کرده اند که:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْئِيهِ مِنْ كَرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا؛ هر یک از شما باید عملی که مایه نزدیکی به محبت ماست انجام داده و از هر آنچه که باعث ناخوشنودی و خشم ما می شود دوری گزیند.

و نیز امام قائم علیه السلام در سخنی دیگر تصریح می فرماید که:

وَ اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛^۲ مقصد خود را با دوستی ما بر اساس سبک و روشی روشن به طرف ما قرار دهید.

به بیان دیگر التزام به سبک زندگی منتظرانه، مزین شدن به «عملوا الصالحات» و مفتخر شدن به مدال «عبادی الصالحون» است و از همین روست که در آیات مهدوی به این رمز ظهور اشاره رفته و بیان شده که: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛^۳ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به

۱. دلائل الإمامة، ص ۵۴۲.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳. الغيبة طوسی، ص ۲۸۶.

۴. نور / ۵۵.

سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند. و نیز فرمود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. این صلاحی که در حوزه عمل و رفتار، این قدر مورد تأکید آیات قرار گرفته است قطعاً بخش قابل توجهی از آن به سبک زندگی ما بر می‌گردد و نشان‌گر آن است که اگر ما روش زندگی صالحان را در زندگی خود برگزینیم، صداقت خویش در پذیرش ولایت مهدوی را به حضرت رب العالمین ثابت نموده و اذن الهی بر ظهور ولی الله الاعظم را دریافت خواهیم نمود، چرا که این شیوه از زندگی، خود به خود یاران مورد نیاز قیام قائم را نیز فراهم می‌کند و به همین دلیل است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ...»^۲ کسی که دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد...».

نهایتاً اینکه اگر بخواهیم تحلیل عمیق‌تری نسبت به اصلاح مقوله سبک زندگی در جامعه منتظران، داشته باشیم باید آن را به تقویت روحیه ولایت‌پذیری و اطاعت از امام زمان علیه السلام در سطح اجتماع، برگردانیم و این همان امری است که برای ظهور امام ضروری بوده و نبودش باعث غیبت بیش از هزار ساله وی شده است.

۱. انبیاء / ۱۰۵.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۰.

بخش دوم

ماهیت سبک زندگی منتظرانه

سخن آغازین

مهمترین پرسشی که پس از طرح منزلت سبک زندگی منتظرانه به ذهن می‌رسد، چرایی گفتگو درباره این شیوه از زندگی بوده و این که اساساً چه ضرورتی دارد که از سبک زندگی منتظرانه صحبت کنیم؛ اما قبل از پاسخ به ضرورت سبک زندگی منتظرانه باید به یک پرسش پیشینی جواب داد و آن این که چرا باید روشمند و با سبک، زندگی کنیم و اگر کسی در زندگی خود سبک و شیوه کلی نداشته باشد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ خود بحث از سبک زندگی با خود سؤالهای دیگری را به همراه خواهد داشت که مهمترین آنها عبارتند از: ضرورت بحث از سبک زندگی، چیستی و تعریف سبک زندگی و ویژگیهای سبک زندگی.

بدیهی است که پاسخ به این سؤالها، زمینه مناسبی برای ورود به ماهیت سبک زندگی منتظرانه و سپس مسائل دیگر آن خواهد بود. البته در این بخش پس از اختصاص یک فصل درباره سبک زندگی فصل دیگری نیز با محوریت انتظار برای به دست آوردن تعریفی از سبک منتظرانه اختصاص یافته است.

فصل اول. درباره سبک زندگی

گفتار اول. ضرورت بحث از سبک زندگی

اگرچه سخن از ضرورت سبک زندگی نیازمند واژگای و اصطلاح و خود آن دارد اما در این مجال به بیان ضرورت و لزوم داشتن سبک در زندگی و انتخاب آگاهانه آن به صورت مختصر می‌پردازیم و توضیح مفاهیم آن را بعد از آن خواهیم آورد:

۱. اجباری بودن سبک برای زندگی

اگر با توجه به زندگی انسانها به سؤال چرایی لزوم داشتن سبک در زندگی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که هیچ یک از ما نیست که در زندگی خود سبکی نداشته باشد. برخی گمان می‌کنند که شاید بتوان زندگی آزاد و بدون سبکی داشت و زیر بار هیچ محدودیتی نرفت و هرگونه که خواست زندگی کرد؛ اما اگر نگاهی به اطرافیان بیندازیم حتی آنهایی که به ظاهر، آزاد زندگی می‌کنند سبکی در زندگی دارند. حقیقت آن است که هیچ انسانی نمی‌تواند در زندگی بدون سبک باشد؛ درست مثل لیوانی که بالاخره چیزی در آن است: آب، چای، آب میوه و...؛ حتی در صورت خالی بودن، پر از هواست. بنابراین چنین وضعیتی به ما گوشزد می‌کند که یا باید انتخاب کنیم و یا اینکه برایمان انتخاب می‌کنند و اگر در زندگی شیوه و برنامه‌ای برای رسیدن به هدف زندگی نداشته باشیم که طبق آن زندگی کنیم حتماً بر طبق سبک و برنامه دیگران و به سوی اهداف آنها در تلاش و تکاپو هستیم.

۲. محدود بودن سرمایه‌های زندگی

عمر و سرمایه‌های گوناگونی که هم اکنون در اختیار ما قرار گرفته است از جهت کمی

و کیفی محدود و موقت بوده و «فرصت، همانند ابر باران زایی می‌گذرد»^۱ این سرمایه‌ها تنها، زمینه‌ای است که در صورت بهره برداری درست از آن باعث دستیابی ما به آرزوهایمان خواهد شد و در غیر این صورت چه از آن استفاده نکنیم و چه بد استفاده کنیم موجب ناکامی و نابودی ما خواهد شد. از سفارش پیامبر اسلام ﷺ به امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که:

بَادِرُ بَارِعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ؛ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتِكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ^۲، قبل از چهار امر به چهار چیز پرداز؛ جوانی پیش از پیر شدن و سلامت قبل از مریض شدن و بی‌نیازی قبل از فقرت و زندگی پیش از مرگت.

در حقیقت مثل عمر ما مثل بنزین برای ماشینی است که به خاطر محدودیتش باید درست از آن استفاده کرد تا قبل از اتمام آن ما را به مقصود و شهر آرزوهایمان برساند و این درست استفاده کردن، یعنی سبک و شیوه. ما عمر، جوانی، سلامتی و ثروت محدود و موقتی داریم و طبق سفارش قبلی رسول خدا ﷺ باید قدرشان را بدانیم و حداکثر استفاده را از آنها بنماییم. اما باید بدانیم که همه اینها به عمل بر اساس آگاهی، دوراندیشی و تدبیر و برنامه‌ریزی بستگی دارد؛ چرا که به فرموده حضرت علی علیه السلام:

قوام العیش حسن التقدير و ملاکه حسن التدبير؛ قوام زندگی به برنامه‌ریزی نیک و معیارش به حسن دوراندیشی و تدبیر است.^۳

۳. گره خوردن سرنوشت انسان به سبک زندگی

مهمترین دغدغه همه انسانها در همه تاریخ، نگرانی نسبت به آینده و ترس از کیفیت سرنوشت است. حتی هر آنچه که در باب محدود بودن امکانات و داراییها گفته شده به نوعی در مواجهه با آینده نامعلوم باعث دلهره و تشویش و اقدام منطقی در استفاده از آنها خواهد بود. اما نکته مهم اینجاست که سرنوشت انسانها ارتباط زیادی به نحوه زیستن و شیوه و سبک زندگی آنها دارد. به فرموده رسول اکرم ﷺ:

۱. حضرت علی علیه السلام: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ»؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۱.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۷.

۳. غررالحکم، ص ۳۵۴.

كَمَا تَعِيشُونَ تَمُوتُونَ وَ كَمَا تَمُوتُونَ تُبْعَثُونَ وَ كَمَا تُبْعَثُونَ تُحْشَرُونَ؛^۱ همان گونه که زندگی کنید می‌میرید و همان طور که می‌میرید برانگیخته می‌شوید و به همان سان که برانگیخته می‌شوید (برای حساب‌رسی و تعیین سرنوشت) محسور خواهید شد. همه اینها گواه آن است که روشمند بودن، آن قدر در زندگی مهم است که زندگی، بدون شیوه و برنامه مبتنی بر بینش و نگرش صحیح، سود و فایده‌ای ندارد؛ کما اینکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

لَا حَيَاةَ إِلَّا بِالذِّينِ؛ حیات حقیقی تنها در سایه دین داری است.^۲

البته اینکه معیار برنامه‌ریزی صحیح و انتخاب سبک صحیح زندگی چیست، مطلبی دیگر است که لابلائی مطالب این نوشتار به آن پاسخ خواهیم داد.

۴. تأثیر سبک زندگی بر باورهای درونی

در هنگامه طرح موضوع سبک زندگی و تکرار فراوان آن توسط افراد و رسانه‌ها، ممکن است کسی بگوید چه اهمیتی دارد که برای تأمین نیازها و گذران زندگی خود از چه سبکی استفاده کنیم؟ در پاسخ باید گفت: یکی از اصول مهم تربیتی و آموزه‌های دینی، اصل ثابت شده رابطه ظاهر با باطن و تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر است. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

ما بین ظاهر و باطن و سرّ و علن انسانی، یک ارتباط و علاقه طبیعی‌ای است که آثار هر یک و افعال و حرکات هر یک را در دیگری سرایتی عظیم و تأثیری غریب است؛ و این مطلب علاوه بر آنکه برهانی است، وجدان و عیان هم شاهد بر آن است؛ چنانچه حالات صحت و مرض بدن و عوارض مزاجیه و حالات داخلی و خارجی بدن، در روح و باطن مؤثر است؛ و به عکس، حالات خلقیه و روحیه و ملکات نفسانیه در حرکات و سکنات و افعال بدنیه، طبعاً و من غیر روئیه، مؤثر است.^۳

اما متأسفانه این اصل مهم در تربیت و خودسازی معمولاً از جنبه تأثیر ظاهر بر باطن،

۱. عوالمی اللئالی، ج ۴، ص ۷۲.

۲. الإرشاد، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. سر الصلوة، ص ۲۸.

مورد بی توجهی مسلمانان واقع شده است؛ در حالی که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ»؛ سپس، سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می‌نمودند».

طبق این آیه شریفه اهمیت عمل و رفتار آدمی از این جهت که بر عقاید و باورهای آدمی تاثیر می‌گذارد با اهمیت تلقی شده است و به همین علت، اظهار آداب و ابراز شعائر دینی از نشانه‌های تقوا و خداباوری قلمداد شده است: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۲.

امام خمینی به خاطر همین بی‌توجهی به ظواهر دینی و آن هم در پوشش دین‌داری چنین هشدار می‌دهد که:

از شدت اتصال و وحدت مقامات نفسانیّه، تمام احکام باطن به ظاهر و ظاهر به باطن سرایت کند. از این جهت در شریعت مطهره به حفظ ظاهر و صورت، خیلی اهمیت داده شده است، حتی در کیفیت نشستن و برخاستن و راه رفتن و گفتگو کردن دستوراتی داده شده؛ زیرا از تمام اعمال ظاهریه، در نفس و روح ودیعه‌هایی گذاشته می‌شود که روح به واسطه آنها تغییرات کلی حاصل می‌کند.^۳

نیز می‌فرماید:

هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود مگر آنکه ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت. و تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچیک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود، و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود. و پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متأدب به آداب ظاهره خواهد بود. و از این جهت دعوی بعضی باطل است که به ترک ظاهر، علم باطن پیدا شود. یا پس از پیدایش آن به آداب ظاهره احتیاج نباشد و این از جهل گوینده است به مقامات عبادت و مدارج

۱. روم/۱۰.

۲. حج/۳۲.

۳. سرالصلوة، ص ۲۹.

انسانیت.^۱

در اهمیت رابطه و تأثیر متقابل جسم و روح و نیز باور و رفتار در این نوشتار توضیحات مفصل‌تری ارائه خواهد شد.

علاوه بر آن سبک زندگی دارای آثار کارکردهای ویژه‌ای نیز هست که به منظور طولانی نکردن سخن آن را در بخش‌های بعدی بیان خواهیم نمود.

گفتار دوم. مفهوم سبک زندگی

پس از بررسی اجمالی ضرورت سبک زندگی، برای فهم عمیق جایگاه سبک زندگی منتظرانه ابتدا باید به سراغ شناخت ماهیت و تعریفی واضح از «سبک زندگی منتظرانه» رفت و در همین راستا بررسی مفهوم «سبک»، «زندگی»، اصطلاح «سبک زندگی» و در نهایت، حقیقت «انتظار» در فرهنگ مهدویت، ضروری است.

۱. معنای سبک

«سبک» در لغت در معانی گوناگونی همچون روش، متد و شیوه، کاربرد داشته و در استعمال مردم از حیث گستره رفتار ظاهری، بر محدودترین فعالیتها نظیر شیوه نشستن تا گسترده‌ترین آنها در تمام ابعاد زندگی - که بحث کنونی این نوشتار است - اطلاق می‌شود و البته نوعی ثبات و پایداری در آن نهفته است کما اینکه هیچ‌گاه به کسی که تنها یک‌بار یا چند بار در کار یا ورزشی از شیوه‌ای استفاده می‌کند گفته نمی‌شود که سبک او این چنین است. چه بسا بتوان سبک زندگی را رویکرد و روح حاکم بر رفتارهای شخص نیز تلقی نمود.

نکته‌ای را هم در راستای تصور درست مفهوم سبک زندگی و در تبیین معنای سبک با واژگان مشابه باید ذکر نمود و آن اینکه برخی معتقدند:

در علوم اجتماعی سبک زندگی غیر از شیوه زندگی دانسته شده که در انگلیسی از آن به way of life یاد شده است؛ چرا که شیوه زندگی، مفهومی عام و کلی است که هر گونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه تمدن‌ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران‌های ماقبل مدرن

۱. شرح چهل حدیث، ص ۸.

و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می‌گیرد.^۱ اساساً نسبت میان شیوه زندگی و سبک زندگی، نسبت عموم و خصوص مطلق است؛ چرا که سبک زندگی از دل شیوه زندگی بیرون آمده و تولید می‌شود. سبک زندگی همان شیوه زندگی در هنگامی است که در مدل، فرم و صورت‌های خاص و ویژه‌ای منجمد و متجسد و قالب بندی شود. به عنوان نمونه در شیوه زندگی غربی‌ها می‌توان انواع سبک‌های زندگی چون سبک زندگی فرانسوی، سبک زندگی انگلیسی و سبک زندگی آمریکایی را یافت.^۲

۲. معنای زندگی

از جمله واژگانی که در تبیین سبک زندگی مؤثر است شناخت معنای زندگی است؛ زیرا به فرموده حضرت آیت الله خامنه‌ای: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است».^۳

درباره مفهوم «زندگی» نیز باید گفت: گرچه به قول علامه شهید مطهری: با اینکه حقیقت حیات بر بشر مجهول و یا غیر قابل درک است، آثار حیات و زندگی از همه چیز نمایان‌تر و آشکارتر است.^۴

و آن را از جمادات و موجودات بی‌روح متمایز می‌کند، اما با مروری اجمالی به کاربرد این واژه در میان مردم در تعریفی بسیار ساده و عمومی، زنده بودن، به مدت زمان محدودی که آثار حیات یعنی درک و تحرک در موجودی بروز می‌کنند و زندگی نیز به تکاپوی موجود دارای روح اطلاق می‌شود.

نکته مهمی که باید در فهم و شناخت حقیقت مفهوم زندگی مورد توجه قرار گیرد فرق بین «زنده بودن» با «زندگی کردن» است. «زنده بودن» وصفی است برای موجودی که امکان ظهور و بروز آثار حیات در اوست و لو اینکه از آن آثاری صادر نشود. مثل انسانی

۱. دین و سبک زندگی، ص ۲۰۱.

۲. همان، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۳. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۲۳/۷.

۴. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۳، ص ۳۷۰.

که بیهوش روی تخت خوابیده است؛ این شخص گرچه زنده است اما چیزی درک نمی‌کند و قدرت بر حرکتی ندارد و در مقابل گفتار و کردار دیگران عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد. اما «زندگی کردن» به معنای به جریان انداختن این وصف و بروز دادن آثار آن است که عبارتند از درک و آگاهی و قدرت بر حرکت و عکس‌العمل به منظور دستیابی به هدف و آرمایی. البته این هدف در موجودات مختلف و از جمله انسان متفاوت بوده و قطعاً زندگی حقیقی یک انسان از سایر موجودات متمایز است.

۳. زندگی و اهداف آن

حال که در توضیح فرق بین زنده بودن و زندگی به جایگاه هدف در زندگی پی بردیم بسیار مناسب است که کمی در این باره سخن بگوییم، چرا که نوع هدفی که ما برای زندگی خود برمی‌گزینیم در تعیین سبک زندگی تأثیر دارد. از همین روست که این مطلب حتی در تعریف سبک زندگی نیز دخالت داشته به گونه‌ای که در نظر برخی از دانشوران «سبک زندگی، شیوه خاص فرد در اندیشه، نگرش و احساس او نسبت به زندگی است»^۱. درباره نقش هدف و آرمان در زندگی فراوان گفته شده است؛ اما یکی از روشن‌ترین بیانات در این باره که اتفاقاً به آرمان مهدویت و زندگی منتظرانه هم مرتبط است کلام حضرت امام خامنه‌ای در این باره است:

دو نوع زندگی برای آحاد بشر وجود دارد. یک زندگی، زندگی برای نیازهای مادی شخص است. زحمت می‌کشد، کار می‌کند، دوندگی می‌کند برای خود، برای شخص خود و آنچه که به شخص او مربوط می‌شود...؛ این، یک نوع زندگی است و خیلی از انسانها این‌گونه زندگی می‌کنند. این‌گونه زندگی کردن، خصوصیت تلخی دارد. حالا از محاسبه الهی و آخرتی که بعضی به آن اعتقاد دارند و بعضی ندارند، صرف نظر کنیم. در همین دنیا، این‌گونه زندگی کردن، دشواری بزرگی دارد. آن هم این است که اگر فرض کنیم همه‌ی این تلاشها هم موفق از آب درآمد، واقعاً کارکرد و به اهداف خود رسید؛ می‌خواست پول‌دار بشود و پول‌دار شد؛ می‌خواست لذت ببرد و لذت برد؛ می‌خواست به شهوات دست بیابد، می‌خواست به قدرت و به‌عنوان و مقام برسد و بالاخره به همه این‌ها رسید و فرض کنیم همه این کامیابی‌ها هم حاصل شد

۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۱۰۱.

بعد از طی سالیانی، وقتی انسان احساس کرد که به سرآشوب عمر افتاده است و به اواخر عمر نزدیک می‌شود، به پشت سر که نگاه می‌کند همه‌اش حسرت است... . نوع دوم زندگی این است که انسان برای هدفی زندگی کند؛ هدفی که از خود او بیرون باشد. نمی‌گوییم این هدف، همیشه الهی باشد. حتی اگر این هدف، مادی هم باشد، اما مربوط به کلّ جامعه یا برای بشریت باشد اگرچه تلاش کردن برای چنین هدفی، ممکن است انسان را از مسائل شخصی، مقداری بازدارد؛ این حسن بزرگ را دارد که وقتی انسان تلاش کرد، این تلاش همیشه موفق است. کار برای اهداف عالی، همیشه موفق است... در این نوع زندگی، هرچه می‌گذرد انسان احساس می‌کند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشیده است. اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد، به آرمان‌های خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به استقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس می‌کند که به هدف نزدیک‌تر شده است. در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه می‌کند، می‌بیند فرسنگها به هدف نزدیک شده است، لذا حسرت ندارد و احساس لذت می‌کند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمان‌ها و هدفهای والا.^۱

ایشان در جایی دیگر عقیده به امام زمان را همان مصداق عینی آرمان والای بشریت معرفی نموده و فرمود:

آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فرو خورده انسان‌ها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است؛ تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید، تار و پود ظلم و ستم را - که انسان‌های شریر در همه تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد.^۲

بدیهی است که هدف قرار دادن چنین آرمانی در زندگی، تغییرات قابل توجهی را در شیوه زیستن و سبک زندگی آدمی به وجود خواهد آورد.

۴. جایگاه امام در زندگی انسان

با نگاهی قرآنی به مقوله حیات انسان می‌فهمیم که آدمی، حیات ویژه‌ای نسبت به

۱. دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۷۱.

۲. جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته بسیج و روز ولادت حضرت مهدی علیه السلام ۳ / ۹ / ۱۳۷۸.

موجودات دیگر دارد و تا زمانی که به آن نرسیده باشد انسان مرده‌ای بیش نیست و لو حرکت و جنبش داشته باشد. حال باید بگوییم که چنین حیاتی تنها از جانب خداوند و خلیفه او (رسول و امام) پس از قبول دعوت ایشان بر ما افزایده می‌شود کما اینکه قرآن کریم خطاب به خدایاوران فرمود:

﴿يا ايها الذين آمنوا استجيبوا لله ولرسوله إذا دعاكم لما يخيكم﴾^۱ ای کسانی که ایمان آوردید هنگامی که خدا و رسولش شما را به چیزی که مایه حیات شماست دعوت می‌کنند، استجاببتان نمایید.»

از این آیه شریفه، می‌توان یکی از جایگاه‌های امام و خلیفه الهی - که همانا اعطای حیات حقیقی و انسانی به انسانهاست - استفاده نمود و به همین خاطر است که خطاب به امام عصر علیه السلام می‌گوییم: «السلام عليك يا عين الحياة؛ سلام بر تو ای چشمه زندگی»^۲. با شناخت چنین جایگاه بی‌بدیلی است که معرفت امام زمان، رمز حیات حقیقی و عدم شناخت وی عامل مرگ جاهلی معرفی شده است؛ چنان که فرمودند: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية»^۳. در این سخن نورانی، عاقبت کسی که معرفت امام زمانش را نیافته و او را پیشوا و واجب‌الاطاعة در طول زندگی و در تمام عرصه‌هایش نداند، خروج از دنیا با حالت غیر مسلمان معرفی کرده است و اعمال چنین فردی مورد قبول حضرت حق نخواهد بود. معلوم است که از طرفی کسی به مرگ جاهلی و غیر اسلامی می‌میرد که به صورتی غیر اسلامی زندگی کرده باشد و از طرف دیگر دین به عنوان برنامه زندگی موفق، تنها به وسیله امام معصوم به دست می‌آید؛ بنابراین خروج از محور رضایت امام عصر حتی در رفتارهای ظاهری زندگی به نوعی خروج از زندگی اسلامی محسوب شده که نتیجه آن، همان مردن به گونه جاهلی یعنی عصر قبل از اسلام خواهد بود.

بنابر آنچه که درباره حیات ویژه آدمی و نقش امام در دستیابی به آن بیان شد می‌توان گفت: در چشم‌انداز مهدویت، بهترین هدفی که آدمی می‌تواند برای زندگی خود در نظر بگیرد

۱. انفال/۲۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۱۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

و در راستای تحقق آن تلاش کند، همان هدفی است که خداوند انسان‌ها را برای تحقق آن خلق کرده است. در واقع، بهترین هدف برای زندگی عبودیت خداوند است و کسانی که این هدف را برای زندگی خود برگزیده‌اند، انسان‌های موفق و ارزشمندی محسوب می‌شوند. برای رسیدن به این هدف و تحقق آن در زندگی، خداوند راهی را به انسان‌ها معرفی کرده و از آنها خواسته تا از این راه به سوی خدا و عبودیت او حرکت کنند. این راه، حجت‌های الهی و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که اراده خداوند را تحقق می‌بخشند و برای قرب به خداوند تنها راه محسوب می‌شوند.^۱

۵. معنای سبک زندگی

پس از تبیین اجمالی مفهوم «سبک» و «زندگی»، باید تصور صحیحی نیز از اصطلاح «سبک زندگی» داشته باشیم؛ چرا که ترکیب لغوی این دو واژه لزوماً مترادف با معنای اصطلاحی آن نیست.

اصطلاح «سبک زندگی»^۲ که اولین بار توسط روان‌شناسی به نام آلفرد آدلر^۳ در سال ۱۹۲۹ ابداع و البته بعدها در سایر علوم استعمال شد، مفهوم اصطلاحی خاصی دارد؛ از نظر وی «سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارد».^۴

البته بعدها تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. به عنوان مثال، زیمل^۵ می‌گوید: سبک زندگی، تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزشهای بنیادی خود در فرهنگ عینیش و شناساندن آن به دیگران.^۶

۱. مقاله «بهترین سبک زندگی یک منتظر»؛ امیر منتظر قائم؛ نشریه آیه، ویژه نامه دین و فرهنگ.

۲. Life Style

۳. Alfred Adler

۴. به نقل از برزگر، ابراهیم. روان‌شناسی سیاسی.

۵. Simmel

۶. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۳۴.

از نظر گیدنز:^۱

سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می‌کند.^۲ بوردیو^۳ نیز می‌گوید:

سبک زندگی فعالیت‌های نظام مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند.^۴

نویسنده‌ای پس از بررسی تعاریف مختلف در باب سبک زندگی معتقد است که:

تقریباً در اکثر تعاریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است؛ و در واقع هر دو مفهوم هم، به واژه «سبک» باز می‌گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام مندی این کُل را از کُل‌های دیگر متمایز می‌کند.^۵ همچنین نکته‌ای که در بیشتر تعریفها باعث تمایز مفهوم سبک زندگی از مفاهیم مشابه (مانند فرهنگ یا پاره فرهنگ، هویت، شخصیت و...) محدودسازی می‌شود، خلاقانه و گزینشی بودن اجزا و عناصر سبک زندگی است.^۶

این را هم باید دانست که آنچه هم اکنون از این واژه در اذهان تداعی می‌شود همان معنایی است که غالباً در علوم اجتماعی متداول بوده و آن، یعنی هنجارها و رفتارهای ظاهری و مشهود در جامعه. اما نه تنها در دانش روان‌شناسی و در بحث از سبک زندگی،

1. Giddens

۲. تجدد و تشخیص، ص ۱۲۱.

3. Bourdieu

۴. به نقل از سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۳۷.

۵. مقاله «مفهوم سبک زندگی»، محمد سعید مهدوی کنی، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، ش ۱.

۶. دین و سبک زندگی، ص ۵۸.

علاوه بر «هست‌ها» به «ریشه‌ها»، «نگرش‌ها» و «باورهای» هویت بخش نیز توجه شده است؛ بلکه حتی برخی معتقدند:

با گذشت زمان و در آغاز قرن بیستم، به جای تمرکز بر رفتارهای مصرفی و تکیه بر جنبه‌های عینی زندگی انسان (و اتفاقاً در اصل خود بیشتر وابسته به نیازهای اولیه مانند خوردن، پوشیدن و مسکن) جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانوی انسان (مانند روابط انسانی، نگرش‌ها و گرایش‌ها) مورد توجه قرار گرفت.^۱

همه این مطالب گویای آن است که گرچه ما در سبک زندگی، جلوه‌های قابل مشاهده را بررسی می‌کنیم، اما این مطلب نباید ما را از توجه به مبانی و ارزشهای بنیادینی که یک سبک زندگی بر آن استوار است غافل نماید.

خلاصه آنکه با توجه به آنچه که در نوشته‌های مختلف دیده می‌شود می‌توان چنین برداشت کرد که «سبک زندگی عبارت است از رویکرد حاکم بر زندگی که مبتنی بر باورهای خاصی بوده و در رفتارهای شخص بروز پیدا می‌کند». در هر صورت دانستن این مطلب به ما می‌آموزد که اولاً تحلیلی یک سبک، ما را به باورها و ارزشهایی که موجب گزینش این نوع سبک خاص شده خواهد رساند و ثانیاً در تغییر یا ایجاد و ارائه سبک خاصی برای زندگی به ما کمک خواهد نمود.

گفتار سوم. نسبت اخلاق و ادب با سبک زندگی

پرسشی که ممکن است در زمینه مفهوم شناسی سبک زندگی به ذهن تبادر کند نسبت اخلاق و آداب با آن است و البته این نسبت با دقت در معنای اخلاق و ادب روشن می‌شود. «اخلاق، ملکه‌ای نفسانی است که موجب می‌شود کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از انسان صادر شود».^۲ همچنین در تعریف ادب گفته‌اند:

ادب، هیأت نیکو و پسندیده‌ای است که طبع انسان سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی (چه دینی باشد مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. جامع السعادات، ج ۱، ص ۴۶.

دوستان) بر طبق آن هیأت واقع شود. به بیان دیگر: ادب عبارت است از ظرافت عمل.^۱ اگر بخواهیم قبل از فهم رابطه سبک زندگی با اخلاق و ادب، از نسبت اخلاق و ادب سر در آوریم؛ در این زمینه کلام شیخ طبرسی راه‌گشاست. ایشان به شش تفاوت میان اخلاق و ادب اشاره کرده و می‌گوید:

۱. اخلاق از مسائل مربوط به روح انسانی بحث می‌کند؛ ولی آداب مربوط به افعال بدن است.

۲. مسائل اخلاقی همیشه و در طول زمان ثابت بوده و تغییر در آنها راه ندارد؛ ولی آداب در زمانهای مختلف متغیر و متفاوتند.

۳. مسائل اخلاقی از نظر مکان نیز ثابت داشته و در هر شهری و هر کشوری یکسان می‌باشند؛ اما آداب در شهرها و کشورهای مختلف تغییر نموده و آداب هر منطقه مخصوص همان مکان است... .

۴. اخلاق علت و آداب معلول و ثمره آن است.

۵. در روایات اسلامی به آداب بیشتر از اخلاق اهتمام شده است!

۶. مسائل اخلاقی قابل استدلال عقلی می‌باشند؛ ولی برای آداب، استدلالی عقلی وجود نداشته و تابع ذوق و سلیقه مردم می‌باشند.^۲

با توجه به تعاریف مذکور، اخلاق همانند فقه و عقاید، به عنوان مبنا و محور و اصول ثابت سبک زندگی قرار می‌گیرد و ادب در زمینه‌های مختلف، ممکن است به فراخور شرایط متغیر باشد. همچنین ادب به عنوان اجزای یک کلی به نام سبک زندگی محسوب می‌شود، زیرا همان طور که قبلاً اشاره شد، کلی بودن جزء تعریف و ماهیت سبک زندگی است. به بیانی دیگر «اگر بخواهیم رابطه سبک زندگی را با آداب بیان کنیم باید بگوییم هیئت ترکیبی آداب، یعنی رفتارهای ساده و جلوه‌های ظاهری ما وقتی به صورت یک پارچه در نظر گرفته می‌شود سبک زندگی ما را رقم می‌زند».^۳

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲. الآداب الدینیة للخزانة المعینیة، ص ۲۰۱.

۳. همیشه بهار(اخلاق و سبک زندگی اسلامی). ص ۲۹.

فصل دوم. ماهیت انتظار

گفتار اول. لزوم بازشناسی مفهوم انتظار

واژه دیگری که قبل از تعریف «سبک زندگی منتظرانه» و در جهت شناخت ماهیت آن باید واکاوی شود، واژه «انتظار» است که سهم قابل توجهی از روایات مهدوی را به خود اختصاص داده است. «انتظار» در فرهنگ لغات، به معنی چشم داشتن، چشم‌داشت و چشم به راه بودن^۱ است. اما باید دانست فضایل حیرت‌انگیز و کارکردهای تحیرآوری که درباره انتظار مهدی موعود^ع در سخنان نورانی پیشوایان ما مطرح شده است- و در مباحث بعدی تعدادی از آنها خواهد آمد- با اندک تأملی گویای این حقیقت است که صرف معنای لغوی انتظار که عبارتند از «چشم به راهی»، قطعاً مورد نظر این بزرگواران نبوده است، بلکه باید معنای اصطلاحی و حتی حقیقت و ماهیت آن در فرهنگ دینی به خوبی واکاوی شود. به عنوان نمونه وقتی امام صادق^ع می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ...»^۲ کسی که دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد منتظر باشد...». کاملاً روشن است که برای احراز شایستگی یاوری و پا رکابی حضرت قائم^ع چشم‌انتظاری صرف، کافی نیست؛ بلکه توفیق قرارگیری در زمره یاران حضرت نیازمند دارا بودن ویژگیها و کارایی‌های برجسته‌ای است که امام صادق^ع از آن با کلیدواژه «انتظار» یاد نموده است.

حقیقت آن است که «اگر مفاهیم واقعی واژه‌های اسلامی و معانی آنها درک شود،

۱. لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین، ذیل کلمه انتظار.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۰.

اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت دین و مقاصد آن برای جمعی پیش آمده، مرتفع، و هدف‌های واقعی و مقاصد حقیقی دین معلوم می‌گردد. و اگر الفاظ و اصطلاحات دینی بطور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به صورتی دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر نخواهد بود؛ زیرا موجب سوءظن و بدگمانی و برداشت‌های غلط و ناروا از دین می‌گردد؛ تا آنجا که مترقی‌ترین و کامل‌ترین مکتب را عامل انحطاط، زبونی، بی‌عدالتی و نابرابری می‌پندارند؛ و حقیقتی را که عامل ایجابی و عملی و نشاط‌بخش و انقلابی است، عامل سلبی و منفی و رکود و سکون و وقوف و کناره‌گیری می‌شمارند...

این مفاهیم که انحراف از درک حقایق آنها مساوی با گمراهی در اصل دین، و یا رشته‌های اساسی و مهم آن است و باید نسل جوان که جویای حقیقت، و طالب کمال و ترقی و آگاهی است، در فهم آن یاری شود، بسیار است مانند: زهد، قناعت و... و از جمله، یکی هم انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی و قائم آل محمد علیهم‌السلام است. اگر چه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز در اذهان، کم و بیش و به حسب مراتب معارف و آگاهی‌های افراد محفوظ مانده است؛ ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن، چنانکه باید سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و مترقی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه می‌گیرد، نادرست و غیر از آنچه باید باشد عرضه شده است، و در جهت جنبش و تحرک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فی‌الله (محبت به خاطر خدا) بغض فی‌الله (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداءالله، از آن بهره‌برداری نشده، بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازشکاری، وقوف، تسلیم، ساخت و پاخت با ستمگران، رضایت دادن به وضع موجود و فراموش ساختن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.

جشن و چراغانی نیمه شعبان و خواندن دعای ندبه را وسیله خاموش کردن آتش اعتراض، و ایجاد آرامش موقت، و مسکن نگرانی‌ها و نارضایتی‌های جامعه از بی‌عدالتی‌ها و فشارها و نابرابری‌ها و مفسد دیگر می‌پنداشتند، که شور و هیجانی را که باید بر قوت و حدّتش افزود تا همه تباهی‌ها و نابسامانی‌ها و بشر پرستی‌ها و استعبادها و استضعاف‌های گوناگون را بر باد دهد، فرو می‌نشانند و بر آتش روحانی و مقدسی که اسلام برای سوختن

کاخ‌های ستم و استضعاف برافروخته و باید همیشه روشن و روشن‌تر شود، آب می‌ریزد. لذا برای رفع هرگونه سوءتفاهم و درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع، بلکه انقلابات اجتماعی و سیاسی و تقویت اراده و تربیت افراد مبارز و سرسخت و شکست‌ناپذیر، و شناخت فلسفه مراسم جشن و چراغانی و خواندن دعای ندبه و توسلات و توجّهات، و عرض ادب‌ها به ساحت مقدس و با عظمت حضرت بقیة‌الله فی الارضین (أرواحنا له الفداه)، باید به جستجوی معنای اصطلاحی انتظار و آنچه که مقصود واقعی اهل بیت است، پرداخت.^۱

گفتار دوم. نسبت انتظار و رفتار

همان‌طور که گفته شد علاوه بر شناخت معنای لغوی انتظار باید در جستجوی حقیقت انتظار و معنای مورد نظر اهل بیت در روایات بود. نکته بسیار مهمی که در شناخت ماهیت انتظار و کاربردی نمودن آن در روش زندگی، باید به آن توجه نمود، وصفها و قرینه و فضایی است که این چشم به راهی در آن فضا مطرح می‌شود؛ این نکته همان مطلب قابل توجهی است که بی‌توجهی به آن باعث برداشتهای متفاوت از این آموزه و در نهایت، عدم جریان فرهنگ انتظار در متن زندگی شیعیان به گونه‌ای شایسته و مؤثر است.

یکی از وصفهایی که در مورد انتظار فرج در روایات ما ذکر شده است وصف انتظار به عمل و تلاش است. در سخنان مهدوی معصومین عباراتی را شبیه «أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرج»^۲ مشاهده می‌کنید که انتظار را از حالت دورنی محض بیرون آورده و حکایت‌گر همراهی انتظار با مقوله عمل است. کما اینکه در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام جدیت و تلاش در کنار انتظار ذکر شده است و ایشان فرمود:

...فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛^۳ پس بکوشید و انتظار بکشید

که گوارایتان باد ای گروه رحمت شده.

علت این امر را نیز باید در عناصر انتظار جستجو نمود که یکی از آنها رجاء و امیدواری

۱. انتظار عامل مقاومت، ص ۱۱-۱۴ (با تلخیص).

۲. کفایة الأثر، ص ۲۸۰.

۳. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۰.

است. بدیهی است که وقتی ما به رسیدن به مقصودی امید داشته باشیم این امیدورای در حرکت و اقدام ما ظهور و بروز پیدا می‌کند و اگر غیر از آن باشد امیر المؤمنین چنین کسی را مورد نکوهش قرار داده و فرموده:

یدعی بزعمه أنه یرجو الله کذب و العظیم ما باله لا یتبین رجاءه فی عمله فکل من رجا عرف رجاءه فی عمله؛ به گمان خود ادعا دارد که به خدا امیدوار است! به خدای بزرگ سوگند که وی دروغ می‌گوید، چه می‌شود او را که امیدواری در عملش پیدا نیست؟ بنابراین هر کس به خدا امیدوار باشد باید، امید او در کردارش آشکار شود.^۱

این سخن شریف به خوبی گویای آن است که کسانی که فقط از انتظار به حالت درونی اکتفا کرده و از حرکت و عمل کوتاهی می‌کنند فرسنگها از حقیقت انتظار در نگاه اهل بیت دورند، زیرا مروری کلی بر سخنان ایشان گویای آن است که:

انتظار، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان، شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم السلام، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می‌کشد و انواع دگرگونیها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان، ایجاد می‌نماید.^۲

نکته مهم دیگری که در این راستا باید توجه کرد آن است که حتی مطلق عمل را در فهم مقوله انتظار نمی‌توانیم مد نظر قرار دهیم، بلکه ما قائلیم آن عمل و سعی در درک انتظار مؤثر است که جهت‌دار و در تقابل با دشمن باشد. این مطلب در گفتار بعدی بیشتر توضیح داده خواهد شد.

گفتار سوم. پیوستگی رفتار منتظرانه با جهاد و تلاش

نگاه تطبیقی که بین روایات مربوط به انتظار وجود دارد نشان‌گر نوعی ارتباط و همراهی انتظار با مقوله جهاد- علاوه بر عمل- است. همه ما این سخن پیامبر عظیم الشان اسلام

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۲. انتظار عامل مقاومت، ص ۷.

را شنیده ایم که فرمود: «أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج من الله عز و جل»^۱؛ اما جالب این است که همین وجود شریف در حدیث دیگری درباره انتظار فرج، قالب این عمل را جهادی معرفی نموده و می‌فرماید: «أفضل جهاد أمتي انتظار الفرج»^۲.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: نظرتان درباره کسی که ولایت ائمه را داشته و در انتظار ظهور حکومت حق بوده و در این حال از دنیا می‌رود چیست؟ ایشان در پاسخ فرمود: هو بمنزلة من كان مع القائم في فسطاطه ثم سكت هنيئة ثم قال هو كمن كان مع رسول الله؛^۳ او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس اندکی سکوت کرد - و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام در «مبارزاتش» همراه بوده است.

شبهه این حدیث در روایات دیگری نیز نقل شده است.

«این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه‌دار است. این را در نظر داشته باشید تا به سراغ مفهوم انتظار رفته، سپس از مجموع آنها نتیجه‌گیری کنیم. انتظار، معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. فی‌المثل بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می‌کوشند. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی می‌باشد این دو حالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر». بنابراین مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است، عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه‌دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. تحف العقول، ص ۳۷.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۳.

خودسازی و خود یاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی - برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی- و مردمی از سوی دیگر و خوب که دقت کنیم می‌بینیم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

با توجه به مفهوم اصلی «انتظار» معنی روایات متعددی که در بالا درباره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی درک می‌شود. اکنون می‌فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده‌اند که در خیمه حضرت مهدی علیه السلام یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیر می‌زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است. آیا اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟ یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است انتظار و خودسازی و آمادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر «مقدمات» و «نتیجه» شباهت دارد؛ هر دو جهادند و هر دو آمادگی می‌خواهند و خود سازی، کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته، یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است، نمی‌تواند یک فرد غافل و بی‌خبر و بی‌تفاوت بوده باشد؛ آنجا جای هر کس نیست، جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند. همچنین کسی که سلاح در دست دارد در برابر رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می‌جنگد آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد»^۱.

بنابراین «انتظاری حقیقی است که تحول آفرین، اندیشه ساز، نیرو بخش، تعهد آور و مجاهد پرور باشد و شخص منتظر را به عرصه جهادی همه جانبه برای زمینه سازی ظهور در عرصه‌های فردی و اجتماعی وارد کند»^۲؛ «این انتظار، لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبائی و مقاومت است»^۳؛ این «انتظار فرج، یعنی زنده نگه داشتن روح انقلابی در خودمان و تلاش برای گسترش جهانی

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۹-۳۸۳ با تلخیص.

۲. نسل طوفان، ص ۱۴.

۳. انتظار عامل مقاومت، ص ۷۴.

و آماده باش جهانی. انتظار فرج، یعنی من همیشه یک چریکی و مبارز خواهم ماند. انتظار فرج، یعنی من یک مجاهد هستم و مجاهد خواهم ماند.^۱

با چنین توضیحی می‌توان گفت که در زمینه انتظار، معنای اصطلاحی و مورد نظر روایات را این طور بیان کرد که: «انتظار، چشم‌به‌راهی قیام قائم عجله توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه‌سازی اجتماعی جهت پذیرش و شرکت در بزرگترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری اوست» و با این حساب، منتظر همان مجاهد و مبارز و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد؛ از همین روست که امام صادق علیه السلام آیه «...فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۲ خداوند به زودی گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند، در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران با عزت و درشتخو و سختگیر هستند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند» را بر یاران حضرت مهدی تطبیق می‌فرماید.^۳

در حقیقت چنین نگاهی به مقوله انتظار نگاهی حداکثری به انتظار بوده و به نوعی می‌توان آن را بر تمام دین منطبق کرد، زیرا «اگر امامت و ولایت رکن رکین هویت ماست و اگر دین با ولایت می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی خود را آشکار نماید، پس باید این امامت به تمام معنی ظهور یابد تا حقیقت دین متجلی و به تبع آن راه و رسم زندگی شفاف شود. بنابراین تجلی دین به عنوان نقشه راه زندگی، وابسته به امام معصومی است که می‌تواند راهبر زندگی انسان باشد، چرا که از سویی از خطا و گناه دور است و از سوی دیگر هدف زندگی که درک مراتبی از عبودیت الهی است و راه رسیدن به آن و موانع رسیدن و طریق عبور از موانع جهت درک آن هدف متعالی را می‌شناسد. پس باید منتظر ظهور چنین امامی بود و برای ظهور چنین امامی قیام کرد. این تلاش و قیام و جنب و جوش و خروش متعالی در مفهومی به نام انتظار تجلی می‌یابد که روح حاکم بر

۱. مقاله «انتظار، انقلابی ماندن، همه جا، همه وقت»؛ حسن رحیم پور ازغدی، نشریه *امان*، ش ۳۰.

۲. مائده/۵۴.

۳. *الغیبة نعمانی*، ص ۳۱۶.

زندگی مسلمان آزاده‌ای است که در عصر غیبت معصوم خود را ملتزم به تلاش و حرکتی قانون‌مند در جهت ظهور آن راهبر در عصر غیبت نموده است و عاشقانه و خالصانه در مسیر رضایت ولی خدا حرکت می‌کند تا زمینه‌های ظهور مهیا گردد و با این دید، منتظر شخصیتی است که وظیفه دارد بر اساس مبانی اسلام ناب محمدی تلاش در جهت توسعه ظرفیت وجودی خویش و ارتقای سطح مقاومت خود در مقابل فتنه‌های زمانه (یعنی بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی بحران‌های زیست محیطی همچون زلزله، سیل و غیره) و نیز آلودگی‌های اخلاقی پنهان و آشکار، زمینه‌ای را در خود ایجاد کند که بتواند در هر موقعیت به صورت مستمر در جهت اصلاح و ارتقای خود و دیگران در راستای ظهور، قیام و حاکمیت امام معصوم اقدامات بایسته و شایسته را انجام دهد.^۱

بدیهی است که چنین برداشتی حماسی و جهادی از سبک زندگی منتظرانه - که می‌توان از آن به سبک زندگی زمینه‌ساز نیز یاد نمود - تأثیر فوق‌العاده‌ای را خواهد داشت و حیات تازه‌ای به دوستداران امام زمان، خواهد بخشید. به فرموده مقام معظم رهبری:

زندگی جهادی یعنی این که ما آرمانها و ارزشها و هدفهای والای زندگی را مشخص کنیم و بعد با تمام قوا برای تحقق آن بکوشیم. اصلاً زندگی جز این معنا ندارد و گرنه، اگر انسان از جهاد برای ارزشها و هدفهای والا خالی باشد به یک جماد تبدیل خواهد شد.^۲

گفتار چهارم. مفهوم جهاد و انواع آن

اگر ما در ماهیت‌شناسی انتظار آن را نه تنها با عمل که با جهاد ملازم دانسته و از انتظار جهادی سخن می‌گوییم باید به معنای جهاد نیز توجه کنیم تا بدانیم که جهاد همیشه ملازمت با جنگ و درگیری نظامی ندارد و این نکته در بررسی مفهوم جهاد نهفته است. واژه جهاد در لغت‌نامه‌های عربی به معنای زحمت، مشقت^۳ و تلاش توأم با رنج^۴

۱. مقاله «تعال و تعالی، ثمره سبک زندگی منتظرانه است»؛ علی صدوقی، نشریه/مان، ش ۴۵.

۲. سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.

۳. المفردات راغب اصفهانی، ذیل واژه جهاد.

۴. اقرب الموارد، ذیل واژه جهاد.

است. جهاد همچنین نام بابی در علم فقه نیز می‌باشد و به همین جهت در شرع نیز اصطلاح خاصی یافته و آن عبارت است از:

بَدَلِ النَّفْسِ وَالْمَالِ وَالْوَسْعِ فِي إِعْلَاءِ كَلِمَةِ الْإِسْلَامِ وَإِقَامَةِ شَعَائِرِ الْإِيمَانِ؛^۱

جهاد عبارت است از نثار جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و بر پا داشتن شعارهای ایمان.

شاید از همین رو بوده که این واژه معنایی شبیه معنای اصطلاحی در فقه - و متفاوت از معنای لغوی در زبان عربی - یافته و آن را در فرهنگ لغات فارسی به کارزار کردن و جنگیدن در راه حق^۲ معنا کرده‌اند. مقام معظم رهبری نیز که همواره از جهاد و کار و روحیه جهادی صحبت می‌کنند در تبیین این کلمه می‌فرمایند: «جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس».^۳

و فرموده اند:

معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه مبارزه وجود دارد... پس جهاد یعنی مبارزه. در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در آن جد و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی‌تواند مبارزه کند، در مبارزه باید جد و جهدی وجود داشته باشد... دوم اینکه در مقابلش دشمنی باشد. مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن است... اگر همه این‌ها در مقابل دشمن خدا و دشمن علی لسان‌الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم‌السلام باشد می‌شود جهاد فی سبیل‌الله.^۴

بنابراین چهار عامل مهم در تبیین مفهوم جهاد از دیدگاه اسلام وجود دارد:

اول. داشتن هدف والا؛

دوم. تلاش، کوشش و تحمل سختی در راه رسیدن به آن هدف؛

سوم. تلاشی که در مقابل موانع و دشمن و هجوم اوست؛

۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳.

۲. فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه جهاد.

۳. بیانات در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی ۱/۴/۱۳۸۳.

۴. سخنرانی در شروع درس خارج فقه ۲۰/۶/۱۳۷۳.

چهارم. انجام این تلاش فی سبیل الله و به نیت امتثال تکلیف الهی و کسب رضای خدا.

این جهاد دارای انواعی است که در بیان امام صادق علیه السلام چنین شمرده شده است:

الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ، فَجِهَادَانِ فَرَضٌ، وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ لِيُقَامَ إِلَّا مَعَ الْفَرَضِ، وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ، فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَ مُجَاهَدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ. وَ أَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لِيُقَامَ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ فَإِنَّ مُجَاهَدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ، وَ لَوْ تَرَكُوا الْجِهَادَ لَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ، وَ هَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ، وَ هُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ وَ حُدُّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ. وَ أَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ، فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ، وَ جَاهَدَ فِي إِقَامَتِهَا وَ بُلُوغِهَا وَ إِحْيَائِهَا، فَالْعَمَلُ وَ السَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ؛ لِأَنَّهَا إِحْيَاءُ سُنَّةٍ؛^۱ جهاد بر چهار گونه است: دو جهاد واجب (عینی) است و جهاد دیگر مستحبی است که جز با واجب تحقق نیابد و چهارمی جهاد مستحبی محض است. اما آن دو جهاد که واجب (عینی) هستند: یکی جهاد شخص با نفس خویش است که با کناره‌گیری از معاصی و گناهان نسبت به خدا صورت می‌گیرد و آن از بزرگترین جهاد است و دیگری جهاد با کافرانی است که با شما هم‌مرزند (و به شما حمله می‌کنند) که این نیز واجب است. اما آن جهاد که مستحب (بر امام) می‌باشد که در سایه واجب امکان پذیر است، جهاد با دشمن است که بر همه امت واجب (کفائی) است و اگر آن را ترک نمایند عذاب بر آنها فرود آید و این عذاب شامل همه امت گردد و آن جهاد بر امام، مستحب و سنت است و حد آن این است که امام با امت برای سرکوبی دشمن رود و با دشمنان پیکار نماید. و اما آن جهادی که مستحب محض است، برپا داشتن سنتهاست که مرد مسلمان در بر پا نگهداشتن و رشد و احیای آن سعی و کوشش خود را به کار گیرد و مبارزه کند؛ پس کار و تلاش در این خصوص از بهترین اعمال است؛ زیرا احیای سنت است.^۲

۱. الکافی، ج ۵، ص ۹.

۲. توضیحات داخل برانتز از علامه مجلسی است. رک: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۸، ص ۳۳۲.

فصل سوم.

معنا و ویژگی های سبک زندگی منتظرانه

حال که تبیین واژگان مورد نظر به پایان رسید و ماهیت سبک زندگی منتظرانه نیز مشخص گردید که تلاش و جهاد برای زمینه سازی ظهور جزئی از ماهیت آن است، به جاست که به تعریف سبک زندگی منتظرانه بپردازیم که در نوشته های مهدوی گاهی از آن با عنوان سبک زندگی زمینه ساز و زمانی نیز با عنوان سبک زندگی مهدوی یاد می شود، اما قبل از آن برخی از تعاریف بیان شده را ذکر می کنیم:

گفتار اول. نگاهی به تعریفها درباره سبک زندگی منتظرانه

در سالهای اخیر اقبال اندیشمندان به مقوله مهدویت بیشتر شده و همین امر باعث تولید متونی علمی درباره مفاهیم مرتبط با مهدویت شده است که از جمله آنها موضوع مورد بحث ما است. ضرورت این توجه در نظر برخی نویسندگان این چنین توضیح داده شده است:

امروزه در عصر غیبت امام مهدی علیه السلام باید به دنبال الگویی از سبک زندگی شیعی بود که مبتنی بر باورداشت به مسئله انتظار و بازگشت امام باشد. شیعه در عصر غیبت با یکی از جدی ترین مفاهیم حیات طولانی تاریخ امامت، یعنی مهدویت و غیبت گره خورده است و دو مفهوم مهدویت و غیبت، با مفهوم سوم، یعنی انتظار ارتباط تنگاتنگ دارد؛ به گونه ای که این سه مفهوم سبک فکر و زندگی شیعه را تبیین کرده است. اعتقاد به حقانیت و مشروعیت امام مهدی علیه السلام و انتظار بر شکل گیری جامعه توحیدی - که مبتنی بر حاکمیت ایشان است - تنها عامل مشروعیت بخشی به همه جریان های فکری و اجتماعی در عصر

غیبت است و این امر نخستین اصل و مبنای فکری شیعه در ارائه سبک زندگی شیعی است. بنابراین با استخراج عناصر اصلی ایده مهدویت و پرورش الگوهای مبتنی بر این اندیشه، می‌توان نحوه زیست شیعیان را تعیین کرد و نسلی را پرورش داد که اعتقاد به امامت و مهدویت از مؤلفه‌های اساسی فکر اوست و نه تنها در شعائر و مناسبات، بلکه در اهداف و آرمان‌های خود به سوی امام معصوم توجه و گرایش دارد و جهت زندگی خویش را به سمت انسان کامل معطوف می‌سازد.^۱

کما اینکه در همین راستا گفته شده است:

انتظار، بیانگر رویکرد نظری و عملی شیعیان در دوران غیبت، تا رسیدن به آرمان مهدویت است و لازمه این رویکرد خاص، در پیش گرفتن سبک خاصی از زندگی است که به نوعی خلاصه و عصاره همه ویژگی‌های مثبت مطرح شده در آموزه‌های اسلامی است.^۲

در همین راستا برخی، معنای زندگی مهدوی - و نه سبک زندگی مهدوی که جلوه ظاهری آن است - را مد نظر قرار داده و گفته‌اند:

زندگی با حجت حی و حاضر را زندگی مهدوی می‌گویند؛ کسی که خود را وقف امام زمان علیه السلام می‌نماید و همه نیروها و توانها و امکاناتش را در راه امام صرف و خرج می‌کند زندگی مهدوی دارد... حیاتی که روش، منش، کنش، نگرش و بینش آن بر اساس آموزه‌های مهدویت باشد، زندگی مطلوب مهدوی است.^۳

برخی دیگر نیز در مورد این شیوه زندگی گفته‌اند:

سبک زندگی مهدوی عبارتند از انتخاب روشی کلی و نسبتاً پایدار در رفتار توسط فرد یا جمع که بر پایه فرهنگ اسلامی با محوریت نظر و رضایت حضرت مهدی علیه السلام نسبت به هستی، انسان و زندگی، استوار بوده و در تعامل با جامعه و برای رسیدن به اهداف امام

۱. مقاله «چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت»، سیدرضی موسوی گیلانی، فصلنامه علمی

پژوهشی مشرق‌مرعود، ش ۲۵.

۲. زندگی به سبک مهدوی در گفتگو با دکتر ابراهیم شفیعی سروستانی؛ ماهنامه معارف، ش ۹۷.

۳. زندگی مهدوی، ص ۱۶-۱۷.

زمان ﷺ که همان اهداف حقیقی زندگی ماست به ظهور می‌رسد.^۱
نویسنده‌ای نیز در مقام ورود به بحث مورد نظر می‌گوید:
سبک زندگی منتظرانه مبتنی بر باور مذهبی و سنت الهی، خواستار حرکت و تلاش
برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب در جامعه است.^۲
نویسنده دیگری در این باره می‌نویسد:

وقتی روشن شود امام زمان ﷺ جنبه متعالی هر انسانی است، انتظار معنی خاص خود را
پیدا می‌کند و در آن حال، نه تنها انسان منتظر هم اکنون قلب خود را متوجه قطب عالم
امکان می‌نماید و با او زندگی می‌کند، بلکه تلاش می‌نماید تا ظهور او در عالم و آدم هر
چه بیشتر شدت یابد و افق بشریت به کلی دگرگون شود و از توجه به خاک، به انس با
افلاک تغییر جهت دهد و این است آن نوع از سبک زندگی که با نگاه مهدوی به
زندگی‌ها برمی‌گردد.^۳

یکی دیگر از نویسندگان این نوع از شیوه زندگی را مورد بررسی بیشتری قرار داده و
سپس می‌گوید:

مقصود از سبک زندگی زمینه‌ساز مجموعه رفتارهای اجتماعی است که ضمن برآورده
کردن نیازهای جاری جامعه منتظران روایتی عمل‌گرا و فعالانه مبتنی بر تفکر موعودگرایی
و مهدوی را برای هویت اجتماعی بر می‌گزیند.^۴

گفتار دوم. تعریف پیشنهادی از سبک زندگی منتظرانه

حال که از تبیین واژگان دخیل در سبک زندگی منتظرانه و تعاریف اندیشمندان مختلف
در این باره فارغ شدیم می‌توانیم تعریفی را برای این سبک در نظر بگیریم.

۱. سلسله آموزشهای سبک زندگی مهدوی، ج ۱ (بدر مهدوی)، ص ۳.

۲. مقاله «آگاهی منتظرانه در سبک زندگی و تربیت زمینه‌ساز». مجموعه مقالات نهمین دکترا مهدویت، ج ۲، ص ۱۸۳.

۳. مقاله «سبک زندگی مهدوی»؛ اصغر طاهرزاده، پایگاه اینترنتی حرف آخر.

۴. مقاله «مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز»، غلامرضا گودرزی، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش ۳۱.

مؤلف این نوشتار با توجه به مقدماتی که بیان شد معتقد است که: سبک زندگی منتظرانه عبارت است از مجموعه رفتارهای جهادی نسبتاً پایدار که برخاسته از اعتقاد به امام حی، حضرت حجت بن الحسن علیه السلام و انتظار دولت او در عصر غیبت است که با هدف ایجاد آمادگی همه جانبه برای حکومت مهدوی بر اساس تعالیم اسلام شیعی صورت می‌گیرد.

در این تعریف چند نکته گنجانده شده است:

اول. با قید «مجموعه رفتارهای»، سبک زندگی منتظرانه اولاً از آداب منتظران که تک گزاره‌های هر بخش این سبک است جدا شده و مجموعه آن - به علاوه واجبات - با هم در نظر گرفته شود. همچنین از اخلاق منتظرانه که ناظر به صفات درونی منتظران و البته از ریشه‌های رفتار منتظرانه است جدا می‌شود.

دوم. با قید «رفتارهای» تنها بخش ظاهری و قابل مشاهده زندگی مهدوی و منتظرانه مورد تأکید قرار می‌گیرد و پرداختن به سایر مؤلفه‌های زندگی مهدوی و منتظرانه نظیر معرفت و محبت به امام زمان علیه السلام به صورت فرعی خواهد بود.

سوم. قید «جهادی» نشان گر آن است که نه تنها انتظار از مقوله عمل و تلاش است، بلکه فقط تلاشی را که برای وصف جهادی و در مقابل دشمن است شامل می‌شود نه هر گونه سعی و تلاشی.

چهارم. گرچه معمولاً سبک زندگی، رفتارهای معطوف به جامعه است؛ اما باید دانست که «سبک زندگی نه امری کاملاً فردی است و نه امری کاملاً اجتماعی؛ بلکه هم ابعاد فردی، سلیق و امیال و خواسته‌های شخصی در آن لحاظ می‌شود و هم تأثیرات اجتماعی و محیطی و علایق جمعی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کند»^۱. بنابراین علاوه بر رفتارهای مستقیم در ارتباط با جامعه و معاشرت با افراد، آن دسته از رفتارهای فردی که به گونه‌ای ظهور و بروز اجتماعی داشته و در آن مؤثر است نیز به سبک زندگی منتظرانه وارد می‌شود.

پنجم: قید «نسبتاً پایدار»، گویای آن است که باید رفتارها به صورت مستمر انجام

۱. سبک زندگی اسلامی ایرانی، ص ۳۴.

گیرد و انجام مقطعی آن‌ها را به سبک زندگی منتظرانه وارد نمی‌کند.

ششم. عبارت «اعتقاد به امام حی، حضرت حجت بن الحسن علیه السلام...» خاستگاه این شیوه زیستن را گوشزد می‌کند و صد البته اعتقاد به امام زمان در کنار باور به توحید و نبوت و معاد مطرح می‌شود. علاوه بر آنکه منجی عالم بشریت برای ما مشخص و به نام «حجت بن الحسن» و القاب دیگر است.

هفتم. آوردن وصف «حی» ناظر به زنده دانستن امام در هر عصری است که البته نامش هم در متون دینی مشخص و او در عصر ما حضرت حجت بن الحسن است. و آوردن اسم او ناظر به اعتقاد به مشخص بودن مهدی موعود است.

هشتم. قید «عصر غیبت» توجه به عنصر زمان در انتخاب این سبک و نیز محدوده زمانی اجرای آن را نشان می‌دهد.

نهم. قید «ایجاد آمادگی همه جانبه برای حکومت مهدوی» جهت و مقصود از جریان افتادن این سبک را نشان می‌دهد و علاوه بر آن معیار و محکی است برای ارزیابی سبک زندگی موجود در خانواده و جامعه شیعی. این آمادگی در دو سطح فردی و اجتماعی و برای او خواهد بود. اول؛ پذیرش ولایت امام زمان علیه السلام و تبعیت از او در تمام عرصه‌های زندگی که تا مقبولیت نباشد امر فرج محقق نمی‌شود و دوم؛ شرکت با امام و نصرت او در آخرین نبرد حق و باطل که اصلاً انتظار جهادی، همین روحیه و آمادگی جهاد، امام قائم در راه خدا خواهد بود.

دهم. قید «بر اساس تعالیم اسلام شیعی» اولاً بیان‌گر آن است که انتظار جهادی و زمینه‌سازی برای حکومت مهدوی فقط با تکیه بر منابع و دستورات اسلامی خواهد بود و ثانیاً در مسیر بهره‌برداری از قوانین اسلامی فقط به تفسیر اهل بیت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و علمای ربانی در عصر غیبت اعتماد خواهد شد و بدین وسیله از سایر مکاتب و مذاهب اسلامی جدا می‌شود.

یازدهم. علت انتخاب قید «منتظرانه» و نه «مهدوی» برای این سبک از زندگی به خاطر دو پهلوی بودن و ابهامی است که در اصطلاح سبک زندگی مهدوی وجود دارد؛ زیرا از این اصطلاح هم می‌توان سبک زندگی امام مهدی را اراده نمود و هم سبک زندگی دوستان و پیروان ایشان را. همچنین در فرض دوم معلوم نیست که این شیوه زیستن تنها مربوط به

دوران غیبت امام زمان است و یا اینکه شامل عصر ظهور نیز می‌شود؛ در حالی که این ابهام‌ها با جایگزینی «منتظرانه» بر طرف می‌شود و این نوع رویکرد در زندگی دقیقاً به شیوه زیست پیروان امام زمان هر عصر، چه حضرت مهدی و چه ائمه قبل از وی مربوط می‌شود و صد البته که اکنون ما در عصر امامت حضرت مهدی علیه السلام هستیم.

دوازدهم. جایگزین نمودن قید «زمینه‌ساز» به جای قید «منتظرانه» - که در برخی از سخنان و مقالات آمده است - در این نوع از سبک زندگی به خاطر پشتوانه اندک روایی مرجوح است؛ حال آنکه کلیدواژه انتظار که خود حامل معنای زمینه سازی و آمادگی است به وفور در سخنان معصومین یافت می‌شود و به همین دلیل استفاده از این واژه مناسب تر است.

مطلب آخری که بار دیگر بر آن تأکید می‌کنیم آن است که این سبک زندگی که در واقع شیوه جهادی زیستن است به موجب ادله‌ای که درباره ضرورت سبک زندگی منتظرانه در قبل بیان شد، تنها سبک صحیح و مورد رضایت خدا و ائمه و به ویژه حضرت مهدی برای زندگی موفق است و به قول برخی پژوهشگران: «جهادی زیستن یک شیوه در کنار ده‌ها شیوه رایج نیست؛ اصلاً تنها شیوه مورد پذیرش دین، جهادی زیستن است»^۱.

گفتار سوم. نسبت سبک زندگی منتظرانه با سبک زندگی اسلامی و نظایر آن

پس از تعریف سبک زندگی منتظرانه - و یا مهدوی - ممکن است سؤالی در ذهن خطور کند که چه فرقی بین این سبک با سبک زندگی اسلامی، علوی، فاطمی، حسینی و نظایر آن وجود دارد و نیز نسبت سبک زندگی منتظرانه با آنها چیست؟ این پرسش در بیانی تفصیلی تر از طرف برخی، این چنین آمده است:

قید «مهدوی» - صرف نظر از ماهیت انتساب آن به شخص موعود اسلام و یا پیروان و علاقه‌مندان او که تفاوت این دو کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد - متضمن چه معنای مشخصی است و چه تفاوت‌های معناداری با انواع دیگر سبک زندگی در فضای اسلامی و شیعی - و به طور خاص با نمونه‌هایی چون سبک زندگی علوی یا فاطمی - دارد؟ در واقع،

۱. سبک زندگی به روایت انقلاب اسلامی، ص ۷۳.

اگر از مرز بازی با کلمات عبور کنیم و به کاربردهای غیرعالمانه و در برخی موارد همان گویانه (توتولوژیک) این عناوین در برخی منشورات و اعلانات بی‌توجه باشیم، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا پیروی، دل‌دادگی و یا انتظار ظهور موعود اسلام، پدیدآورنده سبکی خاص از زندگی است که با سایر شیوه‌ها و مسلک‌ها متفاوت بوده و چنین سبکی نسبت به سایر اولیای دین و یا دیگر اعصار تاریخی، هویتی متباین دارد یا خیر؟^۱

برخی پژوهشگران در مقام پاسخگویی به این پرسش بر آمده و گفته‌اند «سبک زندگی زمینه ساز همان سبک زندگی دینی مبتنی بر آموزه‌های ادیان الهی است با این تفاوت که:

۱. هویت تعریف شده در آن مبتنی بر تفکر ناب مهدوی است؛
 ۲. در عرصه‌های گوناگون منتظران را به سمت حضور فعال سوق می‌دهد؛
 ۳. تداعی کننده یاد و نام موعود ادیان است؛
 ۴. همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را بر مبنای آموزه مهدوی سامان می‌دهد؛
 ۵. قابل ترویج و به‌کارگیری در تمام جوامع است؛
 ۶. افق دید آن در طراحی و اجرا مبتنی بر افق جهانی و نه جهانی سازی است.
- به بیان دیگر ارتباط بین سبک زندگی عام و سبک زندگی زمینه‌ساز، در شکل و محتوای مباحث (مانند روش سخن گفتن) و تفاوت آن‌ها، در رویکرد اجرایی و صحنه عمل است»^۲.
- گرچه نکات خوبی در جواب مذکور وجود دارد، اما برای تکمیل بحث نکاتی قابل طرح است:

اول. از توضیحاتی که تاکنون در این نوشتار داده شد روشن است که اسلام، قرآن و مکتب شیعه دوازده امامی پشتوانه عظیم سبک زندگی منتظرانه محسوب می‌شود، کما اینکه در کلام امام سجاد علیه السلام نیز منتظران به مؤمنان حقیقی و شیعیان صادق وصف

۱. مقاله «بایسته‌های گفتگو از سبک زندگی موعود باورانه»؛ یاسر آیین، نشریه/امان، ش ۴۵.

۲. مقاله «مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز»، غلامرضا گودرزی، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق

موعود، ش ۳۱.

شده‌اند؛ ایشان فرمودند:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا؛ مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا ﷺ که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما هستند.

در حقیقت چنین سبک زندگی، تمام رفتارهای همسو و هم جهت با رضایت امام حی و پذیرش ولایت مهدوی، تعیین و تفسیر می‌شود و البته مقصود از امام، مقام امامتی است که قبل از امامان دوازده گانه به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم افاضه شده است.^۲

دوم. در انتخاب این قید آنچه بیان آن مهم است این که برای ما که ادعای بین المللی بودن کارکرد این سبک زندگی را داریم، در صورت انتخاب قید دینی و اسلامی برای این سبک زندگی، امکان به اشتباه افتادن مخاطب از مقصود ما وجود دارد، زیرا همه ادیان دینی مثل یهودیت و مسیحیت نیز ادعای سبک زندگی دینی دارند؛ همچنین همه مذاهب اسلامی غیر شیعی هم چون حنفی و شافعی و دیگر مذاهب نیز مطالب خود را با عنوان سبک زندگی اسلامی طرح می‌کنند؛ بنابراین باید از قیدی استفاده کرد که جامع و مانع باشد. مضافاً بر اینکه در قرآن کریم، بین اسلام و ایمان، فرق قائل شده است.

سوم. آنچه باعث طرح سؤال درباره تفاوت سبک زندگی مهدوی و منتظرانه با سبک زندگی اسلامی شده است نگاه حداقلی و انحصاری مهدویت به مطالعات مرتبط با امام دوازدهم و آن هم در موضع مربوط به آینده پژوهی و فرجام بشریت است که متأسفانه در نظر برخی وجود دارد در حالی که مهدویت در یک معنای حداکثری، به قول یکی از

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. «أَنْتِي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» بقره/۱۲۴.

نویسندگان «به معنای تمامی مبانی و اصول مورد پذیرش شیعه است»^۱ ایشان در همسویی با نظر این نوشتار و در تحلیلی جالب می‌نویسد:

در متون کلامی بحث نیاز انسان به دین و رهبر الهی در بحث نبوت و امامت مطرح می‌شود، ولی کاربرد و ثمره این بحث برای مخاطب امروزی در اثبات ضرورت مهدویت است. بنابراین برای ارائه روزآمد معارف مهدوی نباید آن را در حاشیه مباحث اصول دین و با تصور بدیهی بودن پیش فرض‌های آن مطرح کرد، بلکه بایست آن را در متن مباحث بنیادین دین پژوهی و در مقام آئینه تمام نمای بسیاری از آن مباحث ارائه نمود. از این منظر است که مهدویت جایگاهی مهم در معارف و مباحث دینی پیدا می‌کند و کاربرد عناوینی چون سبک زندگی مهدوی و یا انسان شناسی و مهدویت ضرورت می‌یابد. از این رو بین دو عنوان «سبک زندگی اسلامی» و «سبک زندگی شیعی/مهدوی» عنوان دوم گویاتر و رساتر است؛ چرا که در مکتب تشیع بر خلاف تمامی دیگر ادیان و مذاهب، نقطه پایان در تولی و حد یقف در حالت انتظار وجود ندارد. به عنوان نمونه در گرایش اهل سنت با رحلت پیامبر ﷺ پرونده اسلام، نهایی شده و بسته شده است و اسلام برای همیشه تاریخ، در خرد و کلان آموزه‌های خود ثابت و بدون هیچ حالت منتظرانه است. بر اساس نگاه آنها هر مسلمان پس از دریافت بسته زندگی اسلامی دیگر نیازی به معصوم و راهبر الهی ندارد، ولی در نگاه شیعه اولاً؛ دین کامل نزد پیامبر و امامان است که تا کنون اجرای عملی آن هم به صورت کامل و نهایی محقق نشده، و ثانیاً؛ بر فرض تحقق نهایی و کامل دین، این امر به معنی استغنائی مؤمن از امام نیست. بلکه هر فرد مؤمن می‌بایست پیوسته دارای حالت انتظار و نگاه منتظرانه و نوعی تعلیق و وابستگی به امام خود باشد و در لحظه لحظه زندگی خود از ایستایی، رکود، استقلال و احساس استغنا پرهیز نماید تا بتواند به قرار گرفتن در مسیر کمال یابی پیوسته خود برسد. اساساً شیعه بدون مهدویت حتی اگر یازده امامی باشد از جهت نتایج تفاوتی با رکود گرایی و سلفی زدگی اهل سنت و دیگر ادیان و مذاهب نخواهد داشت.^۲

۱. انسان شناسی و مهدویت، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۶-۳۷.

چهارم. شاید بگویید طبق تحلیل فوق، می‌توان از قید شیعی و ولایی استفاده نمود؛ اما پاسخ آن است که با وجود آنکه ما به شیعی بودن جنس سبک زندگی منتظرانه معتقدیم، اما برای کاربردی کردن آموزه‌های شیعی و ولایی به خاطر کوتاهی شیعیان در انجام وظایف خود نسبت به امام زمان و حاکمیت او در جامعه که غیبت هزارساله وی شاهد آن است، اصرار بر برجسته کردن واژه «انتظار» به تبعیت از روایات داریم تا یاد امام زمان را پررنگ کرده و نه تنها حس مسئولیت‌پذیری شیعیان را بیشتر تحریک نماید بلکه جهت و روح حاکم بر فعالیت‌های فردی و اجتماعی ایشان را که همانا ادای حقوق وی و به طور خاص زمینه‌سازی برای برگرداندن حق حاکمیت و ولایت حضرت مهدی در جامعه جهانی است مشخص کنیم؛ همین نکته باعث شده تا برخی اندیشمندان در تحلیلی چنین اظهار کنند که:

تفاوت زندگی سبک زندگی مهدوی با سبک زندگی دینی این است که هر دو دین‌دار هستند و از امام خود اطاعت می‌کنند ولی در سبک زندگی مهدوی فرد در کنار ایمان، خود را زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌داند.^۱

با این توضیح حتی شبهه مذکور که فرق آن با سبک زندگی علوی و حسینی و نظیرش چیست نیز بر طرف می‌شود؛ زیرا ما اولاً؛ به جای قید مهدوی از قید منتظرانه استفاده کردیم که نکته آن در قبل - و در تعریف پیشنهادی ما - گوشزد شد و ثانیاً؛ با پررنگ کردن جایگاه امام زمان و حقوق او مشخص شد که سبک زندگی شیعه در هر دوره‌ای - تا قبل از ظهور - منتظرانه است؛ خواه امام زمان وی در عصری حضرت علی عجل الله تعالی فرجه باشد و خواه امام حسین عجل الله تعالی فرجه. بنابراین اگر منظور از سبک زندگی علوی و حسینی آن است که ما از الگوهای منتظران آن دوران برای زمانه خود که امام زمان ما حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه است درس بگیریم و رابطه قلبی و عملی خود را با ایشان با در نظر گرفتن این عصر، مدیریت و تنظیم کنیم حرفی نیست؛ اما باید بدانیم که توقف در امامان قبل و بی‌توجهی قلبی و عملی به وظایف خود در قبال حضرت مهدی که امام زمان و عصر ما هستند شایسته نبوده و قید منتظرانه این غفلت احتمالی را نیز برطرف می‌کند. توجه به این نکته

۱. سبک زندگی مهدوی باید الگوی جامعه شود؛ گفتگو با محمدصابر جعفری، خیرگزاری شبستان. ۱۳۹۲/۰۴/۰۸.

حتی می‌تواند کیفیت مراسم بزرگداشت معصومین و به ویژه عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام را دگرگون کند.

پنجم. نکته دیگر آن که ما در شرایط خاص غیبت امام عصر علیه السلام قرار گرفته‌ایم که ارتباط اختیاری شیعیان با حضرت حجت و بهره‌گیری مستقیم از محضرش قطع شده است. در سخنان معصومین شرایط زمانی هر دوره و آگاهی به آن برای کیفیت فعالیتها بسیار مورد توجه بوده است به گونه‌ای که فرموده‌اند: *الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوَأِسُ؛*^۱ امور مشتبه بر کسی که به زمانه آگاه است حمله نمی‌برد؛^۲ حال سؤال این است در این موقعیت ویژه غیبت امام، شیوه زندگی اسلامی و شیعی با چه سبک خاصی باید جریان پیدا کند؟ ما معتقدیم همان گونه که روایات آن نیز در قبل ذکر شد سبک زندگی منتظرانه همان پاسخ مناسب به این پرسش است.

ششم. آخرین مطلبی که در این باره قابل طرح است، نسبت سبک زندگی منتظرانه با مؤمنانه است چرا که برخی معتقدند که این سبک، همان سبک زندگی مؤمنانه است در حالی که اگر به قرآن کریم مراجعه کنیم خود مؤمنان به دو دسته تقسیم شده‌اند: مؤمنان قاعد و مؤمنان مجاهد؛ قرآن کریم در آیه ۹۵ سوره نساء می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [ترک‌کنندگان جهاد] برتری مهممی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان)، خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

از طرفی ما در شناخت مفهوم انتظار، آن را با جهاد گره زده و بیان کردیم که منتظر، مؤمن مجاهد در عصر غیبت است و همین قید، پاسخ به این نسبت، خواهد بود.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۷.

خلاصه سخن آنکه سبک زندگی منتظرانه، مصداق عینی و الگوزمایی سبک زندگی دینی، اسلامی، شیعی، مؤمنانه و مجاهدانه در عصر غیبت امام زمان علیه السلام است که البته مرجع مباحث علمی و اسلامی آن به تصریح امام عصر، علمای بزرگوار شیعه و مراجع معظم تقلید هستند.

گفتار چهارم. ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه

ممکن است در مطالعاتی که درباره سبک زندگی مهدوی و منتظرانه صورت می‌گیرد به خاطر عدم آگاهی از محدوده‌ها و خصوصیت‌های این اصطلاح، اشتباهاتی در بعد نظری صورت گیرد؛ کما اینکه در مواردی این امر مشاهده شده است. در این صورت با یک جمع‌بندی در مورد ماهیت سبک زندگی منتظرانه و برای تمییز این اصطلاح از واژگان شبیه و مرتبط با آن، ویژگی‌های ذیل درباره سبک زندگی منتظرانه، می‌تواند از افتادن در ورطه اشتباه مفهومی به ما کمک کند:

۱. مهم‌ترین ویژگی سبک زندگی منتظرانه، شکل‌گیری رفتارهایی حول محور گرایش به حضرت مهدی علیه السلام، پذیرش ولایت وی و انتظار ظهور اوست؛
۲. سبک زندگی منتظرانه کلتی انتزاع شده از مجموعه رفتارهای خاص معطوف به انتظار حضرت مهدی علیه السلام است نه تک تک رفتارها؛
۳. سبک زندگی منتظرانه ناظر به جلوه‌های ظاهری و رفتاری است و باورهای مهدوی تنها به عنوان مبانی این سبک از زندگی مطرح می‌شود نه خود سبک؛
۴. سبک زندگی منتظرانه، نماد شیعه راستین بر مبنای اسلام اصیل و اصل امامت است؛
۵. سبک زندگی منتظرانه تمام ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی را به‌خاطر قیام سراسری امام قائم، در مقیاسی جهانی در بر می‌گیرد؛
۶. سبک زندگی منتظرانه به همه حوزه‌های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ورود پیدا می‌کند؛
۷. رویکرد جهادی که تلاش همه جانبه برای زمینه‌سازی (ایجاد مقتضیات و دفع موانع فردی و اجتماعی) ظهور است روح حاکم بر سبک زندگی منتظرانه می‌باشد.

- علاوه بر آن نویسنده نکته‌سنجی^۱ موارد دیگری در این زمینه شمرده‌اند که عبارتند از:
۸. سبک زندگی زمینه‌ساز باید بتواند باعث مرزبندی و شفافیت بین ایمان، کفر و نفاق باشد؛ از این رو هویت و نشانه‌های زندگی که بین مؤمن و منافق و کافر یکسان باشد زمینه‌ساز نخواهد بود.
 ۹. سبک زندگی زمینه‌ساز باید در شرایط سخت، قدرت تمییز بین حق و باطل را داشته باشد.
 ۱۰. شیوه زندگی منتظران واقعی و سبک زندگی آنها باید متضمن یاد موعود الهی به صورت هوشمندانه و عالمانه باشد.
 ۱۱. سبک زندگی آن گاه زمینه‌ساز است که شرایط لازم و کافی برای تشکیل حکومت و تمدن‌سازی نوین اسلامی را داشته باشد. فضای مجازی، نوع پوشش، نوع عبادات فردی و جمعی برخی از نمونه‌های تمدن‌ساز هستند.
 ۱۲. در سبک زندگی زمینه‌ساز هرگونه تعدی سلطه‌جویانه و مغرورانه انسان به طبیعت جایز نیست.
 ۱۳. سبک زندگی زمینه‌ساز باید طوری طراحی شود که ضمن پرهیز از بدعت و سطحی‌نگری، پاسخگوی نیازهای مشروع بشری در راستای مسیر الهی باشد.

۱. مقاله «مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز»، غلامرضا گودرزی، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش ۳۱.

بخش سوم

اهداف و کارکردهای سبک زندگی منتظرانه

از جمله دانستی‌هایی که انگیزه ما را بر انتخاب این روش زندگی بر سایر سبکها افزایش می‌دهد، آگاهی از آثار و کارکردهای سبک زندگی منتظرانه است. در همین راستا علاوه بر مواردی که در مورد ضرورت انتخاب سبک در زندگی گفته شد، باید به کارکردهای آن نیز توجه نمود، زیرا آثار متعددی که سبک‌های مختلف بر زندگی انسانها دارد، باعث می‌شود تا در انتخاب خود، اندیشمندان و محتاطانه و با معیار، عمل کنیم. برخی از این آثار در مقایسه‌ای تطبیقی با سبک زندگی منتظرانه عبارتند از:

فصل اول. اهداف سبک زندگی منتظرانه

فصل دوم. کارکردهای سبک زندگی منتظرانه

فصل اول.

اهداف سبک زندگی منتظرانه

گفتار اول. عبودیت و تقرب به خدا

در روایات ما در مورد انتظار فرج، فضیلت‌های عجیبی شمرده شده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱ و «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ»^۲. همچنین در سخنان حکمت آموز امیرالمؤمنین علی عَلِيٍّ می‌خوانیم که: أَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ؛^۳ منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید که محبوب‌ترین کارها نزد خدا انتظار فرج است.

پر واضح است که زندگی کردن به شیوه‌ای که نماد آن انتظار فرج و اولویت دادن در انتخابها و فعالیتها، چشم به راه گشایش بودن از جانب خدا باشد، از دوست‌داشتنی‌ترین اعمال در نزد پروردگار متعال خواهد بود و معلوم است که محبوبیت در پیشگاه خدا بر خلاف انسانها که ممکن است منفک و جدا از اقدام عملی باشد، همراه با رحمت و عنایت ویژه حضرت حق خواهد بود و این رحمت، در موفقیت ما و ایمنی از موانع خوشبختی سهم بسزایی خواهد داشت.

جالب اینجاست که انتظار فرج در این سخنان نورانی، شامل هر گونه انتظاری در زندگی ماست؛ چه رسد به انتظار فرج بزرگ بشریت و حکومت صالحان مستضعف در سراسر جهان توسط امام زمان که آیات زیادی نیز بر آن گواه است. این مطلب را نیز در سخن

۱. همان، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳. تحف العقول، ص ۱۰۶.

امام رضا علیه السلام می‌توان دریافت، آنجا که در پاسخ سؤال فردی درباره انتظار فرج، ایشان به آیه بیستم سوره یونس تمسک می‌نماید. و امام صادق علیه السلام نیز پس از تفسیر غیب به «الحجة القائم»^۱ در اول سوره بقره، باز به همین آیه از سوره یونس پرداخته که: «إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ». ملاحظه می‌کنید که دو امام بزرگوار ما هم مطلق مقوله انتظار فرج و هم انتظار قائم آل محمد را از یک آیه قرآن استخراج می‌نمایند. در هر صورت این افضل عبادات که سبب نزول رحمت ویژه الهی بر منتظران می‌شود، هم موجب تمرین عبودیت و بندگی در آن‌ها شده و هم موجبات تقرب بیشتر به خدا را فراهم خواهد کرد و این نکته در سخن شریف در سخن شریف امام صادق علیه السلام این طور بیان شده است: «زمانی که بندگان به خدای متعال نزدیک ترند و خدا از ایشان بیشتر راضی است، زمانی است که حجت خدای متعال از میان آن‌ها مفقود شده و آشکار نگردد و جای او را هم ندانند و از طرفی هم بدانند که حجت و میثاق خدا باطل نگشته و از میان نرفته است»^۲.

گفتار دوم. نیل به درجات عالی

یکی دیگر از فضیلت‌های زندگی بر محور انتظار موعود را می‌توان رهیابی شخص منتظر به مقام‌های رفیع دنیوی و اخروی دانست و این مطلب با عناوین گوناگونی در احادیث پیشوایان ما مطرح شده است. در سخنی شگرف حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است: در فردای واپسین کسانی که بر محور انتظار زندگی کرده و با صبر خویش در تقابل با اذیت و ترسی که احیاناً در این مسیر متوجه آنهاست مقاومت نمایند، در زمره اهل بیت محشور خواهند شد که: «مَنْ أَنْتَظَرَ أُمَّرَتًا وَصَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَدَى وَالْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا»^۳.

امام سجاد علیه السلام نیز در سخنی دیگر اجر منتظران امام عصر علیه السلام را همسان با هزار شهید از شهدای بدر و احد شمرده و فرمودند: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مَوْلَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۳.

۳. همان، ج ۸، ص ۳۷.

جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ». علاوه بر آن این تمجید از اهل انتظار تنها به امور اخروی محدود نشده و ائمه معصومین شأن و منزلت منتظران را چنین تشریح کرده‌اند که:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛
مردمان زمان غیبتش که قائل به امامت و منتظر ظهورش باشند برترین مردم تمام روزگاران هستند.^۲

گفتار سوم. راه ورود به سپاه امام زمان (عج)

یکی از آرزوهای همه شیعیان اهل بیت و دوستداران حضرت ولی عصر (عج) آن است که توفیق سربازی و پا در رکابی قائم آل محمد (عج) را پیدا کنیم و این خود آرمان مقدسی است که امامان ما در ادعیه گوناگون با جملاتی نظیر «وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ، الذَّاكِرِينَ عَنْهُ، وَ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ، وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»^۳ به ما آموزش داده‌اند. حال می‌گوییم که یکی از آثار مبارک زندگی به سبک انتظار رسیدن به چنین آرزویی است، زیرا در روایات مهدوی یکی از برکات این سبک زندگی قرار گرفتن در زمره سپاهیان حضرت شمره شده به گونه‌ای که امام صادق (ع) در این باره فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ...»^۴ کسی که دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد...» و فرمود:

الْقَائِلُ مِنْكُمْ أَنْ لَوْ أَدْرَكْتُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ نَصَرْتُهُ كَانَ كَالْمُقَارِعِ بَيْنَ يَدَيْهِ بِسَيْفِهِ لَأَبْلُ كَالشَّهِيدِ مَعَهُ؛^۵ اگر کسی از شما بگوید: اگر قائم آل محمد را درک کنم او را نصرت خواهم کرد او مانند کسی است که پیشرو او شمشیر می‌زند، نه بلکه مانند کسی است که همراه او شهید شود.

و فرمود:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۳.
۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۰.
۳. المزار الکبیر ابن مشهدی، ص ۱۰۷.
۴. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۰.
۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴.

مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ لَا بَلْ كَانَ كَالضَّارِبِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ؛^۱ هر که منتظر این امر باشد و بمیرد مانند کسی است که با قائم عَلَيْهِ السَّلَام در خیمه‌اش باشد، نه، بلکه مانند کسی است که پیشاروی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سلم شمشیر زده باشد.

ملاحظه می‌کنید که در این سخن شریف زندگی در انتظار امر امامت و ولایت به مثابه سربازی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و حتی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داده شده است و آن‌انکه به این شیوه زندگی کرده‌اند حتی اگر قبل از قیام حضرت مهدی از دنیا بروند می‌توانند به دنیا رجعت کرده و سعادت سربازی قائم آل محمد را در کارنامه خود ثبت نمایند. این مطلب حتی آن قدر مهم است که در زمان ظهور نیز حضرت مهدی قبل از قیام خویش بیعت‌نامه‌ای را به امضای یاران خود می‌رساند که بسیاری از مواد آن مصادیقی از سبک زندگی مهدوی است که در ادامه نوشتار و در قسمت آثار و کاردکردهای سبک زندگی منتظرانه و در بخش تقویت نظام اسلامی مواردی از آن ذکر شده است.

گفتار چهارم. تبدیل سازی انتظار ظاهری به انتظار واقعی

بسنده کردن ایمان و اعتقاد به مهدویت در قلب و عدم عینی سازی و تنظیم رفتارها بر اساس آن، مخالف آموزه‌های قرآنی و حدیثی است، زیرا در فرهنگ قرآن همواره رفتار در کنار باور قرار داده شده و غالباً هر جا که از ایمان نام برده شده عمل نیز در کنار آن آمده است که «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»^۲. به تبع آن معصومین نیز بارها بر همراهی این دو با هم تأکید کرده‌اند که: «الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ وَالْقَوْلُ بَعْضُ ذَلِكَ الْعَمَلِ»^۳ ایمان تمامش عمل است و سخن از آن فقط بخشی از آن عمل است». کسانی که این امر را قبول ندارند در تاریخ شیعه به نام «مرجئه» شناخته شدند و تفکراتشان در زمان امام صادق شایع شده بود. محمد بن حفص می‌گوید: «شنیدم مردی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از قول مرجئه راجع به کفر و ایمان پرسید و عرض کرد: مرجئه بر ما احتجاج می‌کنند و می‌گویند: چنان

۱. همان، ص ۳۳۸.

۲. بقره / ۲۷۷.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۴.

که کسی را که ما کافر می دانیم، نزد خدا هم کافر است؛ همچنین مؤمن هم زمانی که به ایمانش اقرار کرد او را نزد خدا مؤمن می دانیم. حضرت فرمود: سبحان الله! چگونه این دو برابرند؟! در صورتی که کفر فقط اقرار بنده است (به اینکه خدائی نیست) و پس از اقرارش از او گواه و دلیلی نخواهند، ولی ایمان ادعائی است که جز با دلیل ثابت نشود و دلیل مؤمن عمل و نیت او است که اگر متفق شدند (نیت و عمل) بنده نزد خدا مؤمن است.^۱

بنابر این حدیث که عمل را - علاوه بر نیت و اقرار - شرط گذر از ایمان ظاهری و رسیدن به ایمان واقعی می داند در مورد انتظار هم همین معیار را می توان قرار داد و در نتیجه برای مؤمنان و شیعیان اهل بیت و امام زمان تنها ادعای انتظار ظهور و اکتفا به خواندن دعاهای مهدوی برای قرار گرفتن در زمره منتظران واقعی و بهره بردن از برکات آن کافی نیست؛ بلکه برای اثبات صداقت در این ادعا باید اعمال مناسب با انتظار موعود را انجام داد و همان گونه که بارها در احادیث مهدوی به ضرورت التزام عملی منتظران در عرصه های مختلف و انجام واجبات و ترک محرمات توصیه شده است باید همه ما سعی کنیم تا در حد توان فرهنگ انتظار را در زندگی فردی و اجتماعی خود جاری کنیم و به خطاب حکیمانه «فَلْيَنْتَظِرْ وَيُعْمَلْ...»^۲ دل بسپاریم و به امر مولای خود که فرمود:

۱. مرجئه به معنی تأخیر اندازنده و دنبال آورنده است و این دسته را از آن جهت مرجئه نامیدند که بر خلاف اهل ایمان عمل را از نیت پس اندازند و در ردیفش نیاورند و بعضی مرجئه را از ماده رجا «امیدواری» گرفته اند، زیرا این طایفه گنهکاران را امیدواری میدهند... مرجئه جماعتی هستند که عقیده دارند با وجود ایمان هیچ گناهی زیان ندارد و مؤمن هر چند گناه داشته باشد اگر چه کبائر باشد، به بهشت میرود و با وجود کفر هیچ طاعتی سود ندهد، ولی پیداست که قسمت دوم عقیده آنها درست است و قسمت اولش نادرست، و آنها هم برای تصحیح قسمت اول عقیده خود به قسمت دوم تمسک نموده و قیاس می کردند، امام صادق علیه السلام با کمال وضوح بیان فرمود که این قیاس مع الفارق است، زیرا ایمان ادعا و اثبات امری است که سه جزء دارد، و باید هر سه جزئش ثابت شود: ۱- اقرار زبانی. ۲- عقیده قلبی. ۳- اعمال و کردار بدنی، این است ایمان واقعی و حقیقی، ولی در ایمان ظاهری تنها دو جزء اول و سوم کافی است و جز دوم لازم نیست، ولی کفر نبودن یکی از این سه چیز است که به محض انکار خدا ثابت می شود. (أصول کافی؛ ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۶۶).

۲. «باید منتظر باشد و باید عمل کند...»؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۰۰.

«فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَتَيْتاً لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ»^۱ لیبیک گوییم.

گفتار پنجم. الگوسازی با تمدن‌سازی

همان گونه که بارها گفته شد، قیام جهانی حضرت قائم علیه السلام و تحقق حکومت جهانی مهدوی، امری الهی و مردمی است و باید زمینه‌های مردمی ظهور برای چنین قیام وسیعی فراهم باشد. نکته قابل توجه در اینجا آن است که یکی از این زمینه‌های مهم - علاوه بر یاران کارآمد - رغبت، پذیرش و شوق عمومی و حتی جهانی به حکومت مهدوی است کما اینکه در دعا می‌خوانیم: «انا نرغب الیک فی دولة کریمه...»^۲؛ معلوم است که تحقق این رغبت عمومی تا حد زیادی با ارائه نمونه و الگوی عینی هر چند کوچک از مدینه فاضله و جذاب مهدوی میسر خواهد بود، بنابراین تلاش برای تحقق و نهادینه کردن سبک زندگی منتظرانه، کوششی برای امر زمینه‌سازی برای فرج و ظهور است.

این نکته راهبردی در اهداف انقلاب اسلامی که به تصریح امام خمینی علیه السلام انقلابی برای زمینه‌سازی انقلاب مهدی علیه السلام بوده نیز مورد نظر قرار گرفته و حضرت روح الله علاوه بر اینکه فرمود: «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است»^۳ به صراحت چنین تأکید نمود که: ان شاء الله، اسلام را به آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد، و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و [این] مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر ارواحنا فداه.^۴ در سخنان مقام معظم رهبری نیز عبارات مختلفی با همین مضمون به چشم می‌خورد؛ ایشان علاوه بر آنکه انقلاب اسلامی ایران را مقدمه ظهور انقلاب جهانی مهدوی می‌دانند به نقش الگویی آن، چنین اشاره می‌کنند:

جمهوری اسلامی نتیجه برداشت صحیح از اعتقاد به امام زمان و الگوی کوچکی برای

۱. «پس جدیت کنید و منتظر باشید؛ گوارا باد بر شما ای گروه مورد رحمت الهی»؛ همان.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۶۲.

آن حکومت عظیم جهانی است.^۱ همه خصوصیات که در ظهور مهدی علیه السلام هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیة الله همه مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه ای که به خانه کعبه پشت می‌دهد و تکیه می‌کند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد می‌کند، صدا می‌زند: «یا اهل العالم»؛ انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه قدرت‌های بزرگ جهان ستیزه می‌کند و در می‌افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی هم حساب‌های مادی و معمولی را به هم می‌ریزد، انقلاب ما هم همه حساب‌ها را به هم ریخت.^۲

رهبر معظم انقلاب نه تنها بر پایه این آرمان بزرگ جمهوری اسلامی، از سالها قبل همواره سفارش می‌نمایند که: «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه السلام تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را بسازیم»^۳ و:

شما ملت انقلابی مسلمان، باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود علیه السلام و انقلاب نهایی اسلامی بشریت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه این گره‌ها را باز خواهد کرد - قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است.^۴

بلکه برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به ظهور دولت موعود، در اندیشه ایجاد تمدن بزرگ اسلامی و تحقق الگویی نیکو برای جهانیان هستند و فرمودند:

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۱۳۶۷/۱/۱۲.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۱۳۶۰/۳/۲۹.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۱۳۶۰/۳/۲۹.

نماید. این، آینده قطعی شماست.^۱

از همین رو تمام مسئولان و نخبگان کشور را موظف به طراحی و عملیاتی نمودن این ایده نمودند:

آنچه ما تصور می‌کنیم که وظیفه ما است، وظیفه مجموعه مسئولان کشور است، وظیفه دولت جمهوری اسلامی است، این است که سه مؤلفه بزرگ را برای همه تصمیم‌گیری‌ها و همه اقدامها در نظر داشته باشد: مؤلفه اول عبارت است از آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی که این اهداف و آرمانها مطلقاً نایستی از نظر دور بشود؛ آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد.^۲

با این توضیح اگر بخواهیم در ایجاد تمدن بزرگ اسلامی در ایران موفق شده و آن را تبدیل به نمونه و الگویی کوچک از جامعه مهدوی نموده و جهانیان را به دولت کریمه امام زمان ترغیب نماییم باید به سبک زندگی خود اهمیت دهیم؛ از همین روست که مقام معظم رهبری فرمود:

هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است... بخش حقیقی، آن چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است... اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، می‌توان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسان‌تر خواهد شد.^۳

گفتار ششم. اصلاح‌گری در فرد و اجتماع

همه ما مشکلات اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی زیادی را در اطراف خود مشاهده می‌کنیم. اگر به تحلیل این معضلات بپردازیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از این

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۱۳۹۲/۰۶/۱۴.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۱۳۹۱/۷/۲۳.

گرفتاریها به منشهها، سبکها و شیوه‌هایی بر می‌گردد که ریشه آنها به نوع جهان بینی مادی و ضد اسلامی غرب، رجوع می‌کند و حاصل پابندی به آن و لو به طور ناخودآگاه، ظهور آسیب‌های سبک زندگی غیر اسلامی جاری در میان جامعه اسلامی ماست. بنابراین اگر بخواهیم از کمند این ناهنجاریها که حتی کشورهای غربی را در بر گرفته، رهایی یابیم، باید در سبک زندگی خود تجدید نظر کرده و آن را بر اساس مبانی درست که همانا دین و برنامه الهی است، تدوین نماییم. چرا که به فرموده امیر المؤمنین علی علیه السلام: «دین است که مصونیت می‌بخشد»^۱. باید بدانیم سبکی می‌تواند ما را به سعادت دنیوی و اخروی برساند که بر پایه آن باشد، اما همان گونه که بارها گفته شد اساس دین بر امامت استوار است. این بدان جهت است که دین، تنها مجموعه قوانین سعادت بخش برای بشریت است، لکن تا زمانی که به آن عمل نشده و در جریان زندگی انسانها قرار نگیرد توانایی خویش را نمی‌تواند نشان دهد. امام همان کسی است که با تأسیس حکومت اسلامی و با کسب قدرت ضمان اجرایی دین را فراهم می‌کند و از همین روست که انتظار حکومت عدل مهدوی، انتظار حاکمیت و جریان دین در متن بشر است، اما همین حالت همان گونه که قبلاً در معنای انتظار گفته شد با خود لوازمی را به همراه دارد و از جمله آن سرلوحه قرار دادن تقوای الهی و تخلق به دستورات الهی فرد و جامعه است که این خود، باعث تغییر در سبک فعلی زندگی و بهبود مسائل زندگی خواهد شد. از همین روست که ائمه معصومین تقوای الهی و اخلاق را از وظایف منتظران امام زمان شمرده و فرموده‌اند: «باید به انتظار باشد و با حال انتظار به پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند و اوست منتظر»^۲ و فرمودند: بر شماست رعایت کردن ورع، به درستی که ورع آن دینی است که ما ملتزم به آن هستیم و خدا را به وسیله آن بندگی می‌کنیم و همین را از اهل ولایت و محبت خود انتظار داریم. ما را به خاطر شفاعت کردن به سختی و زحمت نیندازید.^۳

حاصل مطلب اینکه گمان ما بر این است که فرج و گشایش شیعیان پس از ظهور

۱. «الدین یعصم»؛ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۷.

مهدی موعود علیه السلام خواهد بود؛ در حالی که این امر اشتباه بوده و ناشی از برداشت نادرست ما از فرج و تنزل دادن آن در حد رفاه و آسایش است. شناخت امام عصر و تن دادن به ولایت او و چشم به راه حکومت عدل او بودن خود بخشی از فرج ماست؛ کما این که وقتی حسن بن جهم از امام رضا درباره فرج می پرسد؛ ایشان می فرماید: «أَوْ لَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ أَنْتَ تَنْتَظِرُ الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ؟^۱ آیا نمی دانی که در انتظار فرج بودن خود، جزئی از فرج و گشایش است؟» و امام صادق علیه السلام نیز تأکید فرمودند که: «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ بِأَنْتَظَرِهِ»^۲؛ بنابراین سبک زندگی منتظرانه، آغازی بر فرج نهایی او و همه کسانی خواهد بود که شوق ظهور دولت حق و محو دولت باطل را در دل می پروراند. همه منتظران موعود باید بدانند که این روش از زندگی اگرچه ممکن است با سختی هایی همراه باشد، اما جالب است که بدانید خود این امر نشانه ای از یک اتفاق خوب است و روانشناسی نظیر آلپورت معتقد است: «شخصیت سالم لزوماً شخصیت بی خیال شاد نیست... زندگی شخصیت سالم چه بسا سخت و تلخ و آکنده از درد و رنج باشد»^۳.

آنقدر در نزد خداوند مورد احترام است که بالاخره راهی برای خلاصی از گرفتاریها فراهم خواهد شد؛ این فرمایش امام باقر است که وقتی عبدالحمید واسطی سختیها و محرومیت های حاصل از انتظار ظهور دولت اهل بیت را به ایشان عرض می کند؛ حضرت می فرماید:

يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ أ تَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا؟ بَلَى؛ وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرًا؟^۴ ای عبد الحمید آیا تصور می کنی کسی که در راه خدا خود را بازداشته و در مضیقه قرار داده است خداوند در کارش گشایش قرار نمی دهد؟ حتماً به خدا قسم که حتماً برای او گشایشی فراهم خواهد کرد، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده کند.

بنابراین همه منتظران ظهور امام زمان باید درک کنند که ترس از سختیها نباید مانع از

۱. الغيبة طوسی، ص ۴۵۹.

۲. الغيبة نعمانی، ص ۳۳۰.

۳. روانشناسی کمال، ص ۱۸.

۴. الکافی، ج ۸، ص ۸۰.

التزام به لوازم انتظار شود؛ چرا که در وجود آدمی، توانایی‌هایی وجود دارد که جز در موقعیتهایی نظیر برخورد با سختیها و مشکلات ظهور نمی‌کند و شکوفا نمی‌شود.

گفتار هفتم. انتقال عملی ارزشهای ناب مهدوی

از جمله مهمترین مسائل در حوزه معارف مهدوی با وجود همه کارایی‌های آن، انتقال این مفاهیم ارزشی، نجات‌بخش و کاربردی به افراد و خانواده و جامعه است تا در پرتو ترویج این ارزشها بتوان تحولی در خور توجه در خانواده و جامعه شیعی ایجاد کرد. ممکن است برخی انتقال این معارف را از شیوه‌های مختلف آموزشی نظیر کلاسها، کنفرانسها و نوشتن کتب و مقالات راهکار ترویج اندیشه‌های مهدوی بدانند؛ اما باید گفت که بر طبق فرهنگ قرآن و اهل بیت نمی‌توان نشر این معارف ناب را در این روشها خلاصه کرد، بلکه می‌توان و باید از روش عملی ترویج علوم مهدوی غافل نشد. این امام صادق علیه السلام است که بر پایه هشدار قرآنی: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ»^۱ فرمود:

کونوا دعاة إلى أنفسکم بغیر ألسنتکم و کونوا زیناً و لا تکنوا شیناً؛^۲ مردم را با غیر از زبان به آیین خود دعوت کنید و زینت ما باشید و ننگ ما نباشید.

بنابراین اگر نگوئیم بهترین، یکی از بهترین روشهایی که می‌تواند منتشر کننده فرهنگ مهدویت و به ویژه سبک زندگی منتظرانه در جامعه بوده و شیعیان را از برکات این شیوه زیستن بهره‌مند نماید آن است که خود باورمندان به حضرت مهدی و مشتاقان ظهور ایشان، همچون انبیا و امامان و اولیای الهی این سبک زندگی را عملاً در فضای زندگی خود جاری کنند.

باید بدانیم که ظلم و فساد فراگیری که اکنون مشاهده می‌شود تنها با گفتگو و نوشتن کتاب و برگزاری همایش از بین نخواهد رفت؛ بلکه باید آستین‌ها را بالا زد و با همت عملی وارد میدان زندگی شد و این سبک زندگی را که یکی از مصداقهای عینی «معروف» است در متن زندگی نمایان ساخت و این توبیخ حضرت علی علیه السلام را نصب العین

۱. صف / ۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۷۷.

خود کرد که:

ظهر الفساد فلا منکر مغیر و لا زاجر مزدجر. أ فبهذا تریدون أن تجاوروا الله فی دار
قدسه و تكونوا أعز أولیائه عنده؟ هیهات! لا یخدع الله عن جنته و لا تنال مرضاته إلا
بطاعته؛ لعن الله الأمرین بالمعروف التارکین له و الناهین عن المنکر العالمین به؛^۱
فساد آشکار شد، نه انکار کننده‌ای تغییر دهنده و نه باز دارنده‌ای که خود آلوده نباشد
دیده می‌شود. آیا با این وضع نکبت‌بار می‌خواهید در جوار قدس حق قرار گیرید، و سر
افرازترین دوستان خدا باشید؟ هیهات! خدا را نسبت به بهشتش نمی‌توان فریفت، و
جز به طاعتش امکان رسیدن به خشنودیش نیست. لعنت خدا بر آمران به معروفی که
خود تارک معروفاند، و ناهیان از منکری که خود آلوده به منکرند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹.

فصل دوم. کارکردهای سبک زندگی منتظرانه

گفتار اول. نمادسازی باورهای مهدوی

نماد از جمله مفاهیم مهمی است که امروزه در جامعه شناسی ارتباطات از آن سخن می‌رود و در روابط اجتماعی دارای کارکردهایی در زمینه ارتباطات و مشارکت عمومی است. وقتی پرچم یا سرود ملی یک کشور جزء نمادهای آن کشور محسوب می‌شود در زمینه مذهبی و عقیدتی نیز رفتار و پوشش ظاهری نماد و نمایانگر نوع بینشها و گرایشهای ما است که معادل آن را در عرف مذهب به شعائر دینی می‌توان توصیف کرد. اهمیت پرداختن به نمادها به خاطر قدرت تداعی معانی است که یکی از وسایل مهم انتقال پیام به حساب می‌آید. همین تداعی معانی، کارکردهای فراوانی دارد از جمله آن که:

«۱. نمادها با تبادل سریع پیام، روابط اجتماعی انسان را آسان می‌کند. رنگ نارنجی اتومبیل، راننده تاکسی را از تلاش برای اعلام شغل بی‌نیاز می‌کند.

۲. علاوه بر این، نمادها بر ذهن و حال انسان اثر می‌گذارند. نماد با یادآوری معنا و احضار آن در ذهن، «توجه» ما را جهت می‌دهد و غفلت را می‌زداید. این «توجه» در شکل‌دهی اراده ما بسیار مؤثر است. شرکت‌های بزرگ که برای تبلیغ فراورده‌های خود، مبالغ هنگفتی هزینه می‌کنند با جلب توجه و تداعی معانی مکرر، در ناخودآگاه وجود ما باورهای جدید ایجاد می‌کنند و اراده ما را برای خرید آن کالاها تحت فشار قرار می‌دهند.

۳. فایده دیگر نماد این است که باطن و شخصیت فرد را می‌نمایاند. شیخ فضل‌الله نوری با امتناع از نصب پرچم بیگانه بر آستانه منزل، ایمان و باور خود را نمایانده است. حجاب دختران دانشجوی اروپایی که با مخالفت شدید دولتمردان روبرو شد، همین نقش را ایفا کرده است.

۴. نماد علاوه بر اینکه معنای خود را می‌نمایاند، درجه حضور و حیات آن معنی را در

جامعه بیان می‌کند. التزام مسلمانان به احکام شرعی، اعلام حضور اسلام و حیات آن در جامعه است. صلیب و صدای ناقوس کلیسا ابراز موجودیت فکر مسیحی است. مظاهر جبهه و جنگ نشان دهنده آن است که اجتماع اسلامی پس از پایان جنگ نیز شهادت و جانبازی در راه خدا را ارزشمند می‌داند.

۵. نماد، توسعه دهنده فکر و ایده و فرهنگ در اجتماع خصوصاً برای نسل‌های آینده است.^۱ همان گونه که پوشیدن پیراهن مشکی در ایام محرم، عشق ما به امام حسین علیه السلام و فرهنگ عاشورا را بیان می‌کند، استفاده از نمادهایی که متعلق به فرهنگ ضد دینی غرب است نشانه اعلام علاقه و وفاداری نسبت به آن اعلام بوده و نوعی آمادگی برای عضویت در جبهه آنهاست. به همین علت بوده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امت خود سفارش فرمود: «لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى؛ ظاهر خود را شبیه یهود و نصارا نکنید».^۲

امام صادق نیز در کلامی حکمت آموز فرمود:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا يَطْعَمُوا مَطْعَمَ أَعْدَائِي وَ لَا يَسْأَلُوا مَسْأَلَةَ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي؛^۳ خداوند عزوجل به یکی از انبیایش وحی فرمود که به مؤمنان بگو: لباس دشمنان را نپوشند و غذای آنها را نخورند و به شیوه آنها رفتار نکنند که اگر چنین کنند همان گونه که آنها دشمن هستند، ایشان هم دشمن خواهند بود.

بنابراین باید گفت که «لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می‌کند که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند. همچنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می‌کند؛ هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش‌ها و بینش‌ها معتقد و دلبسته باشد لباس متناسب با آن ارزش‌ها و بینش‌ها را از تن به در نخواهد کرد».^۴ البته این امر تنها منحصر به لباس نبوده و بی‌تردید همه جلوه‌ها و اعمال و رفتار ظاهری ما را در بر می‌گیرد.

۱. محمد نوری، نماد و معنا در آئینه فرهنگ، مجله: نگاه حوزه، دهم آبان ۱۳۸۲، ش ۱۰۷.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲.

۴. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰.

با این توضیح می‌گوییم: سبک زندگی منتظرانه، نمادی از باور به مهدی منتظر عجله الله تعالی فرجه و حاصل دقت و انتخاب در رفتارهای عمومی با تمام گستردگی و تنظیم آن بر محور باورداشت به امام زمان است که به صورت مجموعه رفتارهای خاص برخاسته از این عقیده مقدس، تجلی کرده و شعاع نورانی خود را در معرض تماشای دیگران قرار می‌دهد. بدیهی است که با توجه به کارکردهای عمومی نمادها، هم فرهنگ مهدویت که تجلی فرهنگ ناب اسلام شیعی است احیا می‌شود و هم پیامهای ویژه این شیوه از سبک زندگی به سرعت و سادگی به دیگران منتقل شده و به خودی خود تبلیغ عملی مهدویت در مجامع عمومی و بین المللی است.

گفتار دوم. همدلی، همبستگی و همیاری جامعه منتظر

از جمله کارکردهای مسلم سبک زندگی آن است که انسان با کسانی که هم رأی و باور او هستند بیشتر انس گرفته و در مقابل از کسانی که مخالف باورهای اویند دوری می‌گزیند. حال اگر سبک زندگی را به وضعیت ظاهری معنا کرده و وضعیت ظاهری را نماد باورها و ارزشهای شخص محسوب کنیم به راحتی می‌توان دریافت که انس بین افرادی که ظواهر مشترکی دارند راحت تر از انس بین افرادی است که ظواهر متفاوت و بعضاً متضادی دارند. پر واضح است که در بین دو طیف همسان، صمیمیت و همکاری و بین دو طیف متضاد، تنفر و دوری بیشتر خواهد بود. مثال روشن آن را به راحتی می‌توان در طرفداران دو تیم مختلف و نوع پوشش آنها و نقش آن در روابط صمیمانه یا خصمانه بین دو گروه ملاحظه کرد. حتی در میان زنان مسلمان بین با حجابها و بی حجابها و در میان عموم مردم بین غربی پوشان و اسلامی پوشان روابط مختلفی حاکم است و ناخودآگاه جوانی که لباس غربی می‌پوشد از یک جوان با پوشش اسلامی دوری می‌گزیند و با او نه تنها صمیمی نیست، بلکه حتی گاهی به صورت ناخودآگاه از آنها متنفر نیز هست که البته عین همین حالت از طرف اسلامی پوشها هم تا حدی صادق است. بنابراین می‌توان گفت که:

در سطح کلان اجتماعی، سبک زندگی همگرایی و واگرایی پدید می‌آورد. کسانی که سال‌ها مانند هم زیسته‌اند آرام‌آرام مانند هم فکر می‌کنند و حساسیت‌ها و علاقه‌هایی مشترک خواهند داشت. این همگرایی از پیش تعریف نشده، به موضع گیری‌ها و قضاوت‌های اجتماعی فرهنگی و اخلاقی یکسان خواهد رسید و یک قطب هم‌نوا یا قدرت

اجتماعی پنهان تشکیل خواهد داد.^۱

اگر بخواهیم علت این امر را به صورت دقیق‌تری جویا شویم باید آن را در یکی شدن اهداف افراد چنین جامعه‌ای جستجو کرد، زیرا سبک زندگی روشی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است و همسان بودن یک نوع سبک زندگی در جامعه از مشترک بودن اهداف زندگی در بین افراد آن جامعه است و همین اشتراک در هدف موجب پیوند در بین معتقدان به آن می‌شود. حال در جامعه‌ای که از بزرگ‌ترین آرمان‌هایش، ظهور حضرت مهدی عج و تشکیل حکومت جهانی توسط وی است، نوعی همدلی و هم‌اندیشی پدید می‌آید. در این صورت هرگاه در جامعه اسلامی و امام‌زمانی، سبکی از زندگی که با محور رضایت امام زمان و چشم‌انتظاری او در عصر غیبت شکل گرفته و فراگیر شود، نوعی هم‌گرایی و آنگاه همیاری را در بین افراد جامعه اسلامی به وجود خواهد آورد که به پشتوانه آن بسیاری از کارهای بزرگ و نشدنی انجام خواهد شد.

گفتار سوم. تأثیر‌گذاری تربیتی از جهت روشی

بدون تردید موضوع تربیت و پرورش انسان از این جهت که فرایند شکوفایی استعدادهای آدمی و شرط لازم رسیدن به کمالات وی است همواره و برای همه مردم، مهم و به تبع آن روشهای تربیت نیز مورد توجه بوده است. اگر به مبانی سبک زندگی توجه کرده و آنگاه در میان منابع اسلامی با نگاهی تربیتی کنکاشی صورت گیرد متوجه خواهیم شد که تغییر دادن ظاهر به گونه‌ای که مطلوب و در جهت اهداف عالی زندگی باشد در تربیت ما تأثیر زیادی دارد و این طور نیست که همیشه باید باطن و درون را اصلاح کرد تا ظاهر هم اصلاح شود. در سخنی دقیق از امیرالمؤمنین ع بیان شده است که:

إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛ اگر بردبار نیستید خویشتن را به حلم و بردباری بزنید، چرا که هر کس خود را به گروهی شبیه گرداند، نزدیک است که یکی از آنان شود.^۲

این بیان حضرت علی ع یک روش تربیتی را گوشزد می‌کند و آن تغییر درون با تغییر

۱. همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص ۳۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷.

بیرون است که توضیح آن در فصل تأثیر و تغییر باورها و ارزشها از سبک زندگی، بیان شد. بنابراین هر گونه تغییر سبک زندگی به عنوان تابلوی ظاهری زندگی ما، در کیفیت تربیت ما تأثیر داشته و انتخاب سبک مناسب با جهان بینی اسلامی می‌تواند ما را در رسیدن به اهداف تربیتی مورد نظر اسلام یاری کند. ما مدعی هستیم که مصداق عینی اهداف تربیتی اسلام را در مهدویت باید جست و یکی از ابزارهایی که در وصول اهداف اسلامی و مهدوی به ما کمک می‌کند سبک زندگی منتظرانه است که این مدعا البته باید در جای خود تبیین شود.

گفتار چهارم. افزایش بهره‌وری در زندگی

یکی دیگر از اموری که ضرورت آگاهی و تعیین سبک درست در نحوه زندگی را بدیهی می‌کند، میل آدمها به کسب بهره فراوان‌تر و دستیابی به آرزوهای بیشتر در زندگیشان است و قطعاً کسب سود بیشتر نیازمند استفاده روشمند از سرمایه‌هاست. از مقداری پارچه، کسی که خیاط نیست به زحمت یک پیراهن به دست می‌آورد، ولی یک خیاط ممکن است از همان مقدار، چند پیراهن تولید کند. یک انسان ناآشنا به مسیر و مسائل فنی اتومبیل، ممکن است با یک باک بنزین، یکبار مسیری را طی کند؛ اما یک انسان آگاه به آنها، چندین بار. از این مسأله در سخنان پیشوایان دین به تفقه و شناخت عمیق در دین یاد شده است؛ چرا که اگر دین را به معنای: «شیوه سلوک و حرکت در زندگی دنیوی به نحوی که متضمن مصالح دنیوی و مطابق با کمال اخروی و حیات دائمی و حقیقی انسان»^۱ معنا کنیم، فهم شایسته آن، سهم فراوانی در رسیدن به هدف آفرینش و آرمانهای انسانی و تعیین سبک زندگی دارد؛ از همین روست که امام باقر علیه السلام یکی از ارکان کمال را فهم عمیق دین بیان نموده و می‌فرماید: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ...؛ تمام کمال آدمی عبارت است از فهم عمیق دین و...»^۲.

حال که جایگاه دین و بهره‌دهی دنیوی و اخروی فراوان آن روشن شد؛ نگاه می‌توان منزلت امامت و قدر امام را طبق آیه اکمال به عنوان عامل اکمال دین و اتمام نعمت در هندسه دین فهمید و این جمله امام رضا را دریافت که:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است؛ همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است؛ کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و بسیار شدن غنیمت و صدقات و اجراء حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف بوسیله امام است؛ امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام کند و حدود خدا را به پا دارد و از دین خدا دفاع کند و با حکمت و اندرز و حجت رسا مردم را به طریق پروردگارش دعوت نماید.^۱

در مواردی نیز ائمه معصومین به صراحت از عنصر انتظار در بهره‌وری بیشتر در زندگی سخن رانده‌اند. امام کاظم علیه السلام در همین زمینه فرمود:

مَنْ ارْتَبَطَ دَائِبَةً مُتَوَقَّعًا بِهٖ أَمْرًا وَ يَغِيظُ بِهٖ عَدُوًّا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَرَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ؛^۲ هر کسی از پیروان و وابستگان ما چهارپایی را در انتظار امر فرج ما مهیا کند و دشمن ما را خشمناک نماید، خداوند متعال روزیش را افزوده و شرح صدر به او داده و او را به آرزویش رساند و در کارهایش به او کمک فرماید.

گفتار پنجم. تلاش و پویایی هدفمند

همان طور که در بحث زندگی اشاره کردیم زندگی انسان جز با هدف و حرکت و تلاش برای رسیدن به آن معنا نمی‌یابد که به اصطلاح برخی اندیشمندان می‌توان آن را «پویایی معطوف به هدف» نامید. این اندیشمند پس از ملاحظه این نکته و تطبیق انتظار با آن تحلیلی در خور تقدیر ارائه می‌کند و می‌گوید:

انتظار امام عصر علیه السلام در منتظرانش، شامل هر دو مؤلفه «پویایی» و «معطوف به هدف بودن» است، زیرا منتظر به جامعه ای می‌اندیشد که تمامی وعده‌های انبیا و اولیا در آن به وقوع خواهد پیوست و از این روی تلاش می‌کند تا به میزان توانایی و درک مسئولیت خویش، در ساختن چنین جامعه ای سهیم باشد. از سوی دیگر، او می‌داند که برای چه تلاش می‌کند؛ انگیزه ای آشکار، منطقی، معقول و قابل دفاع دارد؛ بنابراین تمامی

۱. «إِنَّ الْإِمَامَةَ زَمَامَ الدِّينِ وَ نِظَامَ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحَ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّامِي بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفِيءِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمْنَاءُ الْخُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنْعُ التُّغُورِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ خُدُودَ اللَّهِ وَ يَدْبُ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ»؛ (الكافی، ج ۱، ص ۲۰۰).

۲. الكافی، ج ۶، ص ۵۳۵.

تلاشهای او، معطوف به هدفی والا به نام انتظار ظهور می‌شود و این هدفی معنادار و ارزشمند است... آثار تربیتی انتظار پویا و معطوف به هدف، عبارتند از:

الف. به جریان افتادن نیروهای نهفته و سرمایه‌های راکد انسان در پرتو دوران سخت انتظار؛

ب. پالایش درون و به مرحله خلوص رسیدن به جهت طولانی شدن دوران غیبت؛

ج. معنا یافتن زندگی در پرتو پویایی معطوف به هدف، با نگاه تطبیقی به زندگی بدون هدف و فرجام آن که تهی شدن از درون و روزمرگی است؛

د. رشد قدرت تحمل در برابر ناملایمات و تنگناها به جهت قداست و عظمت هدف که در انتظار حضرت معنا می‌یابد؛

ه. فراتر رفتن از مرز انسان متعادل و رسیدن به مرحله انسان متعالی؛

و. رها شدن از سطح و مرحله رنجهای حقیر مادی و گام نهادن در وادی رنجهای تحمل عظیم معنوی و دغدغه‌های بزرگ انسانی، همچون رنج انتظاری راستین و طولانی و چشم دوختن به دروازه‌های روشن ظهور.^۱

گفتار ششم. نشاط بخشی

زندگی در عصر غیبت امام زمان پر از بلا و گرفتاری است و این نکته مهم در آیات و روایات مهدوی گوشزد شده است؛ محمد بن مسلم گوید:

شنیدم که امام صادق علیه السلام - در برداشتی از آیه ۱۵۵ سوره مبارکه بقره- فرمود: «پیش از ظهور قائم نشانه‌هایی از جانب خدای تعالی برای مؤمنان خواهد بود. گفتیم: فدای شما شوم؛ آنها کدام است؟ فرمود: آن سخن خدای متعال است که فرمود: «و لنبلونکم؛ قطعاً می‌آزمائیم شما را» یعنی مؤمنان را پیش از خروج و قیام حضرت قائم با «بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات؛ به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جانها و محصولات».^۲

با این حال چه باید کرد در حالی که زندگی آمیخته با دردها و رنجها مطلوب هیچ کسی نیست؟

۱. گفتمان مهدویت (گفتمان سوم)؛ مقاله «مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار»؛ دکتر محمدرضا شرفی، ص ۱۳۴-۱۳۲ با تلخیص.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹.

پاسخ آن است که آموزه‌های شیعی راهبرد انتظار را به ما معرفی می‌کند، زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری:

وقتی به شما می‌گویند انتظار بکشید؛ یعنی، این وضعیتی که امروز شما را رنج می‌دهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان، حیات و نشاط پیدا می‌کند. این، نقش اعتقاد به امام زمان - صلوات الله علیه و ارواحنا فداه - است. این نقش اعتقاد به مهدی موعود می‌باشد.^۱

کسی که زندگی خود را به رنگ انتظار موعود درآورده و با سبکی متناسب با آن زندگی می‌کند روحیه بانشاطتری نسبت به دیگران دارد، البته مادامی که تمام زندگی او به رنگ انتظار باشد؛ کما اینکه از ویژگی‌های سبک زندگی منتظرانه که در قبل بیان شد همین خصوصیت بود؛ بدیهی است که با این توضیح کسی که فقط بخشی از امور عبادی زندگی خویش را به رنگ انتظار درآورده لزوماً نمی‌تواند از این موهبت بهره ببرد.

گفتار هفتم. وحدت شخصیت و نظام‌مند شدن فعالیتها

یکی از عوامل ناکامی در فعالیتها و به هدر رفتن تلاشها بی‌برنامگی و نظام‌مند نبودن آنهاست که محصول به هم ریختگی شخصیت است. باید به دنبال عاملی بود تا به وسیله آن، فعالیتهایی که هر کدامشان در نگاه جزء نگرانه خوب هستند در نگاهی کلی نیز همچون نخ‌های که دانه‌های از هم جدای تسبیح را در کنار هم می‌گذارد سامان بخشد و انتظار ظهور امام عصر همان عامل است. چرا که منتظران حضرت مهدی علیه السلام ظهور و تشکیل حکومت وی را به مثابه هدف اصلی زندگی خود در نظر می‌گیرند و همین امر «موجب تمرکز افکار و نیروهای آدمی می‌شود؛ زیرا همه آنها، ناظر به یک هدف یعنی انتظار ظهور هستند و این امر به نوبه خود، موجب وحدت شخصیت او می‌گردد؛... وحدت شخصیت، از هرز رفتن توانایی‌ها و قابلیتها، جلوگیری می‌کند و زمینه رشد و ظهور قدرتی شگرف و فوق العاده را فراهم می‌کند؛ زیرا چنین وحدتی در درون آدمی، تضادهای درونی را از میان بر می‌دارد؛ همان تضادهایی که برخی انسانها را پیوسته رنج داده، توانشان را به شدت می‌کاهد».^۲ همین وحدت شخصیت در کسی که زندگی به سبک منتظرانه را

۱. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۷۴.

۲. گفتن مذهب مهدویت (گفتن سوم)؛ مقاله «مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار»؛ دکتر محمدرضا شرفی، ص ۱۳۵.

برگزیده است موجب نظام‌مند شدن فعالیت‌های شخص شده و چنین شخصی با نگاه به قله ظهور، اولویت‌های رفتاری خویش را تعیین و سپس با تمام قدرت انجام می‌دهد.

گفتار هشتم. تعهد آفرینی و قانون‌مداری

زندگی به سبک انتظار موعود، زندگی توأم با مسئولیت‌شناسی و انجام تکالیفی است که بر عهده یک منتظر گذاشته می‌شود. علت این امر هم آن است که چنین شخصی به خاطر معرفت بالا به امام زمان علیه السلام او را عین الله الناظره و چشمان ناظر خداوند می‌بیند و کسب رضایتش را یگانه راه فلاح و رستگاری می‌شمرد. واضح است که وقتی احساس حضور امام زمان در لحظه لحظه زندگی یک نفر سایه بیفکند و وی همواره خود را در محضر امامش ببیند چنین حسی در شخص موجب وظیفه‌شناسی و تعهد آفرینی و قانون‌مداری می‌شود. چگونه چنین نباشد در حالی که حضرت حجت بن الحسن علیه السلام در بخشی از توقیع مبارکشان به جناب شیخ مفید رحمته الله فرمودند:

إِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ
وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ؛^۱ ما بر آنچه بر شما می‌گذرد، احاطه علمی داریم و هیچ یک از
خبرهای شما از ما پوشیده نیست؛...نسبت به رعایت حال شما کوتاهی نورزیده و یاد
کردن شما را فراموش نمی‌کنیم.

زمانی که ما سبک زندگی منتظرانه را رویکرد حاکم بر زندگی خویش قرار دهیم حتماً در این شیوه زندگی بخشی را به دعا و زیارت و انس با امام زمان اختصاص قرار خواهیم داد و آنگاه که امام عصر را در روز جمعه چنین عاشقانه و عارفانه زیارت می‌کنیم که: «السلام علیک یا عین الله فی خلقه؛ سلام بر تو ای چشم خدا در میان آفریدگانش»، در واقع به نظارت دائمی حضرت نسبت به خود و دیگران اعتراف می‌کنیم و معلوم است که چنین نظارت دائمی از طرف امام، موجب مراقبت دائمی از طرف ما خواهد شد. این مراقبت که در اخلاق، جزء ارکان سلوک اخلاقی شمرده شده است سبب می‌شود تا رفتار و گفتاری را از روی هوای نفس و خودخواهی و خلاف رضایت امام عصر که همان رضایت خدی متعال است انجام ندهیم و به انجام واجبات الهی و پرهیز از محرمات و گناهان ملتزم باشیم؛ در صورتی

۱. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. جمال الأسیر، ص ۳۷.

که این امر مستمر باشد به تدریج به پالایش درونی و روحی منجر شده و مسئولیت‌پذیری جایگزین مسئولیت‌گریزی در همه عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهد شد. بدیهی است که این عامل درونی بسیار قدرتمندتر از عوامل بیرونی می‌تواند در کنترل و انضباط فرد و جامعه مؤثر باشد و این خود یکی دیگر از برکات سبک زندگی منتظرانه است.

گفتار نهم. پیش‌بینی و کنترل رفتارها

از جمله اموری که در موفقیت و دستیابی به مقاصد کمک فراوانی به ما می‌کند پیش‌بینی اموری است که در آینده رخ خواهد داد، چرا که در سایه آن قادر به موضع‌گیری درست خواهیم بود. از همین منظر یکی از کارکردهای سبک منتظرانه را می‌توان در پیش‌بینی و در نتیجه، کنترل رفتارها در حوادث دانست، زیرا این سبک، همچون طرح و نقشه‌ای است که به ما چنین توانی را می‌دهد؛ «گرچه از دیدگاه وجودی، هیچ کس نمی‌تواند زندگی را کنترل کند اما در سطح کارکردگرایی، تا حدی می‌توانیم کنترل‌هایی داشته باشیم. می‌توانیم به آنچه که می‌خواهیم برسیم؛ از آنچه که ممکن است برای ما اتفاق بیفتد جلوگیری کنیم؛ موقعیت را فراهم سازیم که به مسیر مورد نظر خودمان برسیم»^۱. اهمیت این مطلب موقعی روشن‌تر می‌شود که بدانیم عصر غیبت مهدی موعود، به پیش‌بینی اهل بیت پیامبر اسلام عصری است که در آن حوادث و اتفاقات عجیب و ناگوار رخ خواهد داد. معلوم است که حکمت این همه پیش‌بینی که ائمه ما برای شیعیان در دوره غیبت امام زمان کرده‌اند حکمتی دارد و آن آمادگی برای مقابله با این رویدادهاست و سبک زندگی منتظرانه امکان چنین آمادگی و رفتار کنترل‌شده‌ای را به ما می‌دهد.

گفتار دهم. ظلم‌ستیزی در قالب‌های مختلف

انسان منتظر امام زمان نیک می‌داند که یکی از موانع اصلی عدم تربیت و رشد افراد، جامعه آلوده به ظلم و ستم است و بهترین بستر برای رسیدن به کمال، فضای آکنده از عدالت و معنویت است؛ از این رو همواره در آرزوی زمانی است که قائم آل محمد با ظهور مبارک خود وعده الهی را محقق و زمین را همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده است از آنها پاک و جهان را مملو از قسط و عدل نماید؛ اگر این موضوع در زندگی وی نهادینه شود و

۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۶۷.

چنین شخصی وجه غالب زندگی خود را به رنگ و بوی انتظار مهدی موعود در آورد، ظلم ستیزی و مبارزه با ظالمان و زورگویان قطعاً یکی از شاخصه‌های قابل رؤیت وی در زندگی خواهد بود. حضرت آیت الله خامنه‌ای در یکی از سخنان مهدوی خود در این باره می‌فرماید: امام زمان به صورت یک الگوست برای مؤمنین به امام زمان. آن حضرت با کفر می‌جنگد. ما هم دنباله‌رو و شیعه او هستیم؛ باید با کفر بجنگیم. آن حضرت برای عدالت زحمت می‌کشد و مجاهدت می‌کند، ما هم که مأموم او هستیم و دنباله‌رو او هستیم باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم. ما هم که دنباله‌رو او و معتقد به او هستیم باید تا حدی که قدرت ما اجازه می‌دهد و در توان ماست در گوشه‌ای از دنیا یا هر چه بشود پرچم اسلام را برافراشته کنیم. فاصله میان ما و امام زمان به معنای فاصله یک امام و مأموم است، یک پیشرو و دنباله‌رو است. حرکت امام زمان علیه الصلوة والسلام به هر سمتی هست حرکت شیعیان او و علاقه‌مندان او و دنباله‌روان او هم به همان سمت خواهد بود.^۱

البته این ظلم ستیزی می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد و مبارزه با ظلم به نفس تا امر به معروف و نهی از منکر برخی از بارزترین جلوه‌های آن است؛ به عبارت دیگر یکی از آثار زندگی به سبک انتظار، اقدام عملی فرد و جامعه منتظر در امر به نیکی‌ها و نهی از بدیهاست کما اینکه در روش زندگی همه انبیا و ائمه و صالحان و خود امام عصر نیز این خصلت یکی از ویژگیهای ایشان بوده است.

گفتار یازدهم. تقویت نظام اسلامی

یکی دیگر از کارکردهای سبک زندگی منتظرانه در صحنه اجتماع کمک به تقویت حکومت اسلامی است. این مسأله را از جنبه‌های مختلفی می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی از این جنبه‌ها تأثیری است که سبک زندگی منتظرانه برای رسیدن به اهداف حکومت اسلامی می‌تواند ایفا نماید. حکومت اسلامی ممکن است به فراخور نیازهای مختلف جامعه چشم‌اندازهایی را تعریف و سیاستهایی را برای رسیدن به آن اهداف اتخاذ کند، اما قطعاً بدون پشتوانه مردمی یا اصلاً توان رسیدن به آن مقاصد را نخواهد داشت و یا اینکه در مدت زمان طولانی و با صرف هزینه‌های زیاد موفق خواهد شد در حالی که اگر سبک زندگی مردم جامعه اسلامی سبکی صحیح و منطقی باشد وصول به آن اهداف

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷.

بسیار آسان تر خواهد بود و آن سبک، همان سبک زندگی منتظرانه است. اگر این نوع از شیوه زندگی در میان مردم تبدیل به فرهنگ عمومی شود بسیاری از طرح‌های اقتصادی، بهداشتی، امنیتی و مواردی از این قبیل به راحتی اجرا خواهد شد، زیرا در چنین سبکی همه افراد برای رسیدن جامعه به حدی که زمینه ساز ظهور باشد با همدلی و همکاری تمام تلاش خود را به صورت دسته جمعی صرف خواهند نمود و بدیهی است که چنین قدرت مضافی توان انجام بزرگترین پروژه‌ها را خواهد داشت.

از جنبه دومی هم می‌توان نقش سبک زندگی منتظرانه را در تقویت نظام اسلامی تبیین کرد و آن متخلق شدن مسئولان نظام اسلامی به این سبک از زندگی اسلامی است؛ چرا که نحوه زندگی کارگزاران حکومت در دلگرمی و یا دلسردی مردم فوق العاده مؤثر است به گونه‌ای که حتی زندگی افراد جامعه را به فرموده حضرت علی تحت تأثیر قرار خواهد داد که: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»^۱ مردم به حاکمان خود شبیه‌ترند تا به پدران خویش». شاید به همین علت است که وقتی حضرت مهدی ظهور فرموده و یارانش را برای قیام فرا می‌خواند آنها را ملزم به رعایت بیعت‌نامه‌ای می‌کند که بسیاری از بندهای آن مصادیقی از سبک زندگی محسوب می‌شود؛ مثل آنکه حضرت می‌فرماید:

...هرگز فعل حرام انجام ندهید. هرگز به فحشا و فساد گرایش نداشته باشید. به ناحق هیچ کس را نزنید. به زراندوزی و جمع کردن طلا مبادرت نکنید... هرگز از مؤمنین بدگویی نکنید... هرگز شراب نخورید. هرگز لباس زربافت (بافته شده از تار و پود طلا) نپوشید. هرگز پارچه ابریشمی را به روی خود نیندازند. لباسی که از دیباج دوخته شده است را نپوشید... هرگز لباس دوخته شده از ابریشم بر تن نکنید. در زندگی ساده زیست باشید و خاک، فرش زندگی شما باشد...^۲

همان طور که ملاحظه می‌کنید این فرازاها کاملاً به موضوع ما ارتباط داشته و پیمان گرفتن امام عصر از کارگزاران خود از جایگاه ویژه سبک زندگی اسلامی و مهدوی در حکومت اسلامی خبر می‌دهد.

۱. تحف العقول، ص ۲۰۸.

۲. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۸.

بخش چهارم

**نگرشها و ارزشهای عمومی
حاکم بر سبک زندگی منتظرانه**

شاید برای بعضی این سؤال پیش آمده باشد که چه چیزی باعث شده است تا سبک‌های مختلف زندگی با وجود مشترکات در برخی جزئیات، تفاوت‌های کلی از هم در نتایج داشته باشند؟ از نگاهی دیگر، چگونه می‌توان برداشت درستی از یک سبک زندگی داشت، مؤلفه‌هایش را شناخت، به درستی یا نادرستی آن پی برد و در نهایت آن را انتخاب و یا رد کرد؟ چه نوع نگرشی تولید ارزشهایی خاص و گرایش به طرف آن ارزشها ایجاد می‌کند؟ همه این پرسشها که در سبک زندگی منتظرانه نیز عیناً جاری است ما را وادار می‌کند تا به پایه‌ها و مبانی سبک زندگی منتظرانه توجه و در آنها درنگ نماییم. منظور از مبانی هم آن دسته از گزاره‌هایی است که در علوم دیگر ثابت شده و همان پیش‌فرضهایی است که لایه معنایی رفتارهایی به نام سبک زندگی را تشکیل می‌دهد که عبارتند از اولاً نگرشهای حاکم بر سبک زندگی و ثانیاً ارزشهایی که در نهایت باعث گرایش، رغبت و انتخاب آن گردیده و منتهی به رفتارهایی خاص می‌شود، چرا که «سبک زندگی را نمی‌توان از باورها و ارزشها بریده دانست. ظواهر زندگی حاصل آن باورها و پسندها است»^۱. بنابراین لازم است که ما در سبک زندگی منتظرانه نیز ابتدا به همین دو مبنا پرداخته و سپس رفتارها و کنشهای خاص این شیوه زندگی را برپایه آن بیان نماییم. از همین رو این بخش را به نگرشها و ارزشهای حاکم بر سبک زندگی منتظرانه خواهیم پرداخت و البته برای جلوگیری از طولانی شدن مباحث به تذکر نکات به صورت اجمالی بسنده کرده و توضیح تفصیلی و ارتباط رفتارهای موجود در سبک زندگی منتظرانه با نگرشها و ارزشهایی که این سبک زندگی حامل آن است را در بخشی جداگانه تحلیل و بررسی می‌کنیم.

۱. همیشه بهار(اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص ۲۹.

فصل اول. نگرشهای حاکم بر سبک زندگی منتظرانه

به عنوان مدخل باید گفت که مقصود از نگرشهای حاکم بر سبک زندگی انتظار محور، اعتقادات و باورها و بینشهایی است که اساس و بنیان این نوع از شیوه زندگی را تشکیل می‌دهد. البته همان گونه که در قبل نیز اشاره شد اساس این نگرشها بر پایه جهان بینی اسلامی و با تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود و از قرآن کریم، سخنان معصومین و ادعیه و زیارات مهدوی قابل استخراج است. در این فصل این نگرشها که به سه قسم هستی‌شناختی، الاهیاتی و انسان شناختی تقسیم می‌شود به صورت اجمال بیان می‌شود.

گفتار اول. نگرش‌های هستی‌شناختی

نوع نگاه به هستی از تأثیر گذارترین عوامل بر انتخاب نوع سبک زندگی انسانهاست، چرا که «هر کس به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه مجموعه هستی را به گونه‌ای می‌بیند و بر اساس آن اهداف، بزرگراهها و مسیرهای درازمدت زندگی خود را ترسیم می‌کند»^۱ و به قواعد برخاسته از آن التزام و پایبندی بیشتری دارد. ذکر این نکته نیز ضروری است که مراد از هستی در اینجا تمام امور کلی مربوط به پدیده‌های جهان و مسائل مربوط به آنهاست و نگرشهای مربوط به پدیدآورنده هستی، یعنی خداوند متعال و نیز انسان به عنوان یک پدیده خاص را به عنوان موضوع اصلی این نوشتار در دو فصل جداگانه طرح خواهیم نمود.

از منظر فرهنگ اسلامی که بنیان سبک زندگی منتظرانه را تشکیل می‌دهد هستی

۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۱۵۱.

دارای خصوصیات ذیل است:^۱

۱. نیازمندی و معلول بودن موجودات هستی؛^۲
۲. قانون مندی هستی و وجود نظام بین موجودات؛^۳
۳. هدفمند بودن هستی و موجودات آن؛^۴
۴. هدایت یافتگی موجودات به سوی اهداف آفرینش؛^۵
۵. شعور عمومی برای موجودات هستی؛^۶
۶. مراتب داشتن موجودات (جمادات، گیاهان، حیوانات، فرشتگان، انسانها و...)^۷؛
۷. وجود عوالم و مرحله‌های مختلف برای هستی (دنیا یا طبیعت؛ ملکوت و...)^۸؛

۱. برای مطالعه تفصیلی این موارد می‌توانید به بخش مبانی هستی‌شناختی کتابهای تربیتی نظیر: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی زیر نظر آیت الله مصباح، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن نوشته محمد بهشتی و کتابهای فلسفی نظیر: اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه شهید مطهری و نظایر آن مراجعه کنید.

۲. «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: هَرُكَةً فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟ هَرُكَةً فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟ هَرُكَةً فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟» (الرحمن/۲۹).

۳. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلْنَا اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ راستی که در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتیهایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند، و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز در] گردانیدن بادها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.» (بقره/۱۶۴).

۴. «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ؛ آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و [تا] زمانی معین نیافریدیم»؛ (احقاف/۳).

۵. «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است»؛ (طه/۵۰).

۶. «تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَقْفَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛ آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید»؛ (اسراء/۴۴).

۷. آیات مختلف در هر یک از این موارد در قرآن کریم وجود دارد.

۸. دنیا: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ وستی خواستنیها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست»؛ (آل ...)

۸. محسوس و نامحسوس بودن موجودات هستی (مادی و غیر مادی)؛^۱
 ۹. آیه خدا بودن همه موجودات.^۲

گفتار دوم. نگرش‌های الاهیاتی و توحیدی

دسته دیگری از باورهای اسلامی که زیر ساخت سبک زندگی منتظرانه را تشکیل می‌دهد نگرشهایی است که مربوط به خالق هستی است، چرا که می‌دانیم محور تمام فعالیت‌های امام زمان در مسائل فردی و اجتماعی و حکومتی توحید است. وی کسی است که آن قدر جهاد خواهد نمود تا «وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»^۳ و دین خدا در جهان بر سراسر جهان غالب شود و امام صادق علیه السلام در بیان چشم انداز حکومت مهدوی می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛^۴ زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، هیچ سرزمینی نمی‌ماند، مگر این که ندای شهادتین (لا إله إلا الله و محمد رسول الله) در آن طنین اندازد.

بنابراین کسانی که در انتظار چنان موعود موحدی هستند نگرشهایی مطابق با ایشان خواهند داشت و همین باور توحیدی تأثیر مخصوصی در شیوه زندگی ایشان به وجود خواهد آورد. برخی از عناوینی جزئی‌تر در این باره – که در جای خویش نیازمند بیان تفصیلی است – به طور اجمال از این قرار است:

۱. خداوند خالق، مالک و مربی همه موجودات است؛^۵

....→

عمران (۱۴). ملکوت: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ پس [شکوه‌مند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست، و به سوی اوست که بازگردانیده می‌شوید»؛ (یس/۸۳).

۱. «قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ؛ بگو: «بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، [ای] دانای نهان و آشکار»؛ (زمر/۴۶).

۲. «سُنُّرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؛ به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است»؛ (فصلت/۵۳).

۳. انفال / ۳۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۵. «ذَالِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلِقُ كُلَّ شَيْءٍ؛ این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید»؛ انعام/۱۰۲. «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

۲. خداوند کمال مطلق است؛^۱
۳. تنها خداوند سزاوار پرستش و اطاعت است؛^۲
۴. افعال خداوند حکیمانه و دارای هدف است؛^۳
۵. عدالت بر تمام افعال خداوند جاری است؛^۴
۶. رحمت خدا بر همه گسترده است؛^۵
۷. خداوند تدبیر عالم را با اسباب انجام می‌دهد؛^۶
۸. مجموعه هستی نظام احسن را تشکیل می‌دهد؛^۷
۹. خداوند همه موجودات را هدایت می‌کند؛^۸
۱۰. هدایت تشریحی خداوند برای موجودات مختار از طریق ولی خدا (پیامبر و سپس امام) است؛^۹
۱۱. آخرین دین خدا، اسلام است که جامع و جهانی است؛^{۱۰}

....→

- فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست، و او بر هر چیزی تواناست»؛ (مائده/۱۲۰).
۱. «اللَّهُ الصَّمَدُ»؛ (اخلاص/۲). برای فهم بهتر معنای صمد رک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۰-۴۳۸.
 ۲. «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا؛ بيباید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم»؛ (آل عمران/۶۴).
 ۳. «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ؛ و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست، و هموست سنجیده‌کار دانا»؛ (زخرف/۸۴).
 ۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است»؛ (مائده/۸).
 ۵. «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ؛ و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است»؛ (اعراف/۱۵۶).
 ۶. «وَالنَّازِعَاتُ غَرَقًا وَالتَّاشِطَاتُ نَشْطًا وَالسَّابِحَاتُ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتُ سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتُ أَمْرًا»؛ (نازعات/۵-۱).
 ۷. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ؛ همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده»؛ (سجده/۷).
 ۸. «الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِرَحْمَتِهِ وَأَتَّعَانَا خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ؛ گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است»؛ (طه/۵۰).
 ۹. «وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛ و آن کس که ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من، مرا پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم»؛ (غافر/۳۸).
 ۱۰. «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست،

....←

۱۲. هدف اصلی از خلقت هستی، انسان کامل است؛^۱
۱۳. معرفت و اطاعت از پیامبر و امامت و ولایت همه امامان، واجب و ضروری است؛^۲
۱۴. دوازدهمین امام و جانشین پیامبر خاتم، هم اکنون از نظر غایب و انتظار حکومت عدل جهانی وی در عصر غیبت لازم و ضروری است؛^۳
۱۵. کسب رضایت امام دوازدهم در عصر غیبت تنها از طریق علمای ربانی و در صورت تشکیل حکومت با محوریت عالم حاکم یا همان ولی فقیه در مسائل اجتماعی و حکومتی ممکن است.^۴

گفتار سوم. نگرش‌های انسان‌شناختی

موضوع سبک زندگی، انسان است و به همین علت سخن از سبک زندگی منتظرانه

....*

ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است؛» (احزاب/۴۰).

۱. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید؛» (هود/۷).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛» (نساء/۵۹).

۳. «...هدی للمتقين الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ؛ آنان که به غیب ایمان می‌آورند؛» (بقره/۳-۲). امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: مقصود از متقین، شیعه علی علیه السلام است، و مراد از غیب، حجّت غائب است و شاهد آن نیز این قول خدای تعالی است: «إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ؛ (یونس/۲۰) می‌گویند چرا بر او آیه‌ای از جانب پروردگارش نازل نمی‌شود؟ بگو که غیب از آن خداست و در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم؛» (کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۱۸).

۴. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ؛ ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند، به موجب آن برای یهود داوری می‌کردند و [همچنین] الهیون و علما به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند؛» (مائده/۴۴). برای توضیح بیشتر رک: پرتوی از آیه‌های مهدوی (استاد قرائتی)، ص ۱۰۵-۱۰۰. همچنین امام زمان فرمود: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ اما حوادث واقعه، در باره آن مسائل به روایان حدیث ما (علمای شیعه) رجوع کنید که آنان حجّت من بر شما هستند من نیز حجّت خدا بر آنها هستم؛» (کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴).

بدون شناخت از انسان در فرهنگ مهدویت و انتظار که برگرفته از آموزه‌های ناب اسلام شیعی است، ناقص و ناکارآمد خواهد بود؛ مضافاً بر اینکه یکی از تفاوت‌های اصلی در سبک‌های مختلف زندگی به تفاوت در نگرش به انسان بر می‌گردد. البته مراد از شناخت انسان در اینجا تنها به شناخت مادی که در غرب بررسی و یا شناخت ذهنی و مفهومی که در فلسفه از آن بحث می‌شود بسنده نخواهد شد، زیرا به مقتضای بحث سبک زندگی که از جنبه‌های ظاهری زندگی انسان صحبت می‌شود باید در کنار لحاظ نمودن این شناختها به واقعیت خارجی آدمی نیز توجه کرده و به اصلاح، نگاه جامعی را ارائه نمود.

«در بحث سبک زندگی با قرائت اسلام شیعی، اهمیت این بحث انسان شناسی آنجا بیشتر می‌شود که بدانیم اصولاً زندگی شیعی به عنوان مدعی پویاترین و جامعترین دین، در پیوند کامل با امام معصوم است. امام معصومی که تعریف عرفانی اش، انسان کامل است. پس در نگاه قرائت شیعی بحث انسان شناسی دو رویکرد می‌یابد: یکی بحث شناخت انسان کمال جو و دیگر بحث انسان کامل. از این منظر بدون انجام این مطالعه دو سویه و رابط و نسبت مستمر و پیوندی که در اندیشه شیعه به واسطه استمرار اصل امانت، بین زندگی انسان کمال جو با زندگی زمان مند انسان کامل است اصولاً سبک زندگی اسلامی - شیعی ماهیتی متفاوت حتی از تمامی سبک‌های زندگی اسلامی می‌یابد؛ و از همین منظر، اصل امامت و جایگاه بنیادین آن در مکتب تشیع که امروز در بحث مهدویت تجلی یافته است حتی بحث سبک زندگی شیعی را می‌توان با عنوان بحث سبک زندگی مهدوی و یا سبک زندگی منتظرانه به مطالعه و پژوهش و گفتمان گذاشت»^۱.

انسان در فرهنگ اسلامی انتظار که از جامعیت برخوردار است دارای خصوصیات ذیل است که یکی از جنبه انسانی و بدون در نظر گرفتن جنسیت او و دیگری، با در نظر گرفتن جنسیت قابل شمارش است.

۱. در بعد انسانی و فراجنسیتی

۱. مخلوق و نیازمند و ضعیف است؛^۲

۱. مقاله انسان شناسی پیش‌نیاز سبک زندگی پژوهی، محمد رضایی، نشریه امان، ش ۴۴.

۲. «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ انسان، ناتوان آفریده شده است»؛ (نساء/ ۲۸) و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ؛ ای مردم،

۲. دارای دو جنبه اصلی روحی و تبعی جسمی است؛^۱
۳. روح و جسم انسان متأثر از یکدیگر هستند؛^۲
۴. روح انسان جاودانه است؛^۳
۵. اشرف مخلوقات و دارای کرامت تکوینی^۴ و اکتسابی^۵ است که در این صورت برتر از فرشتگان می‌تواند باشد؛^۶
۶. دارای اراده، اختیار^۷ و تکلیف بوده و بنابراین مسئول است^۸ و تعیین سرنوشتش با خود است؛
۷. انسان، جاهل است و ابزارهایی همچون گوش و چشم و قلب^۹ و عقل^۱ برای شناخت

....>

شما به خدا نیازمندید» (فاطر/۱۵).

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ؛ پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید» (حجر/۲۹).
۲. «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ؛ و هر گاه یکی از آنان را به دختر مزده آورند، چهره‌اش سیاه می‌گردد، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد» (نحل/۵۸).
۳. «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ عَلَيَّ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می‌گوید: «پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آنچه وانهاده‌ام کار نیکی انجام دهم. نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد» (مؤمنون/۱۰۰).
۴. «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم» (اسراء/۷۰).
۵. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ؛ گرامی‌ترین شما با تقوی‌ترین شما است» (حجرات/۱۳).
۶. «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ؛ سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد، تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد» (نجم/۹-۸).
۷. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را بدو نمودیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار» (انسان/۳).
۸. «فَلَنَسْتَأْذِنَ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ لَنَسْتَأْذِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ پس، قطعاً از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید، و قطعاً از [خود] فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید» (اعراف/۶).
۹. «وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و خدا

دارد؛

۸. استعداد بیان، تعلم، کتابت و دریافت الهام و وحی دارد؛^۲

۹. کارایی ابزار شناخت آدمی محدود است و وی نیازمند وحی و پیامبر است؛^۳

۱۰. از عاطفه^۴ و روحیه هنری و زیبایی دوستی برخوردار است؛

۱۱. کمال طلب^۵ و بی‌نهایت خواه است؛^۶

۱۲. میل به جاودانگی دارد؛^۷

۱۳. منفعت طلب است و میل به مال، همسر و فرزند دارد؛^۸

....→

شما را از شکم مادرانتان - در حالی که چیزی نمی‌دانستید - بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید؛» (نحل/۷۸).

۱. «و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير؛ و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم؛» (ملک/۱۰).

۲. «خلق الأنسن علمه البيان؛ انسان را آفرید، به او بیان آموخت؛» (الرحمن/۳-۴) و «فآلهما فجورها و تقواها؛ سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد؛» (شمس/۷-۸).

۳. «كما أرسلنا فيكم رسولا منكم يتلو عليكم آياتنا و يزيككم و يعلمكم الكتاب و الحكمة و يعلمكم ما لم تكونوا تعلمون؛ همان طور که در میان شما، فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را پاک می‌گرداند، و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد، و آنچه را که نمی‌دانستید و نمی‌توانستید بدانید به شما یاد می‌دهد؛» (بقره/۱۵۱).

۴. «فما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند؛» (آل عمران/۱۵۹).

۵. «يا أيها الإنسان إنك كادح إلى ربك كدحاً فملاقيه؛ ای انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق/۶).

۶. «لهم ما يشاؤون عند ربهم؛ برای آنان، هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود؛» (زمر/۳۴).

۷. «فوسوس إليه الشيطان قال يا آدم هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى؛ پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود، راه نمایم؟» (طه/۱۲۰).

۸. «زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين و القناطير المقنطرة من الذهب و الفضة و الخيل المسومة و الأنعام و الحرث ذلك متاع الحياة الدنيا؛ دوستی خواستنیها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست؛» (آل عمران/۱۴).

۱۴. خوشحالی، ناراحتی^۱ و تعجب از صفات اوست؛^۲
۱۵. قابلیت مزین بودن به صفات نیک و بد اخلاقی را دارد؛^۳
۱۶. هوای نفس، شیطان، طاغوت^۴ و برخی انسانها و جنیان، موانع و دشمنان درونی و بیرونی سعادت او هستند؛^۵
۱۷. بنده خالق و رب خویش است؛^۶
۱۸. انسان عبد خدا، انسانی کامل و جانشین خدا بر روی زمین است؛^۷
۱۹. زندگی او دارای مراحل مختلف قبل از دنیا، در دنیا و پس از دنیا است؛^۸
۲۰. زندگی در دنیا محل ابتلا و امتحان و به وسیله نعمتها و محرومیتها که اثر آن رشد یا سقوط است؛^۹

۱. «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى؛ و هم اوست که می خنداند و می گریاند»؛ (نجم/۴۳).
۲. «أَفَمِن هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجِبُونَ؛ آیا از این سخن عجب دارید؟»؛ (نجم/۵۹).
۳. «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا؛ سپس پلیدکاری و برهیزگاری اش را به آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده اش ساخت، قطعاً در باخت.»؛ (شمس/۱۰-۸).
۴. «وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ و از طاغوت بپرهیزید»؛ (نحل/۳۶).
۵. هوای نفس: «وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ؛ و من نفس خود را تبرئه نمی کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می کند»؛ (یوسف/۵۳). شیطان: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ از بی گامهای شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است»؛ (انعام/۱۴۲). برخی انسانها: «وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ؛ و فرمودیم: فرود آید، شما دشمن همدیگرید»؛ (بقره/۳۶). جنیان: «مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ؛ چه از جن و [چه از] انس»؛ (ناس/۶).
۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفریده است، پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید»؛ (بقره/۲۱).
۷. «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛ ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم»؛ (ص/۲۶).
۸. قبل از دنیا: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم»؛ (اعراف/۱۷۲). در دنیا و پس از دنیا: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَتَى؛ لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است»؛ (اعلیٰ/۱۷-۱۶).
۹. «وَنَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ؛ و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود، و به سوی ما بازگردانیده می شوید»؛ (انبیاء/۳۵).

۲۱. زندگی اصلی انسان در آخرت است^۱ و بهشت محل برآورده شدن همه خواسته‌های آدمی است؛^۲
۲۲. سرنوشت پس از دنیا(آخرت) به عملکرد انسان در دنیا بستگی دارد؛^۳
۲۳. عدم پایان زندگی انسان در دنیا باعث امید و زمینه ساز تلاش است؛^۴
۲۴. انسان کمال جو برای رسیدن به کمال(قرب الهی) نیازمند پیروی از انسان کامل(پیامبر و امام) است.^۵

۲. در بعد جنسیتی

۱. انسان از دو جنس مرد و زن می‌باشد؛^۶
۲. زن و مرد در ارزشهای انسانی برابر هستند؛^۷
۳. زن و مرد دو بخش از یک حقیقت هستند؛^۸

۱. «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می‌دانستند»؛ (عنکبوت/۶۴).
۲. «قُلْ أَدْلَاكٌ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ أَلَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَأَنَّ لَهُمْ جَزَاءً وَ مَصِيرًا لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا؛ بگو: «آیا این [عاقبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است؟ جاودانه هر چه بخواهند در آنجا دارند. پروردگار تو مسئول [تحقق] این وعده است»؛ (فرقان/۱۵-۱۶).
۳. «وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى يَقُولُ يَسْأَلَنِي قَدِّمْتُ لِحَيَاتِي؛ و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند، آن روز است که انسان پند گیرد و [لی] کجا او را جای پند گرفتن باشد؟ گوید: «کاش برای زندگی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم»؛ (فجر/۲۳-۲۴).
۴. «فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: «امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیانش نیست.» کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است»؛ (بقره/۲۴۹).
۵. «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي؛ بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید»؛ (آل عمران/۳۱).
۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم»؛ (حجرات/۱۳).
۷. «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا آن - در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می‌شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمايي مورد ستم قرار نمی‌گیرند»؛ (نساء/۱۲۴).
۸. «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا؛ و خداست که شما را از خاک و سپس از نطفه خلق کرد و

۴. به خاطر تشابه مرد و زن، برخی از وظایف آنها مشترک است؛^۱
۵. به خاطر وجود تفاوتها در زن و مرد، هر کدام وظایف اختصاصی دارند؛^۲
۶. خانواده نهادی است که جنبه جنسیتی زن و مرد را در مسیر کمال مدیریت می‌کند؛^۳
۷. زن و شوهر مکمل هم هستند.^۴
۸. به خاطر جنبه جنسیتی، ارتباط بین زن و مرد از احکام و قواعد ویژه‌ای پیروی می‌کند.

۳. از جنبه فردی و اجتماعی

علاوه بر تقسیم مباحث انسان شناختی از بعد جنسیتی و فراجنسیتی، می‌توان و باید از جنبه سوم، یعنی فردی و اجتماعی نیز شناخت کافی نسبت به او داشت؛ برخی از این معارف در نظرگاه اسلام عبارتند از:

....»

آن گاه شما را نر و ماده کرد؛ (فاطر/۱۱).

۱. «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا؛ و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا آن - در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می‌شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند؛ (نساء/۱۲۴).
۲. برای مردان: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند؛ (نساء/۳۴). برای زنان: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان و قوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد؛ (نور/۳۱).
۳. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید؛ (روم/۲۱).
۴. «هُنَّ لِيَاسٍ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٍ لَهُنَّ؛ ایشان پوشش شما و شما پوششی هستید برای آنان؛ (بقره/۱۸۷).

۱. دارای دو بعد فردی و اجتماعی (به خاطر تنوع نیازهایش) است؛^۱
۲. اساس قانون‌گذاری در مسائل انسانی، جامعه است؛^۲
۳. انسانها در قبال یکدیگر مسئولند^۳ و روابط بین آنها براساس ایمان است؛^۴
۴. فرد و جامعه از همدیگر تأثیر پذیرند^۵ و البته تأثیر جامعه بر فرد بیشتر است؛^۱

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعْرِفُوا مَاذَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْثِ وَالَّذِينَ يَحْمِلُونَ أَرْثَكُمْ بِالْحَقِّ وَالْبِرِّ هُمْ كَرِيمُونَ» (حجرات/۱۳). «رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْخِيًّا؛ و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند»؛ (زخرف/۳۲).

۲. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ؛ تو را می‌پرستیم تنها و بس، بجز تو نجویم باری ز کس»؛ (حمد/۵) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید»؛ (آل عمران/۲۰۰). علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه بحث مفصل زیبایی را ارائه داده است که: «اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده وین معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شانی از شؤون بشری مساله اجتماع را مهمل نگذاشته، - و تو خواننده عزیز اگر بخواهی بیش از پیش نسبت به این معنا آگاه شوی، - می‌توانی از این راه وارد شوی که نخست اعمال انسانها را دسته‌بندی کنی و بفهمی که دامنه اعمال انسان چقدر وسیع است و اعتراف کنی که چگونه فکر آدمی از شمردن آنها و تقسیماتی که به خود می‌گیرد به اجناس و انواع و اصنافی که منشعب می‌شود عاجز است و از سوی دیگر در این معنا بیندیشی که چگونه شریعت الهیه اسلام آنها را شمرده و به همه آنها احاطه یافته و چگونه احکام خود را بطور شگفت‌آوری بر آن اعمال، بسط و گسترش داده (بطوری که هیچ عمل کوچک و بزرگ آدمی را بدون حکم نگذاشته) آن گاه در این بیندیشی که چگونه همه این احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته، آن وقت خواهی دید که اسلام روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده...»؛ برای مطالعه بیشتر رک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۴۴ به بعد.

۳. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید.»؛ (نحل/۹۰).

۴. «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً؛ مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید»؛ (آل عمران/۲۸).

۵. تأثیر فرد بر جمع: «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ؛ روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود و آنان را به آتش درمی‌آورد»؛ (هود/۹۸). تأثیر جمع بر فرد: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا؛ و بر آنچه می‌گویند شکیبایی باش و از آنان با دوری‌گزینی خوش فاصله بگیر»؛ (مزل/۱۰). معلوم است که حرف مردم بر پیامبر تأثیر

۵. در تزاخم بین مصالح فرد و جامعه در صورتی که حق با یکی باشد همو^۲ و در صورتی که هر دو حق باشد، جامعه مقدم است؛^۳
۶. جامعه، نیازمند حکومت و حاکم است و البته برای رشد، نیازمند حاکمیت صالح؛^۴
۷. حاکم بر مردم خود تأثیر دارد؛^۵
۸. آینده حکومت جهان از آن صالحان است؛^۶ پس آینده بشریت، روشن است.

....→

داشته که امر به صبر شده است.

۱. «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ؛ و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته‌ایم و ما از بی ایشان راهسیریم.» گفت «هر چند هدایت کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیساورم؟» گفتند: «ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم.» (زخرف/۲۳-۲۴).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فُيَبَسُتُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان پردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد.» (مائده/۱۰۵).

۳. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند.» (توبه/۲۰). جهاد که مصرف جان و مال شخصی در راه خدا برای مرم و جامعه اسلامی و حفظ دین خداست حکایت از تقدم منافع جامعه دینی بر فرد دارد.

۴. «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ؛ ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن، و زنجار از هوس پیروی مکن.» (ص/۲۶).

۵. «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ؛ به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم، ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند، و فرمان فرعون صواب نبود. روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود و آنان را به آتش درمی‌آورد.» (هود/۹۷-۹۸).

۶. «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» (انبیاء/۱۰۵).

فصل دوم.

ارزش‌ها و گرایشهای عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه

قبلاً گفته شد که یکی از فرقه‌های سبک زندگی با عناوین مشابه، انتخاب‌گری آن توسط افراد است؛ بدیهی است که چیزی برای انسان می‌تواند مورد گرایش و نگاه‌گزینش قرار گیرد که مطلوب و مورد علاقه وی باشد؛ ما به این امر، ارزش می‌گوییم که معمولاً متصف به وصف «خوب» می‌شوند بر خلاف ضد ارزشها که با صفت «بد» از آنها یاد می‌شود.

در بحث ارزش‌شناسی گفته می‌شود که «برخی ارزشها ذاتی، ناوابسته و غایی‌اند و برخی غیر، وابسته و ابزاری؛.... مثلاً کارهایی که ما با اختیار خود انجام می‌دهیم برای رسیدن به هدفی است و در واقع مطلوب بودن کارها به جهت مطلوب بودن اهداف است. اما آنچه هدف نهایی ما از انجام دادن کار است خود به خود مطلوب است، نه به جهت مطلوب بودن چیزی دیگر».^۱ دانستن این نکته از آن جهت مهم است که ارزشهای وابسته بر خلاف ارزشهای ذاتی، ممکن است در شرایطی بار ارزشی خود را از دست داده و دیگر مطلوبیتی نداشته باشند.

در سبک زندگی منتظرانه نیز هر آنچه که جزء آرمان یا اهداف کوچکتر و یا صفات و راه‌های رسیدن به اهداف مربوط به این سبک زندگی باشد، ارزشهای آن محسوب شود که البته برطبق تقسیم بالا، این ارزشها ممکن است ذاتی و ثابت و یا وابسته و متغیر باشند که فهم آنها در دادن اولویتها در زمانی که تعارضی بین ارزشها پیش می‌آید بسیار مهم است.

۱. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۹۵.

آنچه در این بخش می‌آید شمارش اجمالی مهمترین ارزشهای عمومی حاکم بر سبک زندگی منتظرانه در سه عرصه است که دانستن آنها در تعیین کنشها و رفتارهای متناسب با این سبک در عرصه‌های مختلف بسیار مؤثر است:

گفتار اول. ارزشهای الهی در ارتباط با خدا و اولیای خدا

مهمترین بخش از ارزشهایی که بر سبک زندگی منتظران امام زمان حاکم است مربوط به عالی‌ترین ارزشهایی است که سایر ارزشها به آن وابسته است. از آنجا که بر طبق بینش اسلامی محور تدبیر هستی و سعادت دنیا و آخرت انسانها به حضرت رب العالمین وابسته است؛ بنابراین اساسی‌ترین ارزش را باید در خداوند متعال جستجو نمود. در این گفتار به مهمترین محورهای ارزش توحیدی که شالوده سبک زندگی بر مبنای آن سامان می‌گیرد اشاره می‌کنیم و بررسی دقیق و تفصیلی آن را به کتابهای مربوطه ارجاع می‌دهیم. مهمترین این ارزشها عبارتند از:

۱. محبت به خدا^۱ و اولیای خدا؛^۲
۲. امید به خدای غفور و رحیم؛^۳
۳. ترس و خشیت در برابر خدا؛^۴
۴. تسلیم در برابر پروردگار و ولی امر او؛^۵

۱. «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند»؛ (بقره/۱۶۵).
۲. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان»؛ (شوری/۲۳).
۳. «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو: «ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید - از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است»؛ (زمر/۵۳).
۴. «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ...؛ برای کسی است که از پروردگارش بترسد»؛ (بینه/۸).
۵. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند»؛ (نساء/۶۷).

۵. رضایت از خداوند؛^۱
۶. بازگشت و توبه به سوی خدا؛^۲
۷. علاقه به مفاهیم حق محور اسلامی؛^۳
۸. گرایش به ارزشهای الهی؛^۴
۹. گرایش به عبادت خدا؛^۵
۱۰. نیت اخلاص در عمل؛^۶
۱۱. میل به آموختن معارف دینی؛^۷
۱۲. نیت خیر به ائمه معصومین.^۸

-
۱. «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ؛ خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود»؛ (بینه/۸).
 ۲. «وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا؛ و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد، در حقیقت به سوی خدا بازمی‌گردد»؛ (فرقان/۷۱).
 ۳. «وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛ و چون آنچه را که به فرستاده ما نازل شده بشنوند دیدگانشان را بینی که به خاطر آنکه حق را شناخته‌اند اشک می‌بارد، می‌گویند: پروردگارا، ایمان آوردیم، پس ما را با شاهدان (دائم در حضورت، و گواهان عالم آخرت) مقرر دار»؛ (مائده/۸۳).
 ۴. «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْتَغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؛ پس آیا داوری دوران جاهلیت را می‌خواهند؟! و داوری چه کسی از داوری خدا بهتر است برای آنان که یقین (به مبدأ و معاد) دارند؟»؛ (مائده/۵۰).
 ۵. «تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يُبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ؛ آنها را همواره در حال رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و بخشش خداوند و خشنودی او را می‌طلبند، نشانه (عبادت و خشوع) آنها در اثر سجده در رخسارشان پیداست»؛ (فتح/۲۹).
 ۶. «ثَلَاثٌ لَا يُعِلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ؛ سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت [کینه‌توزی، بدخواهی] نکند: خالص نمودن عمل برای خدا»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳).
 ۷. امام باقر علیه السلام: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّايِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛ کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بلا و اقتضاد در زندگی است»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۳۲).
 ۸. «ثَلَاثٌ لَا يُعِلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ... وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ؛ سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت [کینه‌توزی، بدخواهی] نکند: ... خیرخواهی پیشوایان مسلمین (باطاعت و فرمانبری از آنها)»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳).

گفتار دوم. ارزشهای الهی در ارتباط با خود، انسانها، جامعه

بخش دیگر از ارزشهای حاکم در شکل‌گیری سبک زندگی منتظرانه مربوط به روابط انسانی مبتنی بر جهان بینی اسلامی است. با توجه به اینکه نوع رابطه انسانی را به سه قسم رابطه انسان با خود، انسان دیگر و جامعه انسانی می‌توان تقسیم نمود برخی از مهمترین ارزشهایی که در این روابط سهم قابل توجهی دارند از قرار ذیل است:

۱. گرایش به کمالات برتر؛^۱
۲. میل به عزت نفس؛^۲
۳. حس زیبایی خواهی؛^۳
۴. روحیه قناعت^۴ و عدم طمع؛^۵
۵. صبر و استقامت در امور؛^۶
۶. میل به کار و تولید؛^۷

۱. «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست»؛ (توبه/۳۸).
۲. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ هر کس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست»؛ (فاطر/۱۰).
۳. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم، در وقت هر نماز و در هر مسجدی آرایش و زینتتان را (به تناسب آن عمل و محل) برگیرید»؛ (اعراف/۳۱).
۴. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: «مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ؛ هر که بآنچه خدا روزیش کند قانع باشد، بی‌نیازترین مردم است»؛ (الکافی، ج ۲، ص ۱۳۹).
۵. «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفَضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر»؛ (طه/۱۳۱).
۶. امام باقر علیه السلام: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ... الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ؛ کمال انسان و نهایت کمالش... صبر در بلا است»؛ (کافی، ج ۱، ص ۳۲).
۷. امام صادق علیه السلام: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام إِذَا أُصْبِحَ خَرَجَ غَادِيًا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فَيَقِيلُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَيْنَ تَذْهَبُ؟ فَقَالَ: أَتَصَدَّقُ لِعِيَالِي. قِيلَ لَهُ: أَمْ تَتَصَدَّقُ؟ قَالَ: مَنْ طَلَبَ الْحَلَالَ فَهُوَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقَةٌ عَلَيْهِ؛ علی بن الحسین علیه السلام سحرگاه در طلب روزی خارج میشد، عرض کردند: آقا کجایی روید؟ فرمود: صدقه می‌دهم به خانواده‌ام. عرض کردند: به خانواده‌ات صدقه می‌دهی! فرمود: هر کس از راه حلال جستجوی روزی نماید آنچه به دست آورد (و برای خانواده خود خرج نماید) از طرف خدا صدقه حساب می‌شود برای او»؛ (الکافی، ج ۴، ص ۱۲).

۷. گرایش به تعاون و یاری دیگران؛^۱
۸. احساس اخوت و رحمت نسبت به مؤمنان و شدت به کافران؛^۲
۹. عدم گرایش به نمادهای جنس مخالف؛^۳
۱۰. گرایش به وسعت مالی خانواده؛^۴
۱۱. میل همراهی با جماعت مسلمین؛^۵
۱۲. تنظیم حب و بغضها بر اساس اهل بیت؛^۶

۱. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛ در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید»؛ (مائده/۲).
۲. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند»؛ (حجرات/۱۰)؛ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد فرستاده خداست، و کسانی که همراه اویند در برابر کفار نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربانند»؛ (فتح/۲۹).
۳. رسول اکرم ﷺ: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَشَبَهَ بِالرِّجَالِ وَلَا مَنْ تَشَبَهَ بِالنِّسَاءِ؛ نیست از ما زنی که خود را شبیه مردان و مردی که خود را شبیه زنان کند»؛ (کنز العمال، ح ۴۱۲۳۷).
۴. امام سجاد: «أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ؛ پسندیده‌ترین شما در پیشگاه خدا نعمت بخش‌ترین شما بر خانواده خویش است»؛ (تحف العقول، ص ۲۷۹).
۵. «ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ... وَاللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ؛ سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت [کینه‌توزی، بدخواهی] نکند: ... همراه بودن با جماعت مسلمین (و جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن)»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳).
۶. «حکم بن عتیبه می‌گوید: در حالی که در خدمت امام باقر علیه السلام بودم و اطاق آکنده از جمعیت بود ناگاه پیرمردی که بر عصای پیکان‌داری تکیه داشت، پیش آمد تا به در اطاق ایستاد و گفت: سلام بر تو ای فرزند رسول الله و رحمت و برکات الهی بر تو باد، و سپس خاموش شد. امام باقر علیه السلام فرمود: و سلام بر تو و رحمت و برکات الهی نثار است. سپس پیرمرد به چهره رو به اهل بیت کرد و گفت: سلام بر شما، و سپس خاموش شد، و همگی سلامش را پاسخ گفتند. او سپس به چهره رو به امام باقر علیه السلام کرد و گفت: ای فرزند رسول الله! مرا به خود نزدیک کن خداوند مرا قربان تو گرداند. بخدا سوگند من شما را و کسانی را که شما را دوست دارند دوست دارم، و بخدا سوگند من شما و هر که شما را دوست دارد به خاطر دنیا دوست ندارم. همانا من دشمن شما را دشمن می‌دارم و از او کناره می‌گیرم، و بخدا سوگند به خاطر خونی که میان ما ریخته شده، او را دشمن نمی‌دارم و از او کناره نمی‌گیرم. بخدا سوگند، همانا من حلال، شما را حلال و حرام شما را حرام می‌دانم و چشم براه امر شما می‌پوشم، پس آیا برای من امید داری، خداوند مرا قربان تو گرداند؟ امام باقر علیه السلام فرمود: نزد من بیا نزد من بیا، تا او را در کنارش نشانم و فرمود: ای پیرمرد! مردی نزد پدرم امام زین العابدین علیه السلام آمد و به او همان را گفت که تو به من، و پدرم به او فرمود: اگر بمیری بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین علیه السلام وارد می‌شوی و دلت خنک می‌شود و درونت آرامش می‌پذیرد و چشمت روشن می‌شود و با کرام الکاتبین با روح و ریحان مورد استقبال قرار می‌گیری، اگر جانت به این جا برسد - و با دست

۱۳. گرایش به تشکیل حکومت الهی.^۱

۱۴. دشمنی با دشمنان خدا.

گفتار سوم. ارزشهای الهی در ارتباط با جماد، گیاه، حیوان و...

تعاملات انسان فقط به خدای متعال، اولیای او، خود و سایر انسانها محدود نمی‌شود، بلکه قسم دیگری را نیز می‌توان در نظر گرفت و آن نوع تعامل و ارتباط با موجودات دیگر است. کسی که مشتاق سبک زندگی منتظرانه است باید روابط خود با جمادات، گیاهان و حیوانات را نیز به گونه ای تنظیم کند که با جهان بینی اسلامی هماهنگ باشد. برخی از مهمترین ارزشهای برخاسته از بینش اسلامی در رابطه با طبیعت را در موارد ذیل می‌توان شمارش نمود:

۱. نگاهی الهی به موجودات؛^۲

خود اشاره به گلویش کرد- و اگر هم زنده بمانی آن بینی که چشمت را روشن کند و در والاترین مراتب بهشت با ما باشی. پیرمرد گفت: چه گفتمی یا امام؟ حضرت علیه السلام همان سخن را برایش باز گفت، و پیرمرد گفت: «اللّه اکبر» اگر بمیرم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین علیه السلام وارد می‌شوم و چشمم روشن می‌شود و دلم خنک تر می‌گردد و درونم آرامش می‌پذیرد و فرشته‌های کرام الکااتبین مرا با روح و ریحان استقبال می‌کنند، اگر جانم بدین جا [گلو] رسد، و اگر هم زنده بمانم به چشم خویش آن بینم که خدا بدان چشم مرا روشن کند و در والاترین مراتب بهشت با شما باشیم؟! سپس آن پیرمرد فریاد به گریه گشود و های های همی گریست تا به زمین افتاد و اهل آن خانه از حالی که بر آن پیرمرد رفت فریاد گریه سر دادند؛ امام باقر علیه السلام رو به او کرد و با انگشت خود اشکهای مرد را از مزه‌هایش می‌زدود و آنها را پاک می‌کرد، سپس پیرمرد سر خود را بلند کرد و به امام علیه السلام گفت: یا ابن رسول الله! خدا مرا قربانت گرداند دستت را به من یده، امام علیه السلام دست خود را به او داد و او دست امام علیه السلام را بوسید و بر دو دیده و گونه خود نهاد و سپس شکم و سینه خود را گشود و دست حضرت علیه السلام را بر روی شکم و سینه خود گذاشت و سپس بپا خاست و گفت: السلام علیکم، و امام باقر علیه السلام به دنبال او می‌نگریست در حالی که او در حال رفتن بود، سپس امام علیه السلام رو به حاضران کرد و فرمود: هر که دوست دارد به مردی از اهل بهشت بنگرد به این پیرمرد بنگرد. عتیبه می‌گوید: من مجلس سوگواری را همانند این مجلس هرگز ندیدم»؛ (الکافی، ج ۸، ص ۷۶).

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعْزِبُنَا بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ؛ بار خدایا مشتاقانه مسألت داریم که دولتی با شکوه برانگیزی که اسلام و اسلامیان را عزت بخشی و نفاق و منافقین را به خاک ذلت کشی»؛ (الکافی، ج ۳، ص ۴۲۴).

۲. «وَ تَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَتَوَارَعُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرُّضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ؛ و آفتاب را می‌بینی که چون برمی‌آید، از غارشان به سمت راست مایل است، و چون فرو می‌شود از سمت چپ

۲. احترام حیوانات؛^۱

۳. شکرگزاری نعمتهای الهی و بهره مند کردن دیگران؛^۲

۴. عدم اسراف نعمتها؛^۳

۵. احساس مسئولیت درباره حیوانات؛^۴

۶. روحیه پاکیزه نگه داشتن طبیعت^۵ و حفظ آن.^۶

....>

دامن برمی‌چیند، در حالی که آنان در جایی فراخ از آن [غار قرار گرفته‌اند. این از نشانه‌های [قدرت] خداست؛ (کهف/۱۷).
 ۱. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّوَابِّ: لَا تَضْرِبُوا الْوُجُوهُ وَ لَا تَلْعَنُوهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ لَاعِنَهَا وَ فِي خَيْرٍ آخِرًا لَّا تُقْبَحُوا الْوُجُوهُ؛ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره اسبها فرمود: بصورت آنها ضربت مزیند، و آنها را نفرین نکنید، زیرا خدای عز و جل نفرین‌کننده به آنها را نفرین کرده است. و در خبر دیگر آمده است که صورتهایشان را زشت مسازید؛ (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۷).

۲. «وَالْبُذُنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و شتران فریه را برای شما از [جمله] شعایر خدا قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر است. پس نام خدا را بر آنها- در حالی که بر برای ایستاده‌اند- ببرید و چون به پهلو درغلطیدند از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوا [ی غیر سائل] بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام کردیم، امید که شکرگزار باشید؛ (حج/۳۶).

۳. «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا؛ چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است؛ (اسراء/۲۷).

۴. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جز خیرخواه و مهربان و امین و حافظ چوپانی بر حیوانات مگمار، که با حیوانات درستی نکند و آنها را به جبر و مشقت نراند، و نرنجاند و خسته ننماید. هر آنچه نزد تو جمع شد به سرعت به سوی ما فرست تا آن را در محلی که خدا دستور داده مصرف کنیم. وقتی آن اموال را به امین سپردی به او سفارش کن بین شتر و بچه شیر خواره‌اش فاصله نیندازد، و آن قدر شیرش را ندوشد که به بچه او زیان رسد، شتر را با سواری گرفتن خسته و درمانده نکند، و در دوشیدن شیر و سواری گرفتن بین آن شتر و شترهای دیگر مساوات را رعایت نماید، باید زمینه استراحت حیوان خسته را فراهم کند، و آن شتری را که به پایش آسیب رسیده و از حرکت ناتوان شده آرام و آهسته براند، و آنها را به آبگهای که شتران بر آن عبور می‌کنند وارد سازد، و از کناره راههای علف دار به به جاده‌های بی‌گیاه نبرد، و ساعتی به آنان استراحت دهد، و باید آنها را کنار آبهای کم و گیاهان بیابان واگذارد، تا به اذن حق چاق و استخوان دار و پر مغز نزد ما آیند، نه رنجیده و خسته؛ (تهجج البلاغه، نامه ۲۵).

۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّهُ نَهَى أَنْ يُبُولَ الرَّجُلُ فِي الْمَاءِ الْجَارِي إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَ قَالَ إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا؛ حضرت علی فرمود که از ادرار کردن در آب جاری مگر در حال ضرورت نهی شده و فرمود: برای آب اهلی است؛ (تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۴).

۶. رسول اکرم ﷺ: «مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّهَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا؛ کسی که درخت طلحه و سدر (نیازمند به آب) را سیراب کند گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب کرده است؛ (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲).

بخش پنجم

مؤلفه‌های رفتاری در سبک زندگی منتظرانه

پس از بررسی بینشها و نیز ارزشهای برخاسته از فرهنگ اسلامی و حاکمیت آنها بر زندگی مسلمان منتظر باید تأثیر عملی و عینی این نگرشها و گرایشها را در رفتار وی مشاهده نمود. نکته مهمی که در همین راستا باید مورد توجه قرار گیرد رویکردی جهادی ناظر بر رفتارها در عین پابندی به باورها و ارزشهای اسلامی است که در بخش مفهوم شناسی انتظار توضیح نسبتاً مفصلاً از آن ارائه و بیان گردید که: انتظار ظهور، چشم‌به‌راهی قیام قائم عجله الله فرجه توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه‌سازی اجتماعی جهت پذیرش و شرکت در بزرگترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری اوست و منتظر همان مجاهد و مبارز و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد. و چگونه چنین نباشد در حالی که از منظر فردی یک انسان مؤمن در هر روز در میدان جهاد با نفس و دو راهی انتخاب حق یا باطل آزموده می‌شود و در بعد اجتماعی نیز: «پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت امیرالمؤمنین و سیدالشهدا علیهما السلام تا امروز، ریشه تمام حرکات و نهضت‌های شیعه و مسلمین، علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است»^۱. با این بیان تمام جلوه‌های رفتاری در سبک زندگی یک فرد و جامعه منتظر به رنگ جهاد خواهد بود که در این بخش به مصادیقی از آن در ضمن فصل‌هایی پرداخته خواهد شد.

۱. انتظار عامل مقاومت؛ مقدمه کتاب.

فصل اول.

سبک زندگی منتظرانه در حوزه ارتباطی با خدا و ولیّ خدا

مقدمه: لزوم اصلاح در طرح مشهور ارتباطات انسانی

تمام جلوه‌های رفتاری یک انسان منتظر موعود و ارتباطات گوناگون وی بر محور ارتباط او با خداوند عالم، خود را آشکار می‌کند، زیرا که عبودیت و بندگی اساس تصمیم‌گیری‌ها در زندگی وی بوده و همین عبودیت است که رابطه او با خود و دیگران را تنظیم می‌کند. این همان نکته بسیار مهم در تنظیم ارتباطات انسانی است که در بسیاری از تألیفات حوزه اخلاق، مورد غفلت واقع شده و به صورت ناخودآگاه، ارتباط با خدا در عرض سایر روابط انسان، قرار گرفته و به صورت چهار رابطه مشهور رابطه با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت، طرح می‌شود در حالی که باید ارتباط با خداوند متعال به صورت مستقل مطرح شده و سایر ارتباطات انسانی بعد از این ارتباط و طبق قانون عبودیت با تأسی از آن، معرفی و کیفیت آن بیان شود.

با این تقسیم‌بندی، مشکلی نظری حل شده و حتی عبادت نیز زمینه‌ساز آمادگی فرد در ارتباط الهی با سایر روابط خواهد بود و نقش وسیله و نه هدف را خواهد داشت کما اینکه در احادیث معصومین به آن اشاره شده است و امام هادی علیه السلام از پدران معصوم خویش و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنُطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ ملاحظه نماز و روزه بسیار و حج بسیار و احسان بسیار و جنجال شب آنها را نکنید ملاحظه راستگویی و

امانت داری آنها کنید».

البته ممکن است نوعی مناسک رسمی با خداوند و در ارتباطی مستقیم و بی واسطه به نام ارتباط عبادی با خدا را در نظر گرفت که در کنار سایر ارتباطات انسانی قرار گیرد. کما اینکه نوع دومی از ارتباط با خدا با واسطه معصومین می‌توان بیان نمود که به کیفیت عبادات نیست؛ بلکه در این نوع ارتباط غیر مستقیم با خدا، شخص تلاش می‌کند تا به موجب آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...»^۱ ای کسانی که ایمان آوردید تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله تقربی بجوئید»، از طریق خلیفه و ولی خداوند با حضرت حق ارتباط برقرار کند. مطلب مهم در اینجا آن است که در ارتباط با ولی خداوند باید نکاتی را مورد نظر داشت:

اولاً. ارتباط با ولی خدا به سفارش خود خداوند بوده و به هیچ وجه عبادتی در کنار عبادت پروردگار محسوب نمی‌شود تا شرک محسوب شود کما اینکه آیه قبل، مبین آن است. اساساً باید دانست که چون این بزرگواران در محضر حضرت حق، هیچ اراده ای غیر از اراده خدا ندارند، عبد محض او شمرده شده و خود مفتخر به مدال اسماء الهی شده اند؛ از این رو حتی یاد این بندگان خالص پروردگار نیز ذکر خداوند است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةً وَ ذَكَرِيَ عِبَادَةً وَ ذَكَرُ عَلَى عِبَادَةٍ وَ ذَكَرُ الْأَيْمَةَ مِنْ وَ لَدِهِ عِبَادَةً»^۲.

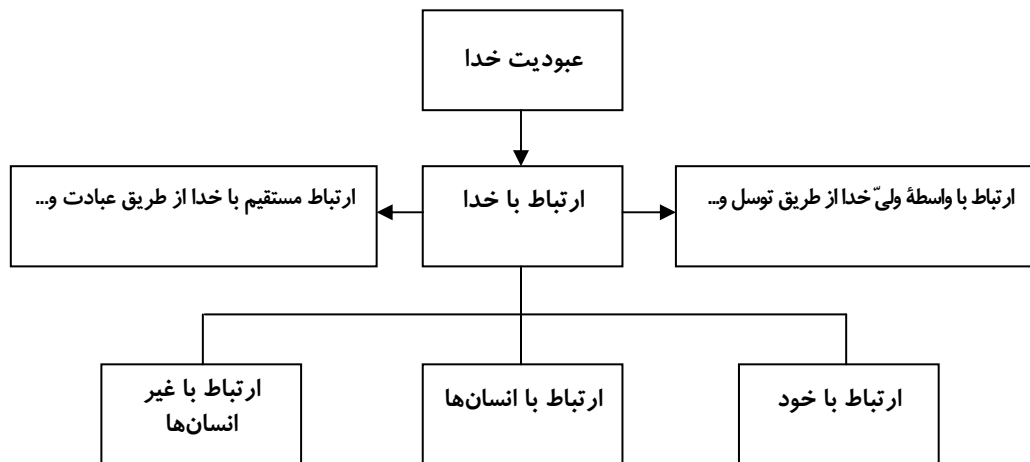
ثانیاً. اگرچه ولی خداوند، خود نیز انسان است که به نظر می‌آید ارتباط با او باید در قسمت ارتباط ما با انسانها آورده شود لکن به خاطر علو و بزرگی مرتبه وی و اینکه اطاعت از او همان اطاعت از خدا است که: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...»^۳ ارتباط با او بر دیگر انسانها مقدم بوده و بعد از ارتباط با خدا باید مطرح شود.

با توجه به توضیحات فوق، جدول زیر جایگزین خوبی برای جدول معروف ارتباطات چهارگانه انسانی است:

۱. مائده/۳۵.

۲. الإختصاص، ص ۲۲۴.

۳. نساء/۸۰.



بدیهی است که این بندگی نمودهای خارجی خواهد داشت. به بیانی دیگر از بارزترین جلوه‌های سبک زندگی یک منتظر مناجات و راز و نیاز او به درگاه حضرت حق است. انسان منتظر می‌داند که در عصر غیبت امام زمان، شیطان با تمام اعوان و انصار خود تمام نیروی خود را برای در هم شکستن جبهه حق و نابودی مؤمنان، جمع می‌کند به همین جهت به عبادات و مناجات خود، بهای ویژه‌ای می‌دهد. این توجه در ساحت‌های زیر قابل دسته بندی است:

گفتار اول. نماز

از مهمترین عبادات که محافظت آن بر همه منتظران، ضروری است، عنصر نماز است که خیمه دین بوده و در مصاف با شیطان، سلاح برنده‌ای در دست انسان منتظر است؛ منتظر حضرت، این سخن امام عصر علیه السلام را همواره نصب العین خود قرار می‌دهد که: ما أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا وَارْغِمِ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؛^۱ هیچ چیز بینی شیطان را به مانند نماز به خاک نمی‌مالد پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.

و بر همین اساس، همواره بر نماز خویش محافظت می‌ورزد و تلاش می‌کند آن را در

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰.

اول وقت به جا آورد؛ او نیک می‌داند که خود امام زمان علیه السلام نیز نمازهایشان را در اول وقت می‌خوانند و کسانی را که آن را به تأخیر می‌اندازند مورد نکوهش قرار داده و می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ؛ ملعون است ملعون است کسی که نماز عشا (مغرب) را چندان بتأخیر بیاورد که ستارگان آسمان همچون تیر بگذرند، ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را چندان بتأخیر بیاورد که ستارگان آسمان ناپدید شود».

گفتار دوم. قرآن

او این ارتباط معنوی را منحصر به نماز نمی‌کند، بلکه اهل تلاوت و تدبر در قرآن کریم نیز هست؛ زیرا در بحبوحه تاریکی‌های آخرالزمان این سفارش رسول اعظم صلی الله علیه و آله به آنها رسیده است که:

إِذَا اتَّبَسَتْ عَلَيْكُمْ الْأُمُورُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛^۱ هر گاه آشوبها چون شب تاریک بر شما فرود آید (و بدان چنگ زنید).

در همین زمینه برخی از سوره‌های قرآن مورد عنایت بیشتری است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. خواندن سوره اسراء در شب جمعه که امام صادق فرمود:

کسی که سوره بنی اسرائیل (اسراء) را در شب جمعه بخواند نمی‌میرد تا اینکه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک کرده و از یاوران وی باشد.^۲

۲. خواندن سوره‌های مسبحات (حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن که ابتدای آنها با تسبیح خداوند شروع می‌شود) که امام باقر علیه السلام درباره آن فرمود:

مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحَاتِ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ وَإِنْ مَاتَ كَانَ فِي جِوَارِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ؛^۳ هر کس سوره‌های مسبحات را پیش از آنکه بخوابد بخواند،

۱. الغيبة طوسی، ص ۲۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۰۷.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۰.

نمی‌میرد تا حضرت قائم علیه السلام را درک کند و اگر بمیرد در جوار نبی اکرم محمد صلى الله عليه وآله خواهد بود.

گفتار سوم. دعا

یک منتظر امام زمان اهل مناجات و دعا نیز هست، زیرا زمانه سخت عصر غیبت را به خوبی از پیشگویی‌های ائمه شناخته است. عبد الله بن سنان گوید:

من با پدرم بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم، پس آن حضرت فرمود: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا صِرْتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِيهَا إِمَامًا هَدَىٰ وَلَا عَلَمًا يُرَىٰ فَلَا يَنْجُوا مِنْ تِلْكَ الْحَيْرَةِ إِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ؛ چگونه به سر خواهید برد اگر در جایی قرار بگیرید که در آن امامی راهنما و نشانه‌ای چشمگیر نبینید، پس هیچ کس از آن سرگردانی رهائی نمی‌یابد مگر آن کس که به دعائی همچون دعای غریق، دست نیایش بردارد».

با این حساب علاوه بر آنکه او اهل راز و نیاز با خدا نیز هست؛ اما فقط به خویش فکر نمی‌کند، بلکه همواره به یاد و دعاگوی امام غایب غریب خود نیز هست و برای فرج او فراوان دعا می‌کند؛ چرا که حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج فراوان دعا کنید که گشایش شما نیز در آن است».^۲

الگوی او در این مسیر نه تنها شخص امام زمان علیه السلام است که بارها در روایات و مکاشفات اولیای الهی به مناجاتهای وی تصریح شده است، بلکه یاران او نیز همانند وی با قرآن و مناجات مانوس هستند کما اینکه در وصفشان آمده است:

رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَىٰ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَىٰ أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَىٰ خِيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ يُبَوِّثُونَ بِالنَّهَارِ؛^۳ مردانی در میان آنهاست که شبها نمی‌خوابند؛ زمزمه آنها در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند، و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آنها در وقت شب مناجات گر و هنگام روز شیرند.

۱. الغيبة نعمانی، ص ۱۵۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

از ناحیه معصومین دعا‌های بسیاری به ما رسیده که سفارش شده است در عصر غیبت امام زمان خوانده شود؛ بدیهی است که آوردن همه این ادعیه در این مجال نمی‌گنجد و لکن به برخی از دعا‌های مختصر اشاره و به ذکر نام و یا فرازهای ابتدایی دعا‌های مهم دیگر بسنده می‌شود که می‌توان با مراجعه به کتب ادعیه و نیز کتابهایی که در زمینه ادعیه مهدوی - نظیر صحیفه مهدیه - نوشته شده است متن کامل آنها را مطالعه کرده و با آنها انس گرفت:

۱. دعای غریق: عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: به زودی شبهه‌ای به شما می‌رسد و در آن بی‌نشانه هویدا و امام هدایت بمانید و کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند، گفتیم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» و من هم گفتیم: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب و الأبصار ثبت قلبی علی دینک»، امام فرمود: خدای تعالی مقلب القلوب و الأبصار است و لیکن همچنان که من گفتم بگو: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک».^۱

۲. دعای معرفت: هارون بن موسی تلکبری از ابن همام نقل می‌کند که جناب ابی عمرو عمری - از وکلای حضرت مهدی - برای او این دعا را نوشته و این دعا را که در عصر غیبت امام قائم است به او امر نمود که بخواند؛ فرازهای ابتدایی این دعا که گاهی فقط به جملات اولیه آن بسنده می‌شود چنین است: «اللهم عرفنی نفسك فانک ان لم تعرفنی نفسك لم اعرف رسولک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی. اللهم لا تمتنی مینه جاهلیة و لا ترغ قلبی بعد اذ هدیتنی. اللهم فکما هدیتنی لولایة من فرضت علی طاعته من ولایة ولاة امرک بعد رسولک صلواتک علیه و آله...».^۲

۳. دعا برای فرج امام عصر: به قدری این مطلب مهم است که امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۱۱.

وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَّا يَنْجُوا فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تُبَتَّهَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَقَّهٗ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛ به خدا قسم او (حضرت مهدی) غیبتی خواهد داشت که کسی از هلاکت نجات پیدا نخواهد کرد مگر آنکه خدای عزوجل او را بر باور به امامتش ثابت بگرداند و توفیق دعا برای تجیل فرجش را عنایت فرماید.^۱ همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ؛ نمی‌میرد مگر آنکه قائم آل محمد را درک می‌کند.^۲

۴. دعا برای صاحب الامر که امام رضا علیه السلام همواره به خواندن آن امر فرمودند:

«اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعْبِّرِ عَنْكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِأَذْنِكَ...»^۳

۵. دعای ندبه که در اعیاد چهارگانه خوانده می‌شود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ...»^۴

۶. دعای عهد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود: هر کس چهل بامداد این عهد را بخواند از یاوران قائم خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (هنگام ظهور) او را از قبر بیرون آورد؛ و با هر کلمه این دعا؛ هزار ثواب به او عطا فرماید و هزار گناه از نامه عمل او محو کند: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ...»^۵

گفتار چهارم. توسل و زیارت

وجه بارز دیگری از زندگی منتظران حضرت ولی عصر را در ارتباط معنوی و توسل به ایشان و سایر معصومین می‌توان تشریح نمود، زیرا این بزرگوار همانند سایر ائمه محل تجلی اسمای حسناى الهی است و به همین جهت ذکر و یاد ایشان ذکر و یاد خدا و

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. مصباح المتعبد، ج ۱، ص ۳۶۸.

۳. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، ص ۵۰۷.

۴. المزار الكبير ابن مشهدی، ص ۵۷۴.

۵. همان، ص ۶۶۳.

عبادت اوست و رسول خدا ﷺ در همین باره فرمود: «ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرِي عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةٌ». بنابراین بر منتظران امام زمان لازم است که به موجب آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛ آئی کسانی که ایمان آوردید تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله تقربى بجویید» دست به دامان این اولیای الهی شده و با توسل به ایشان از عصر خطرناک و فتنه خیز غیبت به سلامت عبور کنند. قطعاً بخشی از این توسل در عمل به دستورات ایشان و بخشی دیگر مربوط به زیاراتی است که یا به صورت حضور در مشاهد مشرفه ایشان و یا با خواندن زیارت‌نامه‌های ایشان در زندگی یک منتظر تجلی پیدا می‌کند. برخی از زیاراتی که خوب است هر منتظری با آنها انس داشته باشد از این قرار است:

۱. زیارت آل یاسین

از امام زمان روایت شده است که ایشان فرمود: «هرگاه اراده نمودید که به وسیله ما به خداوند متعال و اهل بیت توجه پیدا کنید همان طور که خدای متعال فرمود؛ بگوئید: «سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَسٍّ؛ السَّلَامُ عَلَيكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ...»^۳

۲. زیارت امین الله

امام باقر علیه السلام درباره این زیارت فرمود: «هیچ یک از شیعیان ما نیست که این زیارت را کنار قبر یکی از ائمه نمی‌خواند الا اینکه این زیارت در نوری قرار می‌گیرد و به امضای حضرت محمد می‌رسد تا اینکه به حضرت قائم تسلیم می‌شود پس به اذن الهی صاحب آن را با مژده و تحیت و کرامت و بزرگواری دیدار می‌کند»^۴.

۱. الإختصاص، ص ۲۲۴.

۲. مائده/۳۵.

۳. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳.

۴. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۳۹.

۳. زیارت جامعه کبیره

از طرف امام هادی علیه السلام به ما رسیده است و یک دوره امام شناسی است که بسیاری از عالمان دینی بر خواندن آن تاکید داشته‌اند.

۴. زیارت امام حسین علیه السلام

با خواندن زیاراتی نظیر عاشورا و ناحیه مقدسه که آن نیز مورد توجه بسیاری از علمای شیعه بوده و در برخی از مکاشفات ایشان در تشریف به خدمت امام عصر به آن تاکید نموده‌اند کما اینکه در تشریف آیت الله مرعشی نجفی، امام زمان به ایشان فرمود: «زیارت حضرت سیدالشهدا را فراموش مکن»^۱.

۱. تشریفات مرعشیه، ص ۳۲.

فصل دوم.

سبک زندگی منتظرانه در حوزه ارتباطی با خود

پس از تصویر بخشی از روش زندگی منتظرانه در ارتباط با خدا، اکنون جلوه‌های فردی این سبک از زندگی را در مسائل فردی بررسی می‌کنیم. در همین جا این نکته را هم بگوییم که جلوه‌های عبادی شخص را که در فصل قبل بیان شد از زاویه رفتار فرد نیز می‌توان در اینجا لحاظ نمود، اما همان طور که در گذشته بیان کردیم تقسیم بندی عرضه شده با توجه به آن دسته از رفتارهایی است که طرف دوم داشته و از همین رو جلوه‌های عبادی رفتار فرد منتظر را در قسم قبل آوردیم و در اینجا نمودهایی از رفتار شخصی فرد را به شرح ذیل عرضه می‌کنیم:

گفتار اول. در خودسازی

از مهمترین جلوه‌های رفتار فردی که در هر منتظر امام عصر می‌توان مشاهده کرد، تلاش وی در تهذیب نفس و کسب صفات پسندیده و زدودن عیبهایی است که در روند زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان تأثیر بسزایی دارد. موضوع اصلاح نفس از آن جهت مهم است که در مقام واقع تا شخص خود را اصلاح نکند قادر به اصلاح دیگران - چه رسد به اصلاح جهان - نخواهد بود کما اینکه امیرالمؤمنین فرمود: «كَيْفَ يُصْلِحُ غَيْرَهُ مَنْ لَا يُصْلِحُ نَفْسَهُ». ^۱ یک انسان منتظر ظهور حاکمیت حق و عدالت که شوق برچیده شدن بساط ظلم و جور را از دنیای انسانها دارد ابتدا باید در میدان دل خود با جنود جهل به مبارزه برخیزد و با جهاد با نفس، جبهه ظلم و بی‌عدالتی را در هم کوبد و این همان معنای جهادی از انتظار

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۱۷.

فرج است که در قبل توضیح آن داده شد. با توجه به اهمیت این نکته حال سؤال این است که ساز و کار این اصلاح چیست؟ در این رابطه باید به کتابهای مفصل در زمینه تزکیه مراجعه کرد و آنچه در اینجا آمده بسیار اجمالی است.

جالب این است که وقتی به نصایح معصومین مراجعه می‌کنیم راهکار محاسبه نفس را در این سخن نورانی امام صادق می‌یابیم که خطاب به عبدالله بن جندب می‌فرماید:

يا ابن جندب، حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يَعْضَلَ عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عَلَى نَفْسِهِ فَيَكُونَ مُحَاسِبًا نَفْسِهِ، فَإِنْ رَأَى حَسَنَةً اسْتَرَادَ مِنْهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً اسْتَعْفَرَ مِنْهَا لِئَلَّا يُخْزَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ای پسر جندب، بر هر مسلمانی که ما را می‌شناسد، لازم است که در هر روز و شب، اعمالش را بر خود عرضه بدارد و از نفس خود حساب بکشد؛ اگر کار خوبی در آنها یافت، بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی یافت، طلب بخشایش نماید تا در قیامت دچار رسوایی نگردد. و نیز امام کاظم فرمود: «لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ»^۱.

علت اهمیت دادن به این نکته کاربردی در حدیث امام علی تفسیر خود را می‌یابد که می‌فرماید: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلَى عُيُوبِهِ وَأَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُيُوبَ»^۲. بنابراین در این مسیر، بدون محاسبه نفس نمی‌توان به کشف عیوب و رفع آن پرداخته و در نتیجه به زمره یاوران و اهل امام زمان وارد شد و همین اصل قطعی باعث می‌شود که در رفتار منتظران ظهور، نوعی مراقبه و محاسبه در اعمالش مشاهده شود که وی همواره ناظر بودن حضرت صاحب الامر و چشمان بینای خدا را در زندگی خود مد نظر دارد.

گفتار دوم. در علم آموزی

بدون تردید، فراگیری علوم و معارف دینی به صورت عام و کسب معرفت به امام عصر یکی از بایسته‌های حتمی در زندگی جهادی منتظران ظهور است، زیرا تا زمانی که یک منتظر، امام زمان خود و عوامل جلب رضایت و نیز اسباب ظهور وی را نشناسد، از انتظار

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۶.

حقیقی دم زدن تنها یک ادعا و شعار بی فایده خواهد بود. این در حالی است که امام حسن عسکری فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱. بنابراین یکی از صحنه‌ها و جلوه‌های عبادی و مبارزاتی انسان منتظر، جهاد علمی و معرفتی او در همه عرصه‌های مربوط به زمینه سازی ظهور محسوب می‌شود؛ این سفارش امیرالمؤمنین را نباید فراموش کرد که فرمود: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَةٌ وَمُدَارَسَتَهُ تَسْبِيحٌ وَالْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ وَتَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَبَدَلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ... وَ سِلَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ»^۲.

علاوه بر آن، زیست مهدی پسندانه در عصر غیبت نیازمند رفتارهای عقلانی است که متأسفانه نبود آن در برخی شیعیان وی باعث رنجش حضرت بقیه الله شده است به گونه ای که ایشان در توقیعی به محمد بن علی هلال کرخی فرمود: «قَدْ آذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ»^۳. اما سؤال این جاست که زندگی عقلانی چه ربطی به علم آموزی دارد؟ پاسخ این پرسش را خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است که: «وَمَا يَعْزُبُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ؛ و به جز دانشمندان درباره آن تعقل و اندیشه نمی‌کنند»^۴؛ این آیه شریفه در حقیقت عقل و قوه سنجش آدمی را همچون معده او در نظر گرفته است که بدون دریافت غذا، کاری از دستش برنمی‌آید و علم و دانش نقش همان غذا را برای عقل دارد.

از جنبه دیگری نیز می‌توان اهمیت علم آموزی را مورد توجه قرار داد و آن این است که اگر کسی می‌خواهد شایستگی یاوری حضرت مهدی را به دست آورد و از بازوان و فرماندهان او در حکومتش باشد باید به یکی از شرایط آن که مجهز بودن به علم و دانایی است مجهز شود؛ کما اینکه قرآن کریم نگاه که از حضرت طالوت سخن می‌گوید در شایستگی او می‌فرماید: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»^۵.

حاصل آنکه شوق به علم آموزی در مسیر زمینه سازی، حتماً یکی از نمودهای ظاهری

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. تحف العقول، ص ۲۸.

۳. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

۴. عنکبوت / ۴۳.

۵. بقره / ۲۴۷.

انسان و جامعه منتظر ظهور امام عصر محسوب می‌شود، اما همین علم آموزی در اسلام، آداب و رسومی دارد که منتظران ظهور در مسیر طلب علم باید به آن مزین باشند. برخی از این آداب عبارتند از:

۱. اخلاص در علم آموزی

از ضروری ترین اموری که منتظر متعلم باید در نظر داشته باشد این است که برای تحقق جهاد علمی خود- همان طور که در قبل نیز گفته شد- باید تقرب به خدا را مد نظر قرار دهد و در این صورت است که مصداق این سخن رسول اعظم قرار خواهد گرفت که: طالب العلم لله أفضل عند الله من المجاهد في سبيل الله؛ هر که علم برای رضای خدا جوید نزد خدا از مجاهد فی سبیل الله بهتر است.^۱

البته خود ایشان نیز نشانه اخلاص در علم آموزی را در سخن نورانی دیگری این طور ذکر فرمودند:

هر کس علم و دانش را برای رضای خدا طلب کند به هر بایی که از علم میرسد و یاد می‌گیرد دلش در درون و تواضعش در برابر مردم و ترسش از خدا بیشتر و تلاش وی در امر دین بیشتر می‌شود، پس این مرد کسی است که از علم و دانش بهره می‌برد.^۲

۲. همنشینی با عالمان دین

در زندگی یک منتظر امام زمان، مصاحبت با دانشمندان دین یک رویه جاری است و ائمه معصومین نیز ما را بدان تشویق نموده‌اند. این موضوع موقعی مهم می‌شود که با توجه به رخدادها و فتنه‌های عصر غیبت، حضرت بقیه الله نیز ما را به این بزرگواران ارجاع داده و فرمودند: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».^۳ البته این موضوع همواره مورد سفارش معصومین بوده است؛ از امام علی عليه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: «در مسجد النبی نشسته بودیم که ابوذر

۱. نهج الفصاحة، ص ۵۵۵.

۲. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.

داخل شد و از رسول خدا ﷺ سؤال کرد: ای رسول خدا، شرکت در تشییع جنازه عابد بهتر است یا نشستن در جلسه درس عالم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: ای اباذر! لحظه‌ای نشستن در جلسه مباحث علمی، در پیش‌گاه خداوند از شرکت در هزار تشییع جنازه، آن هم جنازه شهدا برتر و بالاتر است. و نشستن ساعتی در مجلس علم نزد خدا از قیام هزار شب که کسی در هر شب هزار رکعت نماز بخواند محبوب‌تر است و نشستن ساعتی در مجلس علم محبوب‌تر است نزد خدا از هزار جهاد و خواندن کل قرآن.

ابوذر عرض کرد: «یا رسول الله مذاکره علم بهتر است از خواندن همه قرآن؟!» رسول خدا ﷺ فرمود: ای ابوذر! نشستن ساعتی در مجلس علم به خدا از خواندن دوازده هزار بار کل قرآن بهتر است.

ملازم باشید به حضور در مجلس علم برای آن که به وسیله علم حلال را از حرام می‌شناسید و هر که از خانه خود بیرون آید که بابتی از علم را طلب کند؛ بنویسد خدای تعالی برای او، به هر قدمی ثواب پیغمبری از پیغمبران و بدهد او را به هر حرفی که می‌شنود یا می‌نویسد شهری در بهشت. و خدای تعالی طالب علم را دوست‌دارد و دوست دارند او را فرشتگان و دوست دارند او را پیغمبران. و دوست ندارد علم را مگر نیکبخت و خوشا به حال طالب علم در روز قیامت.

ای اباذر! نشستن ساعتی در مجلس علم بهتر است از عبادت یک سال که روزه باشی روزهای آن را و قیام نمائی شب‌های آن را و نظر کردن بر روی عالم بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و هر که از خانه خود بیرون رود تا بابتی از علم را طلب کند؛ خدا برای او بنویسد به هر قدمی ثواب شهیدی از شهدای بدر. و طالب علم حبیب و دوست خدا است. و هر که دوست دارد علم را، بهشت برای او واجب شود و صبح کند و شب کند در رضای خدا و بیرون نرود از دنیا تا آن که بیاشامد از آب کوثر و بخورد از میوه بهشت و نخورد کرم بدن او را و در بهشت رفیق حضرت خضر علیه السلام باشد و جمیع این مطالب در تحت این آیه است: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^۱

بنابراین یکی از برنامه‌های حتمی و دائمی منتظران امام زمان در زمانه غیبت حضور در

۱. جامع‌الأخبار، شعیری، ص ۳۷-۳۸.

مجلس عالمان ربانی و بهره‌گیری از علوم و معنویت آنهاست.

۳. داشتن ابزار نوشتن و ثبت علوم

پس از لزوم تعلم، یکی دیگر از آداب علم آموزی، ثبت دانش و معارف است که پیشوایان ما بارها به آن توصیه فرمودند؛ امام صادق در خطابی عتاب گونه فرمود:

فَمَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْكِتَابِ؟ أَمَا إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا؛ چه چیز شما را از نوشتن منع می‌کند؟ بدانید که علم را مادامی که ننویسید حفظ نموده و یاد نخواهید گرفت.^۱

هم ایشان در روایت قابل تأمل دیگری که به عصر آخرالزمانی ما نیز گریزی می‌زند فرمود:

اَكْتُبْ وَ بَثَّ عِلْمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأُورِثُ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْتَسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ؛ بنویس و علمت را در میان دوستانت منتشر ساز و چون مرگت رسید آنها را به پسرانت میراث ده، زیرا برای مردم زمان فتنه و آشوب میرسد که آن هنگام جز با کتاب انس نگیرند.^۲

همین امر موجب می‌شود تا همه ما برای ثبت علوم، کاغذ و قلم و هر آنچه در ضبط و نگهداری علم لازم است را همیشه با خود نگه داریم و به موقع از آنها استفاده کنیم.

۴. رعایت اهم و مهم در علم آموزی

از جمله مواردی که منتظران ظهور حضرت ولی عصر در مسیر معرفت اندوزی باید بدان توجه داشته باشند این است که در فراگیری علوم دینی و معارف مهدوی نباید به صرف اینکه موضوعی در حوزه مباحث دینی و مهدوی است به تعلیم و تعلم آن پردازند، بلکه باید در انتخاب موضوع اولویتها را بر اساس زمانه شناسی و وظایف خود مشخص کنیم، زیرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «العمر أقصر من أن تعلم كل ما يحسن بك علمه فتعلم الأهم فالأهم»^۳ و آنگاه فرمود: «سَلْ عَمَّا لَا بُدَّ لَكَ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا تُعْذِرْ فِي جَهْلِهِ؛ بپرس از

۱. الأصول الستة عشر، ص ۱۷۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۳. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۲۰، ص ۲۶۲.

آنچه که باید آن را بدانی و عذرت در جهل به آن پذیرفته نمی‌شود»^۱.
 حال بیابید مروری بر تلاشهای علمی در آموختن معارف مهدوی داشته باشیم. آیا دانستن ازدواج امام زمان مهمتر است یا شناخت و معرفت به خود امام که درباره آن فرمودند:

نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَا يَسَعُ النَّاسَ إِلَّا مَعْرِفَتُنَا وَلَا يُعَذِّرُ النَّاسُ بَجَهَالَتِنَا مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا - وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَلَمْ يُنْكِرْنَا كَانَ ضَالًّا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْهُدَى الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَةِ؛ ما ئیم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته، مردم راهی جز معرفت ما ندارند و بر شناختن ما معذور نباشند. هر که ما را شناسد مؤمن است و هر که انکار کند کافر است و کسی که شناسد و انکار هم نکند گمراه است تا زمانی که به سوی هدایتی که خدا بر او واجب ساخته و آن اطاعت حتمی ماست برگردد.^۲

آیا دانستن مکان حضور حضرت مهم است یا شناخت حقوقی که بر گردن ما دارد و ما حتی آنها را نمی‌شناسیم تا چه رسد به اینکه آنها را بجا آوریم؟! آیا تطبیق ظنی و گمان آور علائم ظهور که بسیار کلی و مبهم هستند و چیزی به دست ما نمی‌دهند مهمتر هستند یا شناخت و آمادگی برای کسب و تهیه مقدماتی که در زمینه سازی ظهور امام زمان لازم هستند و خودسازی و جامعه سازی از مهمترین آنهاست؟! از همین روست که حضرت بقیه الله در یکی از توقیعات شریف خود فرمود:

أَغْلِقُوا بَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ وَ لَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفِّتُمْ؛^۳ از اموری که سودی برایتان ندارد پرسش نکنید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواستند به زحمت نیفکنید.

آداب علم آموزی در متون دینی بسیار است و آنچه بیان شد تنها موارد اندکی است که البته پایبندی به آنها به طور محسوس سبک زندگی ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۰.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

گفتار سوم. در اوقات فراغت و تفریح

هم‌زمان با فرا رسیدن روزهای تعطیلی چون عید نوروز و ایام تابستان بحثی به نام اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن مورد توجه قرار می‌گیرد تا با بررسی آن، هم در استفاده از روزهای به اصطلاح بیکاری از کارها و فعالیت‌های رسمی، بهره‌برداری بیشتری صورت گیرد، و هم از آسیب‌ها و آفات این موضوع (پس از شناخت آن‌ها) جلوگیری شود. اما متأسفانه به دلیل شتابزدگی در این امر و کمبود پژوهش‌های مبنایی، و بویژه با رویکرد اسلامی از یک سو، و عدم پایبندی برخی از متولیان فرهنگی از سوی دیگر، عملاً در دستیابی به افق مطلوب در ارائه برنامه جامع برای اوقات فراغت مؤثر نبوده است.

برای دستیابی به یک برنامه جامع در موضوع اوقات فراغت و نیز ارائه سبک صحیحی در گذران اوقات فراغت معتقدیم که آموزه‌های اسلامی، اطمینان بخش‌ترین منابعی هستند که می‌توانند در این جهت به ما کمک کنند، لکن در بین تمام آموزه‌های اسلامی، بر اساس روایاتی که پیشاپیش بیان گردید مقوله امامت و نیز باور داشتن به مهدویت و در انتظار مهدی موعود بودن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بر همین پایه، با تبیینی که قبلاً در سبک زندگی منتظرانه صورت گرفت اگر ما انتظار را به تلاش و جهاد در جهت زمینه‌سازی برای ظهور تفسیر کنیم، آن‌گاه اوقات فراغت به معنای خالی نمودن وقتی برای انجام فعالیت‌های آگاهانه و لذت‌بخش و فرح‌زا در جهت فراهم نمودن بخشی از شرایط و زمینه‌های مردمی ظهور است.

اما برای تبیین سبک زندگی منتظرانه در اوقات فراغت و تفریح که شاخصه مهم آن است باید دیدگاه اسلام را درباره آن جويا شویم.

۱. جایگاه اوقات فراغت از دیدگاه اسلام

تمام تلاش انسان مؤمن به قوانین الهی این است که عمر و زندگی خود را در جهت کمال و رسیدن به قرب الهی - که سرچشمه همه برکات است - استفاده نماید. در چنین نگرشی اوقات فراغت تعریفی کمال‌گرایانه و خداجویانه می‌یابد که انسان موحد با بهره‌مندی هر چه بیشتر از زمان، آمادگی بیشتری از لحاظ روحی و جسمی برای انجام طاعات الهی و عمل به وظیفه بندگی که نهایتاً سعادت و رستگاری را در پی خواهد داشت پیدا

می‌کند. خداوند تعالی اینچنین می‌فرماید: «فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب؛^۱ پس هروقت فراغت یافتید به طاعت بکوش و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور». اگرچه در آیه، خداوند به پیامبر اکرم دستور می‌دهد، ولی همگان باید آنرا مدنظر قرار دهند و هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوند به مهم دیگری بپردازند. روایات اسلامی هم درباره ارزش عمر و وقت، بسیار است. پیامبر اکرم به ابوذر چنین می‌فرماید:

پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار؛ جوانی خود را قبل از کهنسالی، سلامتی خود را قبل از بیماری، ثروت و دارایی خود را قبل از نیازمندی، فرصت و اوقات خالی خود را قبل از مشغول شدن به کارها و زندگی خود را قبل از فرارسیدن مرگ.^۲

همچنین امام علی می‌فرماید: «بدترین مشغولیت‌ها پرداختن به امور زاید و بی‌ارزش است».^۳

اوقات فراغت اگر در مجاری صحیح به کار گرفته شود موجب نشاط و مایه نیرومندی در سایر فعالیت‌هاست؛ چرا که امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

کوشش کنید که زمان شما چهار بخش باشد، بخشی برای بندگی خدا، بخشی برای کار و کوشش و تامین معاش، بخشی برای همنشینی با برادران دینی مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیوبتان متوجه کند و با خلوص به شما تذکر دهند و بخش پایانی را به تفریح و لذایذ سالم اختصاص دهید. چه اینکه ساعات تفریح و نشاط به شما نیرو می‌دهد و به قدرتی مجهزتان می‌نماید که بتوانید سه بخش دیگر را هرچه بهتر و نیکوتر انجام دهید.^۴

اما اگر در کارهای نادرست و گناهان صرف شود، می‌تواند خطرات بزرگ و مفسد غیرقابل جبرانی به‌بار آورد. از این‌رو پیامبر برای آگاه‌سازی پیروان خود این مهم را تذکر داده، تا در ساعات فراغت راه انحرافی در پیش نگیرند و خویشتن را گرفتار فتنه و بلا ننمایند.

۱. اشراح/ ۷ و ۸.

۲. جوانان و اوقات فراغت در مبانی اسلامی، ص ۱۴.

۳. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۴۰.

۴. الفقه المنسوب الی الإمام الرضا، ص ۳۳۷.

«نعمتان مفتون کثیر من الناس: الفراغ و الصحة؛^۱ دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن به گمراهی و فساد افتادند: فراغت و سلامت».

همچنین امام علی می‌فرماید:

کارهای خوب را برای آخرت و آینده خویش فرا بگیر و از امروزت برای فردای خود توشه بگیر و بخشش روزگار (فرصت ایام) را غنیمت بشمار و از فرصت‌های ممکن حداکثر استفاده را بکن.^۲

و در سخنی دیگر می‌فرماید: «المؤمن مشغول وقته؛^۳ همه وقت مؤمن پر است».

این به این معنی است که یک مؤمن هیچ‌گاه بیکار نیست و عمر گران‌بهای خود را به بطالت نمی‌گذراند و همان‌طور که برای وقت علم و عبادت خود باید برنامه‌ریزی کرده و طبق هدفی که دارد پیش رود، در اوقات فراغت خود نیز اینچنین کند و طبق هدف برنامه‌ریزی کند. چرا که تفریح مناسب در زمان فراغت باعث سلامت جسمی، روحی و روانی می‌شود، بنابراین اگر به این بخش از زندگی توجه نشود بخش‌های دیگر زندگی تحت الشعاع قرار گرفته و فرد به خوبی از عهده امور مهم دیگرش بر نمی‌آید.

۲. مفهوم اسلامی اوقات فراغت

اگر چه اوقات فراغت در اصطلاح متعارف عبارت است از فرصت و زمانی که پس از به اتمام رساندن کار و شغل روزانه باقی می‌ماند و یا به تعبیر دیگر سرگرمی‌ها، تفریحات و فعالیت‌هایی که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آنها پرداخته می‌شود و چه بسا افرادی آن را به زمان بی‌مسئولیتی و رهایی از تکالیف تلقی می‌کنند، اما با توجه به مطالبی که در قبل گذشت روشن است که «اوقات فراغت از نظر اسلام هرگز به معنای اوقات بی‌مسئولیتی یا اوقات بیکاری نیست زیرا در هر جایی و تا زمانی که انسان عقل و اختیار و آگاهی و قدرت داشته باشد مسئولیت نیز دارد».^۴ علاوه بر آن اوقات فراغت زمانی

۱. الخصال، ص ۳۵.

۲. غرر الحکم، ترجمه علی انصاری، ج ۲، ص ۳۹۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۵.

۴. همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص ۷۲.

جدا از برنامه روزانه نیست، بلکه به عنوان جزئی از برنامه روزانه یک مسلمان باید مورد توجه قرار گیرد تا هم دنیای خود و هم آخرت خویش را در مسیر کمال آباد نماید؛ کما اینکه حضرت علی در تفسیر آیه شریفه: «و لا تنس نصیبک من الدنیا» فرمود:

لا تنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک أن تطلب بها الآخرة؛^۱
سلامتی و قدرت و اوقات فراغت و جوانی و نشاطت را فراموش نکن تا به وسیله آنها برای آخرت خویش را طلب نمایی.

در این میان منتظران با پرداختن به اموری که موجب نشاط روحی در کسب آمادگی برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه می شود، از زمان فراغت خود بهره می برند تا آخرت خویش را آباد کنند.

۳. بایسته‌های تفریح در انسان مؤمن منتظر

اوقات فراغت منتظران حضرت مهدی باید دارای شاخصه‌هایی باشد که با به کار بستن آنها هرچه بیشتر از پیش، زمینه را برای ظهور فراهم کند، زیرا منتظر حضرت عجل الله فرجه در برنامه‌ریزی اوقات فراغت خود به هدف اصلی یعنی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌اندیشد. او می‌داند که یکی از راه‌های رسیدن به ظهور و حکومت حضرت بالا بردن رغبت جهانی برای حکومت و همچنین بالا بردن مقبولیت عمومی برای ظهور حضرت می‌باشد. بنابراین اگر قرار است برای خود برنامه تفریحی بچیند با این نگاه آن را برنامه‌ریزی می‌کند؛ اگر قرار است به کار هنری بپردازد، هنر خود را در قالب نشان دادن زیبایی‌های ظهور به نمایش می‌گذارد و اگر قرار است به کار تفریحی و ورزشی بپردازد توجه به این نکته می‌کند که یاران حضرت عجل الله فرجه باید از قوای بدنی و آمادگی جسمانی برخوردار باشند. به همین جهت به پرورش جسمی خود می‌پردازد. به طور خلاصه این شاخصه‌ها را می‌توان اینگونه بیان کرد:

اول. برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی یک منتظر باید به گونه‌ای باشد که زمان اوقات فراغتش در ساعاتی تنظیم نشود که سه وقت مذکور در حدیث (وقت عبادت، علم و کار) را تحت الشعاع قرار دهد و

۱. معانی/الاحیاء، ص ۳۲۵.

حق آن امور ادا نشود، و از طرفی باید به این نکته توجه شود که زمان را باید صید کرد و از آن بهترین استفاده را برد. امام علی فرمودند: «اگر فرصتی برایت پیش آمد به سرعت از آن بهره بگیر، چراکه از دست دادن فرصت‌ها اندوه در پی خواهد داشت»^۱.

دوم. رعایت اخلاق

در این جا فراغتی مدنظر ما می‌باشد که به اخلاق اهمیت فراوانی داده شود. اوقات فراغتی که اخلاق در آن موضوعیت نداشته باشد، مورد رضایت امام زمان نیست و نمی‌تواند فراغتی باشد که مدنظر یک منتظر است. امام صادق فرمودند: هر کس شادمان می‌شود به‌اینکه از یاوران حضرت قائم باشد؛ پس انتظار بورزد و براساس تقوا و خوش‌خلقی رفتار نماید، درحالی‌که منتظر است.^۲

براساس این حدیث، خوش‌خلقی برای یک منتظر بسیار مهم است و حسن خلق را در همه ابعاد زندگی حتی در اوقات فراغت باید داشته باشد.

سوم. محوریت خانواده

گذران اوقات فراغت با خانواده در رأس دیگر افراد قرار می‌گیرد و در هنگام تعارض بین گذراندن فراغت با خانواده و گذراندن آن با غیر خانواده، خانواده اولویت دارد، زیرا در اسلام خانواده از جایگاهی ویژه برخوردار است و پیامبر اکرم فرمودند: «براستی بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد».^۳ اگر خانواده‌ها به این نکته بسیار مهم توجه کنند و برنامه‌ریزی دقیقی برای گذران اوقات فراغت داشته باشند، به‌گونه‌ای که فرزندان از کنار خانواده بودن احساس لذت بکنند به‌راحتی می‌توان فرهنگ انتظار را در این خانواده‌ها نهادینه کرد.

چهارم. رعایت حلال و حرام

برای گذران اوقات فراغت باید ابزارها و مکانها به گونه‌ای باشد که از دیدگاه اسلام دارای ارزش بوده، رضایت خداوند و امام زمان در آن باشد؛ بنابراین نه تنها باید از مکانی

۱. غررالحکم، ح ۴۱۲۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰.

۳. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۰۰.

که در آن معصیت صورت می‌گیرد دوری کند، بلکه باید از هرگونه ابزاری که در نزد شرع حلال نیست دوری کند. با این حساب باید در استفاده از محصولات رسانه‌ای و فیلمها و موسیقی و امثال آن دقت بیشتری به خرج دهد.

پنجم. توجه به سلامت و بهداشت

فراغت باید سالم باشد، یعنی وصف به سلامت شده باشد و اساس آن بر مبنای سلامت باشد. شیعه منتظر هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ اجتماعی، اهل نظافت و رعایت بهداشت است و به محیط زیست خود اهمیت می‌دهد، چرا که می‌داند رعایت بهداشت در سلامت انسان ضروری است. پیامبر اکرم فرمود: «ان الاسلام نظیف فتظفوا؛ اسلام پاکیزه است، پس شما هم پاکیزه باشید»^۱. امام سجاد در دعایی خصوصیات فراغت سالم را در دعای خویش اینگونه ذکر کرده اند: «بارالها! اگر برای ما ساعت فراغتی از شغل را مقدور فرموده‌ای آن را فراغتی سالم قرار ده، که نه گرفتار پیامدها و تبعات رنج‌آور آن باشیم و نه به خستگی و کوفتگی آن مبتلا شویم»^۲.

۴. گونه‌ها و مصادیق اوقات فراغت

همان گونه که در تعریف اوقات فراغت روشن شد از شاخصه‌های اصلی اوقات فراغت، تفریح و لذت بردن محسوب می‌شود؛ از همین رو سخن خود را بر همین موضوع متمرکز کرده و شیوه تفریح مطلوب برای منتظران ظهور را در ایام فراغت مورد دقت قرار می‌دهیم.

الف. مسافرت و گردش هدفمند

به تجربه ثابت شده است که انس با طبیعت روحیه‌ای شاد و مفرح را برای انسان به ارمغان می‌آورد، علاوه بر آن پیامبر اکرم می‌فرمایند: «سافرُوا تصحّوا و ترزقوا؛ مسافرت کنید تا تندرست بمانید و روزی کسب کنید»^۳. بنابراین یکی از موارد تفریحی که در مسیر آمادگی جسمی و روحی انسان منتظر ظهور تأثیر بسزایی دارد سیر و سفر با رعایت

۱. میزان الحکمه، ج ۷، ص ۷۶.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۱۱.

۳. میزان الحکمه، ج ۹، ص ۳۴۴.

چارچوبهایی است که در قبل برای منتظران بیان گردید.

ب. کار بدنی مناسب

شیعه منتظر برای کار و تلاش در زندگی خود جایگاه خاصی قائل است، چراکه بدون کار انسان بی‌مسئولیت و ضعیف تربیت می‌شود و همچنین انسان نمی‌تواند در موقع خود، یار خوبی برای امام خویش باشد. تا جایی که امیرالمؤمنین بهترین تفریح را کار معرفی می‌کند و در جای دیگری می‌فرماید: «العمل شعار المؤمن؛ کار شعار مؤمن است»^۱. به‌دور از تبلی و کسالت: اهل تلاش بودن از خصلت خوب انسان است که یک منتظر با توجه به آن، می‌تواند نگاه خاص امام را به خود جلب کند. همان‌طور که امام جواد در وصف یاران امام زمان فرموده‌اند: «کدّادون مجدّون فی طاعته؛ آن‌ها اهل تلاش و جدیت در اطاعت از امام زمان خود هستند»^۲.

ج. مطالعه و تألیف

عرصه مطالعه، مادر خلاقیت‌ها و عامل تعالی روح و فکر انسان منتظر است. مطالعه کتاب‌های مفید، مجلات و روزنامه‌ها در زمینه‌های مختلف دینی و به ویژه معارف مهدوی، از بهترین روش‌های پر کردن اوقات فراغت است. این مطالعه که می‌تواند با استفاده از آثار علمی و ادبی باشد نه تنها گزینه مناسبی در زمینه اوقات فراغت است، بلکه می‌تواند زمینه و سرمایه مناسبی برای خلق آثار علمی و ادبی در حوزه مهدویت باشد.

د. فعالیتهای هنری

عرصه هنر از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین عرصه‌هایی است که در اوقات فراغت متولد شده و رشد یافته است و از دیرباز مورد توجه همه به خصوص مسلمانان بوده است. مسلمانان علاقه وافری به هنر نشان دادند و در این زمینه موفقیت‌هایی هم داشته‌اند و در سطح جهانی مطرح شده‌اند. با توجه به علاقه‌ای که مسلمانان به هنر نشان دادند می‌توانند در نهادینه کردن فرهنگ انتظار و آماده‌سازی مردم برای ظهور موثر واقع شوند. از دیدگاه

۱. همان، ج ۳، ص ۲۳۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

منابع دینی هم، هنر متعهد آن است که انسان را به سمت ارزشهای والای انسانی سوق دهد. بر این اساس می‌توان بخشی از اوقات فراغت را به سرودن شعر و مدح، خوشنویسی، نقاشی و طراحی به صورت دستی و یا با استفاده از نرم افزارهای جدید کامپیوتری، ساخت فیلم، انیمیشن و اموری نظیر آن پرداخت و فرهنگ انتظار را با استفاده از ابزار قدرتمند هنر در شهر و کشور و جهان منتشر نمود و ذهن‌ها را به سمت امام زمان متوجه ساخت. بدیهی است با این توضیح این سخن امام صادق که فرمودند: «هر که در مورد ما یک بیت شعر بگوید خداوند متعال در بهشت یک خانه برایش بسازد»^۱ را نمی‌توان به موضوع شعر منحصر کرد.

هـ فعالیت‌های ورزشی

منتظران ظهور حضرت صاحب‌الزمان چشم اندازی وسیع و جهانی دارند. منتظر در اندیشه این است که چگونه می‌تواند آرمان خود را جهانی کند و پیوسته درصد این است که برای ظهور حضرت رغبت جهانی و مقبولیت عمومی ایجاد کند. طبیعی است که جامه عمل پوشاندن به یک چنین آرمانی، مستلزم این است که منتظر از قوای بدنی قوی و ورزشی جسمی نیرومند خاصی برخوردار باشد. بنابراین منتظران در اوقات فراغت خود به امور ورزشی نیز می‌پردازند تا با جهت‌دهی ورزش به سمت و سوی ظهور حضرت صاحب‌الزمان آرمان خود را جهانی کنند و بدین ترتیب موجبات رضایت امام عصر را به دست آورند. امام خمینی هم در راستای اهمیت دادن ورزش به جوانان می‌فرماید:

مملکت ما همین‌طور که به علما احتیاج دارد، به قدرت شما هم احتیاج دارد. این قدرت حرکتی با ایمان باشد، وقتی زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است، آنچه که پشتوانه یک ملت است آن افراد با ایمان هستند، ورزشکاران با ایمان هستند.^۲

البته در اینکه چه نوع ورزشهایی با توجه به هدف زمینه سازی ظهور مناسب هستند در جای خود نیازه تحقیق بیشتری دارد.

۱. همان، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۸.

گفتار چهارم. در مصرف و تغذیه

یکی دیگر از جلوه‌های سبک زندگی منتظرانه را باید در کیفیت و کمیت تغذیه جستجو کرد، زیرا از یک سو منتظران حضرت با خطاب قرآنی «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»^۱ روبرو هستند که مؤمنان را به دقت در مصرف مواد غذایی فرا می‌خواند و از سویی دیگر بخشی از آمادگی ایشان برای جهاد و یاری حضرت معطوف به سلامتی و تقویت قوای جسمانی است، چرا که درباره خصوصیات یاران امام زمان آمده است که: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ... يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا»^۲. پس منتظران وظیفه دارند در تقویت قوای جسمانی به تغذیه نیز توجه داشته و برنامه غذایی خود را مطابق با دستورات اسلامی بچینند، تا با سلامت جسمی که بالتبع در سلامت روان نیز تاثیر دارد، در جهت بسترسازی ظهور تلاش و نیروی خود را در این راه هزینه کنند. در همین راستا دستورات غذایی فراوانی در متون دینی یافت می‌شود که جای طرح تفصیلی آنها در این مجال نیست، اما به صورت مختصر به برخی از نکاتی که مؤمنان و منتظران ظهور باید به آنها توجه کنند و در آیات و روایات ما آمده است اشاره می‌شود:

۱. حلال خوری

مهمترین مطلبی که همگان و به ویژه منتظران حضرت مهدی باید به آن عنایت کنند توجه به حلال بودن غذای مورد مصرف است. در همین راستا خاستگاه کسب طعام و غذا حتماً باید از راههای مشروع و از همان طریقی باشد که پروردگار هستی خواسته است. بارها خداوند متعال در قرآن کریم خوردن غذای حلال را از نشانه‌های صدق در عبودیت خود معرفی کرده و فرموده است: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»^۳ و در جایی دیگر انگار که تغذیه حلال را مقدمه تقوای الهی - به عنوان مهمترین سفارش و راهبرد زندگی دینی و مهدوی در همه دورانها و به خصوص در آخرالزمان - معرفی نموده و می‌فرماید: «وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي

۱. عبس / ۲۴.

۲. منتخب الأنوار المضيئة، ص ۱۹۵.

۳. نحل / ۱۱۴.

أَنْتُمْ بِهٍ مُّؤْمِنُونَ^۱ انبوهی از سخنان اهل بیت نیز بر این امر تأکید دارند و همین امر دقت و توجه منتظران را بر مقوله کسب و کار دو چندان می‌کند و وی نمی‌تواند از هر طریقی به کسب اموال و مصرف آن بپردازد.

علاوه بر آن باید در احکام اسلامی کیفیت استفاده از غذای به دست آمده نیز مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه اگر کسی گوسفندی را از راه حلال به دست آورده است برای استفاده حلال نیز باید آن را به همان صورتی که در شرع گفته شده است ذبح نماید. موارد دیگری همچون آغاز مصرف با بسم الله و نظایر آن وجود دارد که باید به کتابها و رساله‌های مربوط مراجعه کرد.

۲. طیب خوری

در آیات پیشینی که مربوط به بحث غذای حلال بود به خصوصیت دیگری به نام طیب بودن طعام بر می‌خوریم که آن نیز به جهت در کنار حلال قرار گرفتن، فوق العاده حائز اهمیت است. یکی از مطالبی که در فهم این آیات مؤثر است درک دقیق واژه طیب است که متأسفانه به خاطر دشواری ترجمه دقیق آن معمولاً در ترجمه‌های موجود گاهی آن را به حلال بودن و زمانی آن را به پاک بودن معنا می‌کنند در حالی که این ترجمه دقیق و گویا نیست. در کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* که به صورت عالمانه و دقیقی به بررسی واژگان قرآنی پرداخته است در تبیین واژه طیب می‌گوید: «هو ما یكون مطلوباً لیس فیه قذارة ظاهراً و لا باطناً؛ طیب به امر خواستنی و مطلوبی گفته می‌شود که آلودگی ظاهری و باطنی ندارد». بر پایه چنین تعریفی ترجمه «طیب» به «پاک» که معمولاً به آنچه که آلودگی ظاهری و مورد مشاهده ندارد اطلاق می‌شود ترجمه ناقصی است، زیرا چه بسا موادی که اگرچه از نظر ظاهری آلوده نیستند، اما از نظر باطنی آلوده هستند. درست مثل سیگار یا نوشابه‌های کنونی که در عین گوارایی ظاهری، ضررهای فراوانی برای آنها اثبات شده است. بدیهی است که منتظران ظهور حکومت مهدوی و استقرار حاکمیت قرآن و دین در جهان از این گونه مواد دوری می‌کنند.

۱. مائده / ۸۸.

۲. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۷، ص ۱۵۱.

گفتار پنجم. لباس و پوشش

لباس و پوشش امروزه از موضوعات مهمی است که مورد توجه جهانیان قرار گرفته و اتفاقاً به عنوان بخشی از سبک زندگی از کارکردهای ویژه‌ای نیز برخوردار است. بدون تردید منتظران مهدی موعود نیز باید در این زمینه برآگاهی‌های خود افزوده و لباسی را انتخاب کنند که مناسب با فرهنگ انتظار باشد. بر همین اساس برخی از مهمترین معیارهای انتخاب پوشش منتظران را به این شرح می‌توان برشمرد:

۱. تقوای الهی در پوشش

از مهمترین ویژگیهای منتظران ظهور که در اعمال و رفتار آنها کاملاً نمایان است تقوای پیشگی و خدامحوری ایشان است، زیرا ایشان همواره این سفارش راهبردی معصومین را مد نظر داشته و این کلام امام صادق را نصب العین خود نموده‌اند که: «من سره أن یكون من أصحاب القائم فلیتظر ولیعمل بالورع»^۱. چنین تقوایی حتی در زمینه لباس و پوشش نیز خود را نشان می‌دهد، زیرا آنهايي که در مکتب قرآن تربیت شده‌اند وقتی به این آموزه قرآنی می‌رسند که: «یا بنی آدم قد أنزلنا علیکم لباساً یُوری سوءاتیکم و ریشاً و لباساً التَّقوی ذلک خیر ذلک من آیاتِ اللّهِ لعلّهم یدکّرون»^۲ اگرچه باید به لباس ظاهر اهمیت داد و لکن بهترین لباسی که هم حافظ ما از خطرات و هم عامل عیب پوشی و هم سبب زیبایی معنوی است همانا تقوای الهی می‌باشد. همین امر سبب می‌شود تا مؤمنان منتظر بیش از هر چیز به کسب لباس تقوا و مزین شدن به آن مبادرت ورزند.

۲. عدم شهرت لباس

یکی از آموزه‌های اسلام درباره لباس مؤمنان، در نظر گرفتن شرایط زمانه از لحاظ اقتصاد عموم مردم برای انتخاب نوع پوشش است. شخصی به نام حماد بن عثمان می‌گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی به وی عرض کرد: شما فرمودی که علی بن

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۰۰.

۲. اعراف / ۲۶.

ابی طالب علیه السلام لباس زبر و خشن در بر می‌کرد و پیراهن چهار درهمی می‌پوشید و سخنانی همانند آنها، در حالی که بر تن شما لباس نو می‌بینیم. امام صادق به او فرمود: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَا يَنْكُرُ عَلَيْهِ وَ لَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ شَهْرًا بِفَخِيرٍ لَبَسَ كُلَّ زَمَانٍ لَبَسَ أَهْلَهُ غَيْرَ أَنْ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ وَ سَارَ بِسَبِيلَةِ عَلِيٍّ؛^۱ علی ابن ابی طالب علیه السلام آن لباسها را در زمانی می‌پوشید که مورد تنفر و انکار نبود، اما اگر آن لباس را این زمان می‌پوشید به بدی مشهور و انگشت نما می‌شد، پس بهترین لباس هر زمان، لباس مردم همان زمان است، ولی قائم ما اهل بیت علیهم السلام زمانی که قیام کند، (به دلیل آنکه زمامدار است و باید خود را در ردیف ضعیف‌ترین مردم قرار دهد) همان جامه علی علیه السلام را پوشیده و به روش علی علیه السلام رفتار می‌کند».

این خود نکته بسیار مهمی است که شخص منتظر نباید به تصور جلب رضایت امام زمان، خود را به گونه‌ای بیاراید که مردم تصور فقر و بیچارگی در مورد او کنند، بلکه باید همسان با عموم پوشش جامعه لباس خود را برگزیند. علاوه بر آن وی باید حد وسط را رعایت کند و از پوشیدن لباسی که زیبایی یا زشتی خیره کننده‌ای دارد بپرهیزد چرا که رسول خدا فرمود: «لباسی را که در زیبایی یا زشتی شهرت دارد نپوشید».^۲

۳. در نظر گرفتن جنسیت

معیار دیگری که متون دینی درباره لباس نسبت به آن حساسیت نشان داده‌اند در نظر گرفتن مختصات جنسیتی و عدم شباهت زن و مرد به یکدیگر است؛ کما اینکه حضرت امام صادق این امر را یکی از بلاها و آفات جامعه آخرالزمان معرفی کرده و در پاسخ به کسی که از او زمان قیام قائم آل محمد را پرسیده بود فرمود: «إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ؛^۳ هنگامی که مردان خود را شبیه به زنان و زنان خود را به مردان شبیه می‌کنند». دوستداران حضرت ولیعصر نیز باید به این معیار مهم که آثار اجتماعی فراوانی دارد در انتخاب لباس و آراستگی خویش توجه زیادی داشته باشند.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲. مفاتیح الحیات، ص ۱۶۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵.

۴. در نظر گرفتن توانایی مالی و عدم اسراف

یکی دیگر از موازینی که منتظران مؤمن باید در موضوع لباس در نظر بگیرند توانایی مالی و تهیه مالی است و همین امر باعث می‌شود تا به آسانی درباره دیگران قضاوت نادرست نکنند. در سخنان معصومین در این مورد نکات قابل توجهی وجود دارد. اسحاق بن عمار از امام صادق در باره مردی که صاحب اموال و اهل تجمل بوده و خود را به وسیله لباسهای متعدد و زیبا آراسته می‌نموده پرسید که آیا این مرد اسراف‌گر است؟ و امام جواب فرمود که نه؛ زیرا خداوند متعال فرمود: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ؛ هر کس که زندگیش وسعت دارد بقدر توانایی خرج کند»^۱. جالب اینجاست که در مورد دیگری که کاملاً برعکس و شخصی در مضیقه مالی بوده باز هم امام صادق با همین معیار جواب فرمودند. معاویه بن وهب می‌گوید به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی انسان در قسمتی از عمرش ثروتمند است و لباس و سر و وضع او اعیانی است؛ بعداً ثروتش از دست می‌رود و وضعش عوض می‌گردد و از شماتت دشمن رنج می‌برد، برای خرید لباس که خود را بیاراید خویشتن را به سختی می‌افکند آیا جایز است؟ ایشان این آیه را تلاوت فرمود: «يُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ عَلَىٰ قَدَرِ حَالِهِ»^۲؛ هر کس که زندگانش وسعت دارد به مقدار وسعتش و هر کس روزیش تنگ است بقدری که خداوند به وی داده خرج کند، پس بر طبق حال و وضعیتش اقدام کند».

درباره بحث اسراف و عدم اسراف در لباس نکات دقیقی در احادیث امامان معصوم نظیر لزوم متفاوت بودن لباس درون و بیرون از خانه وجود دارد که همه شیعیان و منتظران برای یک زندگی خوب و امام زمان پسند باید در کتابهای مربوطه آنها را مطالعه و به آن پایبند باشند.

۵. لحاظ حیا و عفاف

معیار مهم دیگری که بر بسیاری از شئون و رفتار انسان مسلمان منتظر از جمله انتخاب پوشش و لباس، تأثیر خود را نشان می‌دهد موضوع حیا و عفاف است که اتفاقاً زن

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۳.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۱۴.

و مرد نمی‌شناسد و از معیارهای ایمان شمرده شده است به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ». اساساً شخص صاحب حیا و عفت در انتخاب لباس خود بسیار حساس بوده و پوشش خود را به گونه‌ای قرار نمی‌دهد که پرده حیا را بدرد و جامعه را به بحران بی‌عفتی - که مانع ظهور دولت مهدوی است - سوق دهد، بلکه وی در مسیر یاری امام خویش همواره این سخن امیرالمؤمنین را نصب العین خود قرار داده است که: «إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ... وَإِنَّكُمْ لَأَتَقَدِرُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَعْيُنِي بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ»^۲ و این گونه با عفت خویش در مسیر اصلاح خود و جامعه به وی کمک می‌کند. البته باید توجه کرد که بانوان به خاطر ویژگیهای خاص بدنی بیشتر مورد خطاب این صفت اخلاقی هستند تا جایی که امام زمان در دعای معروف اللهم ارزقنا توفيق الطاعة از خداوند می‌خواهد که: «وَ تَفَضَّلْ... عَلَيَّ النَّسَاءَ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ»^۳.

۶. در نظر گرفتن سن و سال

یکی دیگر از معیارهای قابل توجه در سبک زندگی منتظرانه و در موضوع پوشش توجه به شرایط سنی افراد هست. همان گونه که لباس کودکان با لباس بزرگسالان متفاوت است باید در پوشش و لباس جوان منتظر با شخص میانسال و احیاناً کهنسال فرق گذاشت و روحیات جوانی او را مادامی که به حریمهای الهی ورود پیدا نکند مد نظر قرار داد. در تاریخ زندگانی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است که ایشان روزی از بازار می‌گذشت و بر در دکان جوانی ایستاد و فرمود: ای جوان دو پیراهن به ارزش پنج درهم داری؟ گفت: آری، حضرت دو پیراهن خرید یکی به دو درهم و دیگری به سه درهم، بعد به غلام خود قنبر فرمود: ای قنبر! پیراهن سه درهمی را برای خود بردار، قنبر گفت: آقا برای شما این زینده‌تر است که باید به منبر بروید، و برای مردم حرف بزنید، حضرت فرمود: «أَنْتَ شَابٌ وَ لَكَ شِرَّةُ الشَّبَابِ»^۴ تو جوانی و نشاط جوانی داری».

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۱۷، نامه ۴۵.

۳. المصباح کفعمی، ص ۲۸۱.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱.

۷. شبیه نشدن به دشمنان جبهه حق

بارها در این نوشتار و در بحث جهادی بودن مقوله انتظار گفته شد که فضای عمومی حضور منتظران، فضای درگیری حق و باطل است و هر یک سعی در مغلوب کردن دیگری دارد. طبعاً یکی از رویکردهای اصلی جبهه باطل، رویکردی فرهنگی است که سردمداران حق ستیز با ابزارهای فرهنگی که از جمله آنها پوشش و لباس است سعی در نفوذ و تضعیف جبهه حق با استفاده از پوششهایی با معیارهای خویش دارند. به همین خاطر باید همه کسانی که در جبهه حق قرار دارند بسیار مراقب باشند و درانتخاب لباس خود ارزشهای جریان حق و دیانت را در نظر بگیرند. به علت اهمیت بالای همین مطلب است که امام صادق علیه السلام فرمود:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيٍِّّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ لَأَ يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَأَ يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ لَأَ يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمُ أَعْدَائِي؛^۱
خداوند عزوجل به یکی از انبیای خود وحی فرمود که به مؤمنان بگو که لباس دشمنان را نپوشند و غذای دشمنان را نخورند و به روش دشمنان رفتار نمایند زیرا در این صورت آنها نیز همانند دشمنانم دشمن من خواهد بود.

در سخن شریف دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که ایشان فرمودند:

ليس منا من تشبه بغيرنا. لا تشبهوا باليهود و النصارى؛^۲ کسی که خود را به غیر ما شبیه کند از ما نیست. خود را به یهود و نصارا شبیه نکنید.

این همه حساسیت و تأکید بر توجه به لباس که از ناحیه معصومین به ما رسیده است حکایت از تأثیرگذاری فوق العاده نوع پوشش و لباس بر باورها و سرنوشت ما دارد و جا دارد که همگان با دقت بیشتری نسبت به این امر درباره خود و فرزندان خود توجه کنند و همین امر مسئولیت مسئولان فرهنگی کشور امام زمانی ایران اسلامی را سنگین تر می‌کند.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. الجامع الصحیح (صحیح ترمذی)، ج ۵، ص ۵۶.

فصل سوم.

سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی

یکی دیگر از مؤلفه‌ها و حیطه‌های رفتاری سبک زندگی منتظرانه که اتفاقاً بسیار مهم است را می‌توان در حوزه اجتماع در نظر گرفت. اهمیت توجه به این حوزه از این جهت است که همان گونه که در قبل نیز اشاره شد بخش عمده‌ای از موانع ظهور حضرت مهدی به همین حوزه مربوط می‌شود، زیرا در بحث از زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان، میل و رغبت عمومی به حکومت عدل مهدوی و داشتن افراد توانمند در حوزه اجتماع به عنوان دو عامل اصلی ایجاد زمینه‌سازی مطرح شده است و با توضیحاتی که در بعد می‌آید روشن خواهد شد که اصلاح در روش زندگی و متخلق شدن به سبک زندگی منتظرانه سهم زیادی در به وجود آمدن این دو زمینه مهم برای ظهور خواهند داشت. این مؤلفه‌ها در قالب گفتارهای ذیل قابل بیان است:

گفتار اول. در خانواده

خانواده، به عنوان سلول یک جامعه یکی از مؤلفه‌های پر اهمیتی است که در صورت آراسته شدن به سبک زندگی مهدوی می‌تواند هم در مسیر گذر از زمانه محنت و پر خطر آخرالزمان و هم در فراهم آوردن زمینه‌های مردمی ظهور، نقش فوق العاده‌ای را ایفا نماید. در نظر گرفتن چنین جایگاه ویژه‌ای اساساً بدین خاطر است که «خانواده هر چند از نظر جمعیت، یک جامعه بسیار کوچک دانسته می‌شود اما اسلام به منظور سالم‌سازی جوامع بزرگ‌تر انسانی اهتمام ویژه‌ای به سلامت نهاد خانواده دارد. خانواده مهم‌ترین جایی است که در آن باورها و اعتقادات دینی، ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی از نسلی

به نسلی منتقل می‌شود. از طریق خانواده است که نسل بعدی با دنیای بیرونی آشنا می‌شوند، چگونگی معاشرت و روابط اجتماعی با دیگران را می‌آموزند و راه و رسم زندگی، اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی را فرا می‌گیرند.^۱ این سخن بلند رسول اعظم است که فرمود:

مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانِهِ وَ يُنصَّرَانِهِ وَ يُمَجَّسَانِهِ؛ هَر بچه‌ای، با فطرتی الهی به دنیا می‌آید و این پدر و مادر او هستند که که وی را یهودی، مسیحی یا مجوسی می‌کنند.

علاوه بر آنچه در اهمیت نهاد خانواده بیان شد یکی از نویسندگان از زاویه دیگری به موضوع نگریسته و معتقد است که خانواده محوری به عنوان یک راهبرد اصلی در عصر غیبت محسوب می‌شود. وی بعد از ذکر روایاتی مهدوی از امام صادق نظیر «و الزموا بیوتکم؛^۲ ملازم خانه‌های خود باشید» و همچنین «کونوا احلاس بیوتکم؛^۳ گلیم (ملازم) خانه‌های خود باشید» می‌گوید: از اینگونه روایات دو گونه برداشت می‌توان نمود:

۱. توصیه به خانه نشینی به معنای جامعه‌گریزی، انزوا، بی‌تفاوتی و بی‌خبری نسبت به حوادث دوران غیبت.

۲. توصیه به خانه محوری و سنگر قراردادن خانه‌ها و هوشیاری نسبت به حوادث دوران غیبت همراه با جامعه‌گرایی حکیمانه.

پر واضح است با توجه به سیره اهل بیت و با نگاهی به سایر وظایف ایمانی و انسانی یک مؤمن راستین مانند امر به معروف و نهی از منکر، تعاون در بر و نیکی‌ها، صلح رحم، انجام اعمال حج و دستورات دینی مبنی بر حضور در اجتماعات مؤمنین و کلام رسول خدا ﷺ که فرمودند: «لا رهبانیه فی الاسلام»، معنای دوم و برداشت دوم مورد نظر ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد؛... بنابراین تأکید و اصرار اهل بیت علیهم‌السلام بر ملازم خانه و خانواده بودن حاکی از توجه داشتن به اهمیت این نهاد بنیادین اجتماعی و فعال نگه داشتن آن و

۱. همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، ص ۲۳۴.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۹.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۱۹۷.

۴. همان.

تشکیل هسته‌های صالح و سالم برای تأسیس و تشکیل جامعه مهدوی است.^۱ صرف نظر از صحت و سقم مستندات حدیثی که ایشان در اثبات مطلب خود ارائه داده است اصل این سخن قابل توجه بوده و توجه به خانواده در عصر غیبت یکی از بایسته‌های حتمی در حوزه سبک زندگی مهدوی است که با توجه به انواع روابط موجود در خانواده مثل رابطه بین زن و شوهر، رابطه بین والدین و فرزندان و رابطه فرزندان با همدیگر قابل تبیین است، اما آنچه در این بین مهم و محور سبک زندگی منتظرانه در خانواده‌های مهدوی است داشتن آرمان مشترکی به نام ظهور امام زمان و عشق سرشار نسبت به حضرت مهدی و تلاش برای آماده نمودن زمینه‌های ظهور ایشان است. با این نکته جلوه‌های مختلف سبک زندگی منتظرانه در خانواده به قرار ذیل است:

۱. محوریت باورهای توحیدی و مهدوی

یکی از مبانی سبک زندگی مهدوی در حوزه خانواده آن است که از ابتدای تشکیل خانواده باید ارزشهای دینی و در رأس آن توحید و خدامحوری مد نظر دختر و پسر جوان عاشق امام زمان باشد؛ چرا که وقتی حضرت مهدی قیام می‌فرماید همین ارزشها را محور برنامه جهانی خود قرار می‌دهد و به فرموده امام صادق:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛^۲ هنگامی که حضرت قائم قیام نماید هیچ جایی نیست مگر آنکه در آن ندای لا اله الا الله و محمد رسول الله سر داده می‌شود.

بر همین اساس نباید زیبایی و ثروت و امثال آن ملاک انتخاب همسر در زندگی باشد، زیرا رسول اکرم فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِجَمَالِهَا لَمْ يَرَ فِيهَا مَا يُحِبُّ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ؛^۳ هر کس زنی را تنها به خاطر زیبایی او به ازدواج خویش درآورد آنچه را که دوست دارد نمی‌یابد و هر کس با زنی به خاطر مالش ازدواج کند خدا او

۱. خانواده مهدوی، ص ۳۷-۳۸.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۵۰.

را به خودش واگذار می‌کند. پس بر شما باد بر (همسر) دین‌دار. امام‌محموری نیز در ادامه بحث خدامحموری مطرح می‌شود و لازمه پذیرش توحید پذیرش امامت و ولایت معصومین که به تصریح آیه غدیر، کمال دین و تمامیت نعمت پروردگار به امامت پیشوایان معصوم و از جمله امام عصر مشروط شده است. پس از تشکیل خانواده نیز قطعاً تنها با التزام به چنین پشتوانه عقیدتی و معنوی است که یک خانواده می‌تواند زمینه ساز ظهور حضرت مهدی باشد، زیرا این خانواده از مصادیق آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^۱ خواهد بود که قطعاً افرادی که در چنین مکان نورانی به ذکر و یاد خدا پرورش یابند از قابلیت بالایی برای یاری موعود اسلام برخوردار خواهند بود و در انتخاب مظاهر سبک زندگی همواره رضایت خدا و ولی خدا را بر خواسته خویش مقدم و از احکام الهی پیروی می‌کنند.

۲. محوریت عقل و اندیشه

سبک زندگی مهدوی جلوه عینی و به‌روز بودن سبک زندگی دینی است، اما اصل زندگی دینی بر پایه اندیشه و تفکر بنا گذاشته شده است. چگونه چنین نباشد در حالی که از منظر دین، مهمترین باورهای دینی و اصول آن یعنی خدا و رسول و معاد را باید با عقل و نه تقلید کشف و قبول کرد؛ درست به همین دلیل است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیانی اعجاز گونه فرمود: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛^۲ تمام خیر با عقل به دست می‌آید و کسی که اهل اندیشه نیست (در واقع) دین (درستی) ندارد». و چنین کسی مورد خطاب هشدار گونه قرآن کریم واقع می‌شود که: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»^۳. زیرا در یک مقایسه تطبیقی این آیه با آیه: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»^۴ این نکته به دست می‌آید که اساس کفر و عدم ایمان به پروردگار، عدم به کار بستن فکر و اندیشه است.

۱. نور/۳۶.

۲. تحف العقول، ص ۵۴.

۳. انفال/۲۲.

۴. انفال/۵۵.

با همین منطق محکم است که وقتی حضرت ولی عصر برای اقامه دین در جهان قیام می‌کند سطح عقلانیت بشریت را بالا می‌برد به گونه‌ای که امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَعْلَانَهُمْ؛^۱

وقتی قائم ما قیام نماید خداوند دست رحمتش را بر سر انسانها گذاشته و عقلهایشان را جمع (و متانت و) خردشان را کامل می‌کند.

حال که منزلت اندیشه و عقل را در فرهنگ دین دانستیم پر واضح است که این عنصر در خانواده منتظر امام زمان که قصد فراهم کردن زمینه‌های ظهور را دارد جایگاهی بس مهم -چه در تشکیل و چه در زندگی خانوادگی پس از آن- خواهد داشت و تربیت و پرورش فرزندان مهدوی در این خانواده تا حد زیادی به رعایت خردورزی در والدین مربوط می‌شود؛ به همین خاطر است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سفارشی مهم پیرامون انتخاب همسر به این نکته تصریح فرمودند که:

إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ؛^۲ بر حذر باشید از ازدواج با زن احمق زیرا مصاحبت با او بلا آفرین و فرزندانش تباه و بی‌فایده خواهند بود.

آری، اگر درباره انتظار و فضیلت زندگی بر محور آن بارها از جانب معصومین احادیث مختلفی به ما رسیده است خود این بزرگواران یکی از معیارهای انتظار حقیقی را اندیشه و تفکر مطرح نموده و امام سجاد علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْتِظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ؛^۳ مردم زمان غیبت او که معتقد بامامت او هستند و منتظر ظهورش می‌باشند از مردم هر زمانی برترند زیرا خدای تبارک و تعالی عقل و فهم و معرفتی بآنها عطا کرده است که غیبت نزد آنها چون مشاهده است.

بنابراین توجه به عقل و دوری از امیال شخصی در سبک زندگی یک خانواده منتظر از اصول مهم این شیوه زندگی در روابط بین همسران و نیز فرزندان محسوب می‌شود.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۵.

۲. النوادر راوندی، ص ۱۳.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳. محوریت قسط و عدالت

مروری هر چند کوتاه بر احادیث مهدوی نشان دهنده آن است که بارزترین شعار حضرت مهدی شعار عدالت در سطح جهان خواهد بود که: «الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»^۱. بنابراین انتظار دولت او انتظار عدالت است و طبعاً خانواده مهدوی که آرزوی آنها درک چنان ایامی هست با الگو گیری از چشم انداز ظهور در بعد خانواده که امام صادق درباره آن فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ... لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ»^۲، جلوه‌های عدالت را در زندگی خود به نمایش می‌گذارد. بدین صورت نه تنها زن و شوهر در بین خود عدالت را رعایت می‌کنند، بلکه در میان فرزندان خود نیز همواره تلاش می‌کنند تا این اصل کلیدی را نهادینه کنند، زیرا این هشدار پیامبر اسلام را جدی گرفته‌اند که: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ»^۳.

۴. محوریت عشق و محبت

خانواده امام زمانی خانواده‌ای سرشار از محبت به معصومین و به خصوص حضرت مهدی است و اساساً نقطه محوری و کانون جذب و اتصال این خانواده عشق به حضرت حجت است. این دلدادگی همانند عنصر عدالت، هم در روابط عاطفی بین همسران خود را نشان می‌دهد و هم علاوه بر اینکه بر احساسات والدین بر فرزندان اثر فوق العاده‌ای دارد باعث می‌شود تا در مسیر زمینه‌سازی ظهور، همین عشق به امام که از ارکان اساسی ولایت مداری است را در وجود فرزندان خود نهادینه سازند و در مسیر تربیتی مهدوی به این سفارش نبی مکرم اسلام توجه می‌کنند که:

ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛^۴ اولاد خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیتش، و قرائت قرآن.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۲۹۷.

۳. الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۶، ص ۶۱۳.

۴. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶، (به نقل از عشق برتر «راههای ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان»؛ جواد محدثی).

چنین محبتی خود معیار روابطی در خانواده نیز هست و باعث می‌شود که از ابراز محبت‌هایی که باعث لغزش در مسیر عبودیت و بندگی خداوند متعال نیز می‌شود جلوگیری کند، زیرا چنین خانواده‌ای در مکتب تربیتی قرآن آموخته‌اند که: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^۱. و عشق و محبت خود را با جنین معیاری تنظیم می‌کنند تا خللی به تکالیفشان وارد نشود.

۵. مسئولیت محوری و رعایت حقوق همسر و فرزند

از جمله نمودهای سبک زندگی یک خانواده مهدوی تعهد و احساس مسئولیتی است که هر یک از اعضا نسبت به سایر افراد خانواده دارد و این حس تعهد در روابط خانوادگی خود را نشان می‌دهد به گونه‌ای که همگان این عنصر را در افراد خانواده مهدوی ملاحظه می‌کنند. دلیل چنین عنصری را باید در فرهنگ قرآن و مهدویت جستجو کرد، زیرا از یک سو قرآن با فرمان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ...»^۲ وظایف خانوادگی ما را مشخص می‌کند و از سویی دیگر نیز: «مهدویت یعنی احساس مسئولیت بین المللی و جهانی نسبت به انسان امروز و فردا و دغدغه اصلاح بشریت داشتن، رنج بشریت را احساس نمودن و از قالب «من» در آمدن و به «ما» اندیشیدن و به عبارت ساده‌تر، مهدویت یعنی طرحی جهانی برای شکوفایی انسانیت؛ بر این اساس ارتباطی تنگاتنگ بین فرهنگ و ایده مهدویت و انسجام، استحکام، اصالت و رسالت خانواده وجود دارد، چرا که یکی از مهمترین اهداف ازدواج مسئولیت پذیری نسبت به نسل آینده با تشکیل خانواده، تربیت نسل آینده، بسترسازی و ایجاد کانون پذیرایی برای نسل آینده همراه با سعادت، سلامت، عدالت، امنیت و دیانت است»^۳. با توجه به چنین نکاتی است که اگر کسی می‌خواهد خود و فرزندانش را مسئولیت پذیر بار آورد و تربیت نماید باید به ترویج فرهنگ

۱. توبه / ۲۴.

۲. تحریم / ۶.

۳. خانواده مهدوی، ص ۹۱.

امامت و مهدویت در خانواده همت گذارد تا حس منفعت طلبی و خودخواهی را که منشأ بی مسئولیتی است درمان کند، زیرا وقتی سلیمان بن خالد به امام صادق عرض کرد: «من خانواده ای دارم که حرفم را گوش می‌دهند؛ آیا آنها را به این امر (ولایت ائمه) دعوت کنم؟ ایشان فرمود: بله؛ خداوند عزوجل می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای مومنان! خود و خانواده را از آتشی آتش گیره آن انسانها و سنگها هستند، حفظ کنید»^۱.

۶. توجه به قابلیت‌های زنانه و مردانه

مروری اجمالی بر سبک‌های موجود زندگی گواه آن است که در نظر گرفتن جنسیتها در تدوین هر نوع از سبک زندگی فوق العاده مهم و موثر است. به عنوان نمونه در بحث لباس و پوشش چه در کیفیت دوخت و یا رنگ و غیره و در موضوع عطر و ادکلن و مواردی از این قبیل که آن را به مردانه و زنانه تقسیم می‌کنند به صورت روشن این معیار را می‌توان مشاهده کرد. آیین اسلام به عنوان پشتوانه اساسی فرهنگ انتظار نیز به این مقوله توجه کرده است، اما آن را تنها محدود به پوشش نمی‌داند. در بحث خانواده که یک خانواده مهدوی نیز باید بدان توجه کند نیز تفاوت‌های جنسیتی به منظور رعایت عدالت کامل زن و مرد و توانایی‌های هر یک کارویژه‌های اختصاصی - علاوه بر وظایف مشترک - به هر کدام سپرده شده است، زیرا بر اساس اصل «لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةُ أَمْرَهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ آيِسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ به زن، کاری که در توانش نیست مده، زیرا او گل است نه کارفرما»^۲ باید به هر یک از زن و مرد تکالیفی که در توانشان است واگذار کرد.

در الگوی سبک زندگی خانواده منتظر امام زمان نیز همین اصل باید به شدت مراعات شود؛ بنابراین وقتی ما انتظار را - همان گونه که قبلاً ثابت کردیم - از مقوله جهاد می‌دانیم، اما باید جهاد زن و مرد را با در نظر گرفتن تناسب روحیات و استعداد‌های آن دو تبیین نماییم؛ کما اینکه اسلام نیز به همین روش عمل کرده است؛ این آیین جامع، کارهای سخت و کسب درآمد برای خانواده را بر عهده مرد قرار داده و آن را به مثابه جهاد

۱. تحریم / ۶.

۲. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۰۵، نامه ۳۱.

تلقى نموده است؛ کما اینکه امام صادق فرمود:

«إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مُعْسِرًا فَيَعْمَلُ بِقَدْرِ مَا يَقُوتُ بِهِ نَفْسَهُ وَ أَهْلَهُ وَ لَا يَطْلُبُ حَرَامًا فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱.

از آن طرف نیز مصداق جهاد زن را نیز بیان کرده و فرمود: «جهاد المرأه حسن التبعل؛ جهاد زن شوهرداری نیکو است». آری! خانواده مهدوی خانواده ای است که با روحیه جهادی رفتار می‌کند، اما قالبها و مصادیقی که مربوط به خود است را ابتدا شناسایی و سپس شجاعانه بر مبانی آن عمل می‌نماید.

البته باید توجه کرد که در نظر گرفتن جنسیت فقط مربوط به روابط زن و شوهر نمی‌شود و در رابطه با ارتباط والدین با فرزندان نیز باید به این اصل توجه کرد؛ کما اینکه اسلام پس از دستور به رعایت عدالت به فرزندان دستور توجه بیشتر به دختران را داده است و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ساووا بین اولادکم فی العطیة فلو کنت مفضلاً لفضلت النساء؛^۲ در هدیه دادن به فرزندان مساوات را رعایت کنید به راستی که اگر من کسی را می‌خواستم برتری دهم بی شک آنها، زنها (و دخترها) بودند.

گفتار دوم. در جامعه

بعد اجتماعی دیگری که پس از خانواده در سبک زندگی منتظرانه باید مورد بررسی قرار گرفته و معیارهای آن برای ارائه الگویی صحیح به منتظران عرضه شود، تعاملات اجتماعی منتظران است. توجه به روابط اجتماعی همواره در اسلام مد نظر بوده است، زیرا به گفته امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام:

إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ؛^۳ شما ناچارید که با مردم ارتباط داشته باشید؛ زیرا هر کسی در طول حیات خود به مردم نیازمند است و مردم به یکدیگر وابسته هستند.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۸۸.

۲. نهج الفصاحه، ص ۵۱۹.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۵.

فطری بودن این امر باعث شده است تا اسلام به عنوان آیین فطرت در ارائه برنامه خود به بشریت این خصوصیت را در نظر داشته باشد و خطابه‌های مکرر «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» بهترین دلیل بر این مطلب است؛ همین امر سبب شده است تا مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی تصریح کند که:

اسلام همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را در همه این احکام تا آخرین حد ممکن دمیده است.^۱

در جریان غیبت و ظهور امام زمان نیز جایگاه و موقعیت جامعه قابل توجه است، زیرا هم در بررسی علل غیبت امام عصر، فقدان رشد جامعه در پذیرش ولایت امام معصوم و تنها ماندن و خوف قتل وی از جمله دلایل غیبت شمرده شده است و هم در مسیر زمینه سازی برای ظهور حضرت ولیعصر و بهره بشریت از برکات وی با خطاب قرآنی «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»^۲ مواجه می‌شویم. علاوه بر آن توجه به موضوع امامت و حکومت مهدوی به سادگی از جنس اجتماع بودن مهدویت را ثابت می‌کند و همین امر سخن از شیوه و سبک زندگی مطلوبی که مورد رضایت حضرت بقیه الله بوده و بسترهای اجتماعی ظهور وی را فراهم می‌کند را دو چندان می‌کند. البته بحث از رابطه با جامعه در سبک زندگی منتظرانه را از دو منظر رابطه با افراد جامعه و رابطه با خود جامعه به مثابه یک فرد مجموعی متشکل از حکومت، حاکم و قوانین جاری در جامعه می‌توان مورد کنکاش قرار داد که ما در این گفتار به بایسته‌های سبک اجتماعی سبک زندگی منتظرانه در روابط با افراد جامعه پرداخته و بحث از رابطه از نوع دوم را در گفتار بعد بیان خواهیم نمود.

۱. دعوت و ایجاد رغبت به سوی امام زمان

از بارزترین ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه در جامعه را می‌توان دعوت مردم به سمت امام زمان و توجه به او برشمرد تا بدین وسیله شوق عمومی را به حضرت مهدی برانگیخت که این، خود بخشی از زمینه سازی برای ظهور وی به عنوان یکی از امتیازات

۱. روابط اجتماعی در اسلام، ص ۱۰.

۲. اعراف / ۹۶.

این نوع از سبک زندگی است. این جلب توجه عمومی از راههای مختلفی می‌تواند صورت گیرد؛ به عنوان نمونه می‌توان در زمانهای منسوب به حضرت مهدی مانند روز جمعه، نیمه شعبان و نهم ربیع الاول، برنامه‌های ویژه برای عموم همانند برگزاری مجالس امام زمانی در قالبهای مختلف و نشاط آفرین و جذاب را تدارک دید. امام هادی در بیان خصوصیت ممتاز عالمان دینی در عصر غیبت، همین معیار مذکور یعنی دعوت به سوی امام عصر را ذکر نموده و می‌فرمایند:

لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ،... مَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ؛^۱ اگر بعد از غیبت امام قائم عالمانی نبودند که دعوت کننده به سوی او بوده و مردم را به سوی او راهنمایی می‌کردند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می‌شدند.

بدیهی است که این امر مخصوص عالمان دینی نیست، بلکه هر کسی به میزان توانایی‌های خود می‌تواند در ایجاد رغبت به سوی حضرت ولی عصر سهمی داشته باشد حتی به اندازه گذاشتن یک سخنرانی یا سرود مهدوی در اتومبیل و تاکسی. البته پیشوایان دین بر صالح بودن اعمال و رفتار بیش از هر چیز دیگر از امر دعوت و تبلیغ تأکید داشته‌اند و بارها فرمودند که:

كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَ الْإِحْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛^۲ مردم را با غیر زبانهایتان دعوت کنید به طوری که از شما خداترسی و تلاش و نماز و امور خیر را ببینند که آنها دعوت کننده هستند.

۲. ترغیب دیگران به اصلاح جامعه

ویژگی دیگری که در سبک زندگی منتظرانه قابل مشاهده است تشویق دیگران به واکنش در قبال ناهنجاریهای جامعه و اصلاح آن به منظور فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی ظهور است. بدیهی است که «مهدی یاوران نه تنها خود روحیه اصلاح‌گری دارند، بلکه دیگران را نیز به این امر دعوت می‌کنند تا همگی زمینه را برای ظهور حضرتش

۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري، ص ۳۴۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۷۸.

فراهم کنند»^۱. این خصوصیت در سبک زندگی یک منتظر خود را با چهره امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد که از جمله اوصاف یاران امام زمان نیز شمرده شده است. اگر فردی بتواند با منش خود، امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه خود، تبدیل به فرهنگ و سبک زندگی نماید آن وقت است که چنین جامعه‌ای مورد خطاب تحسین آمیز قرآن قرار خواهد گرفت که: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۲ و قطعاً گام بلندی را در راستای تشکیل حکومت جهانی به رهبری حضرت مهدی خواهد برداشت.

نکته تکمیل کننده آنکه اگر بارها در این نوشتار انتظار از جنس جهاد معرفی شده است، امر به معروف و نهی از منکر به تصریح معصومین از شعبه‌های جهاد معرفی شده است؛
 کما اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرمود:

الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ... فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ
 شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْفَاسِقِينَ؛^۳ جهاد چهار شعبه دارد:
 امر به معروف و نهی از منکر و... پس هر که امر به معروف کند، مؤمن را یاری کرده
 و پشتش را محکم نموده، و هر که نهی از منکر کند، بینی فاسقان را به خاک مالیده
 است.

۳. خوش خلقی، خیرخواهی و دلسوزی

معیار دیگری که برای سبک زندگی منتظرانه وجود دارد داشتن رفتارهایی برخاسته از روحیه نصیحت و خیرخواهی نسبت به دیگر دوستداران امام زمان است، زیرا کسی که خود را در جبهه انتظار و در صف درگیری با اهل باطل می‌بیند به همه هم‌سنگریهایش مهربان است؛ از همین رو در بسیاری از احادیث مهدوی، امامان معصوم بر این نکته اشارات مختلفی داشته‌اند. به عنوان مثال امام رضا در سخنی می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ وَلَا يَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ وَأَنْ مِنْ
 دِينِهِمْ... حُسْنُ الصُّحْبَةِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ وَ يَذُلُّ الْمَعْرُوفِ وَ كَفَّ الْأَذَى وَ بَسَطَ الْوَجْهَ وَ

۱. مجموعه مقالات دهمین دکترین مهدویت، ج ۳، ص ۳۳۰، مقاله «سبک اخلاق اجتماعی مهدی یاوران».

۲. آل عمران / ۱۱۰.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۵۱.

النَّصِيحَةَ وَالرَّحْمَةَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛^۱ هر که آنها (امامان) را به نام خود و پدرانشان شناسد، و ولایت (و رهبری) آنها را نپذیرد و بمیرد به روش جاهلیت مرده، و از (برنامه‌های) دین آنها: ... حسن مجالست، و خوش همسایگی، احسان، بی‌آزاری، گشاده‌روئی، خیرخواهی، ترحم به حال مؤمنان است.

همچنین در کتابهای حدیثی آمده است که یکی از اصحاب امام باقر می‌گوید: «با جماعتی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم و عرض کردیم: یا ابن رسول الله ما عازم عراق هستیم، بما سفارشی فرما. امام علیه السلام فرمود:

لِيُقَوِّ شَدِيدَكُمْ ضَعِيفَكُمْ وَ لِيُعَدَّ غَنِيَّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ وَ لَأَ تَبْثُثُوا سِرَّنَا... وَ اغْلَمُوا أَنْ أَلْمُنْتُمْ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أُجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ؛^۲ باید توانای شما به ناتوانان کمک کند و ثروتمندان به فقیران احسان نماید و راز ما را فاش نکنید... و بدانید برای کسی که انتظار این امر (ظهور امام قائم) را دارد، مانند اجر روزه‌دار شب زنده دار است.

بدین گونه منتظر حضرت ولیعصر پیش از آنکه به دنبال آسایش و منافع شخصی خود باشد از منشی در زندگی تبعیت می‌کند که در آن راحتی دوستداران امام زمان را بر راحتی خود مقدم می‌دارد.

۴. دوستی با دوستان حضرت و دشمنی با دشمنان وی

از جلوه‌های بسیار مهم و جذاب سبک زندگی مهدویون، محبت و رحمت با محبان امام زمان و بغض و شدت با دشمنان ایشان است. چرا که آنها تربیت شدگان مدرسه قرآنی «و الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۳ و پرورش یافتگان مکتب عاشورایی «إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۴ هستند و در ارتباطهای دوستانه و دشمنانه خویش با دیگران، محبت به امام را معیار کشش‌های قبلی خود قرار می‌دهند و در جبهه درگیری حق با باطل حتی اگر کوتاهی یا کم لطفی‌هایی از برخی دوستان خود مشاهده کنند این طور نیست که رهایشان کنند و سربازان جبهه باطل را هرچند به آنها لبخند زنند

۱. تحف العقول، ص ۴۱۶.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۳. فتح/۲۹.

۴. کامل‌الزیارات، ص ۱۷۶.

در آغوش گیرند. ایشان همانهایی هستند که مدال پر افتخار طوبی را از امام کاظم دریافت می‌کنند که فرمود:

طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوْلَاتِنَا وَالْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً فَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۱ خوشا بر احوال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته محبت ما تمسک کرد و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند، آنها از ما و ما از آنهائیم، ایشان ما را به امامت و ما نیز آنان را به عنوان شیعه پذیرفته‌ایم. پس خوشا به حال آنها و خوشا بر احوال آنها؛ به خدا سوگند آنان در روز قیامت با ما هم درجه هستند.

۵. استقامت و صبر اجتماعی

عصر غیبت امام عصر به تصریح آیات و روایات مهدوی زمانه آمیخته با مشکلات و سختیهاست و دین داری در این دوران بسیار مشکل است. از همین رو پیشوایان معصوم این مطلب را پیش بینی و راهبرد صبر را به شیعیان سفارش کردند؛ امام حسین علیه السلام در همین زمینه فرمود:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَادِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنْ الصَّابِرِ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَدَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ؛^۲ از ما خاندان دوازده مهدی خواهد بود که اولین آنها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرین آنها نهمین از فرزندان من است و او امام قائم به حق است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از موت زنده کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان چیره نماید؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید. او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شوند و دیگرانی در آن پابرجا باشند و اذیت شوند و به آنها بگویند: اگر راست می‌گوئید این وعده چه وقت عملی شود؟ بدانید کسی که در دوران غیبت او بر آزار و

۱. کفایة الأثر، ص ۲۷۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

تکذیب صابر باشد مانند مجاهدی است که با شمشیر پیشاروی رسول خدا ﷺ مجاهده کرده است.

بنابراین حدیث و روایات دیگر از جمله ویژگی مهم برای کسانی که به سبک زندگی منتظرانه مزین شده اند صبر و استقامت در امور است؛ اما این استقامت فقط در جنبه فردی خلاصه نمی‌شود، بلکه بعد دیگری از آن تحت عنوان صبر اجتماعی و گروهی وجود دارد که معمولاً کمتر به آن توجه می‌شود و اتفاقاً در بحث ما بسیار مهم است. مراد از صبر اجتماعی نیز استقامت در اموری است که به صورت جمعی و همراه با دیگران صورت می‌گیرد. مثلاً اگر در جامعه منتظر باید تکلیفی اجتماعی انجام شود و یا در مقابل فشارها و مشکلاتی جامعه باید مقاومت کند به چنین مقاومتی صبر اجتماعی گفته می‌شود. شاید یکی از بهترین آیات مهدوی که بیانگر این نوع صبر است آیه: «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱ که امام باقر درباره آن فرمود: «اصْبِرُوا عَلَيَّ أَدَاءَ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عَدُوِّكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُتَنْتَظِرَ؛^۲ در انجام واجبات صبر کرده و همدیگر را در مقابل دشمنان به صبر بدارید و پیوند و مراقب با امام منتظر خود باشید». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه نکاتی را تذکر داده و بیان نمودند:

منظور از آن (اصبروا) صبر تک تک افراد است، چون دنبالش همین صبر را به صیغه مفاعله- صابروا آورده که در مواردی استعمال می‌شود که ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد. و مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر گردد و این معنا امری است که هم در فرد (اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود) محسوس است و هم در اجتماع (اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون او در نظر گرفته شود) چون باعث می‌شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود...؛ (وَ رَابِطُوا) مرابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد و

۱. آل عمران / ۲۰۰.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۱۹۹.

مرابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شوون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی.^۱

آنگاه ایشان در ذیل همین آیه بحث مفصل و زیبایی را با موضوع روابط اجتماعی در اسلام و مقایسه آن با آنچه در غرب می‌گذرد ارائه داده‌اند که حتماً مطالعه آن مفید و جذاب خواهد بود؛ اما آنچه مناسب این نوشتار است توجه به همین نکته کلیدی است؛ کما اینکه با تأمل در برخی از روایات مهدوی دیگر این صبر گروهی را نیز می‌توان یافت؛ به عنوان نمونه وقتی رسول اعظم در فضیلت منتظران صبور می‌فرماید: «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَيَّ مَحَجَّتَهُمْ أَوْلِيكَ وَصَفَّهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ قَالُوا لَكُمْ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ مستندات قرآن ارائه شده توسط ایشان به ویژه در آیه حزب الله، به روشنی گواه بر آن است که مراد از صابریں در ابتدای کلام ایشان تنها به تک تک افراد خلاصه نمی‌شود، بلکه این صابران به صورت حزب و گروه الهی مطرح هستند و طبعاً صبر آنها، صبر جمعی است.

گفتار سوم. در روابط با حاکم و حکومت اسلامی

پس از روشن شدن جایگاه اجتماع و اهمیت نوع تعامل با آن و بعد از فراغت از بررسی نوع ارتباط با خانواده و نیز آحاد یا مجموعه جامعه در دو گفتار قبل، آخرین ویژگی که در سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی هر چند به صورت مختصر قابل طرح است نوع تعامل و ارتباط انسان منتظر با حاکم اسلامی یا به اصطلاح همان ولی فقیه و نیز نظام اسلامی مستقر در کشور است. اما قبل از آنکه وارد سبک رابطه با آنها شویم ابتدا باید جایگاه ولی فقیه و حاکم اسلامی در مکتب اهل بیت دانسته شود و آنگاه به تبیین نوع تعامل با آن پرداخت.

مطلب مهمی که طرح آن در اینجا ضروری است آن است که حاکم اسلامی در لسان روایات کسی است که نه تنها از دین آگاهی داشته باشد، بلکه خود نیز اسلام شناس و

۱. ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۲. کفایة الأئمة، ص ۶۰.

دارای قدرت استنباط و به اصطلاح امروزی توان اجتهاد و یافتن احکام دین در مورد موضوعات مختلف را داشته باشد. این چنین کسی جانشین و نایب امام بوده و همه وظایفی که ما در قبال امام داریم در قبال نائب او نیز داریم. در این زمینه احادیث زیادی از ائمه معصومین به ما رسیده است از جمله آنکه امام صادق در ضمن سخنی فرمود:

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَارْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللَّهِ قَدْ اسْتَخَفَّ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ؛^۱ هر کس از شما که سخن ما را روایت کند و در حلال و حرام ما دقت کرده و دستورات ما را بشناسد باید او را به عنوان حکم ببینند زیرا من او را حاکم شما قرار دادم؛ اگر طبق دستور ما حکم داد و یکی از آنها از او نپذیرفت همانا حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است و آنکه ما را رد کند خدا را رد کرده و این در مرز شرک بخدا است.

همچنین از خود حضرت ولیعصر نیز نقل شده است که ایشان فرمود:

أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛^۲ در پیشامدهای روزگار به راویان سخن ما (عالمان دین) مراجعه کنید که همانا ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستم.

این سخنان و احادیث دیگری از معصومین که در این باره صادر شده است به خوبی جایگاه عالم دینی که در رأس حکومت قرار گرفته است را روشن می‌کند. مضافاً بر آنکه حتی اگر این روایات به دست ما نمی‌رسید با توجه به جبهه درگیری حق و باطلی که طرفداران باطل به صورت سازماندهی شده و دولتی اقدام به تهاجم همه جانبه به حق‌مداران می‌کند هر عقل سلیمی، حکم به تشکیل حکومت با محوریت حاکم اسلام شناس می‌نمود.

حال که جایگاه حاکم و ولی فقیه در اسلام مشخص شد به ذکر ویژگیهای سبک زندگی منتظرانه یک انسان دوستدار امام زمان در حیطه رفتار اجتماعی با حاکم دینی می‌پردازیم.

۱. الکافی، ج ۷، ص ۴۱۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

۱. خیر خواهی با حاکم و حکومت اسلامی

از جلوه‌های مهم سبک زندگی منتظرانه در ارتباط با حاکم اسلام را بر طبق بعضی از احادیث در نصیحت او می‌توان دانست. در اینکه معنای نصیحت چیست در برخی روایات گاهی نصیحت در مقابل عداوت و دشمنی^۱ و گاهی در برابر غش و ناخالصی^۲ به کار رفته است و شاید بتوان قدر جامع آن را در واژه خیرخواهی معنا نمود؛ کما اینکه برخی از کارشناسان اهل لغت نیز همین ترجمه را برگزیده‌اند.^۳

متعلق نصیحت در روایات به موضوعات مختلفی تعلق گرفته است که یک از آنها امام و رهبر جامعه است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها وَ حَفِظَهَا وَ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ غَيْرِ فِقْهِهِ وَ رَبُّ حَامِلٍ فِقْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ؛^۴ خدا شاد کند بنده‌ای را که سخن مرا بشنود و حفظ کند و به افرادی که نشنیده‌اند برساند، چه بسا حامل و رساننده علمی که خود دانا نیست و چه بسا حامل علمی که به داناتر از خود رساند. سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت نرورد: خالص نمودن عمل برای خدا و خیرخواهی برای پیشوایان مسلمین و همراهی با جماعت مسلمین.

این سخن نورانی به روشنی گویای آن است که هر انسان مؤمنی باید نسبت به امام و رهبر مسلمانان خیرخواه باشد؛ بدیهی است که مصداق اصلی امام، همانا ائمه معصومین و در زمان ما حضرت حجت بن الحسن است؛ اما با توجه به زمانه غیبت و نصب عالمان دین به عنوان جانشین از سوی وی، این بزرگواران نیز به تبع مصداق از متعلق نصیحت‌خواهی انسان منتظر خواهند بود. این خیرخواهی خود می‌تواند گونه‌های مختلفی داشته باشد که باید در جای خود به طور مفصل بحث شود، اما در هر صورت باید این

۱. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۷۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. تاج العروس، ج ۴، ص ۲۳۰.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

گونه‌ها را شناسایی و در سبک زندگی منتظرانه نسبت به آنها پایبند بود.

۲. حمایت و اطاعت از حاکم و حکومت اسلامی

دومین جلوه بارز سبک زندگی منتظرانه در حوزه اجتماعی را در حمایت و تبعیت وی از فقیه و حاکم اسلامی می‌توان مشاهده کرد، زیرا بر مبنای آنچه که جایگاه ولی فقیه گفته و اینکه امامان معصوم وی را به عنوان نائب عام خود معرفی کردند نصرت و اطاعت او همچون یاری و اطاعت امام معصوم شمرده می‌شود و همان وظایفی که مردم کوفه در برابر جناب مسلم بن عقیل به عنوان سفیر و جانشین وی در کوفه داشتند و متأسفانه عمل نکردند بر عهده ما هست. اگر ما حاکم دینی و ولی فقیه را نائب امام می‌دانیم باید در صحنه رفتار اجتماعی خود این سخن امیرالمؤمنین را همواره نصب العین خود داشته باشیم که فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ؛^۱ ای مردم! همانا من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی. اما حقی که شما بر من دارید آن است که ناصح و خیرخواه شما باشم و سهم شما از بیت المال را عادلانه بدهم و یادتان دهم تا جهل نوزید و تربیتتان کنم تا فراگیرید؛ اما حق من بر شما وفا بر بیعت با من و خیرخواهی با من در حضور و غیبت و قبول دعوت و اطاعت از فرمانم است.

بر این اساس منتظران حکومت جهانی مهدوی در حکومت منطقه‌ای اسلامی تنها به منافع خود نمی‌اندیشند، بلکه در سبک زندگی منتظرانه خویش با منش اجتماعی و حمایت و تبعیت خود از نائب امام عصر صداقت خود را در ادعای شوق ظهور، به خدا و رسول و امام زمان ثابت می‌کنند.

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۷۹، خطبه ۳۴.

سخن آخر

آنچه در این کتاب به دنبال آن بودیم تبیین سبک زندگی منتظرانه از زوایای مفهوم شناختی، میناشناختی و بررسی گستره آن در بعد فردی و اجتماعی بود. ما معتقدیم که در سبک زندگی منتظرانه؛ نگرشها، عاقلانه و عالمانه؛ گرایشها، مؤمنانه و عاشقانه؛ و رفتارها، تلاشگرانه و مجاهدانه است. علاوه بر آن در مقایسه با سبک زندگی غربی امتیازها و ویژگیهای مخصوصی برای سبک زندگی منتظرانه وجود دارد؛ از جمله آنکه در این سبک زندگی؛ پایبندی به احکام دین، جایگزینی مصالح جامعه بر منافع شخص، ذکر مداوم امام زمان، تولیدگرایی به جای مصرف گرایی، صبر و استقامت در امور، اخلاق محوری به جای اباحه‌گری، آرمان گرایی به جای روزمرگی، بلند همتی به جای تنوع طلبی، عدل محوری به جای ظلم محوری و تقدم آخرت بر دنیا وجود دارد و همین امر موجب شده است تا سبک زندگی منتظرانه را تنها سبک مطلوب برای زندگی در عصر غیبت امام زمان معرفی کنیم. البته اقرار می‌کنیم که آنچه بیان شد گام نخست در تبیین سبک زندگی بر محور انتظار است که حتما کاستی‌هایی را خواهد داشت. ان شاءالله بتوانیم در آثار بعدی، جلوه روشن‌تری از این سبک منحصر به فرد را به مخاطبان گرامی، عرضه کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.

منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، امام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب، گردآوری رضی، محمد بن حسین، قم، انتشارات دارالهجرة، بی تا.
۲. صحیفه سجادیه، امام سجاد علی بن الحسین، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.
۳. ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
۵. _____ الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۶. _____ کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
۷. _____ من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۸. ابن شعبه بحرانی، حسن، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۶ق.
۱۰. _____ جمال الأسبوع، قم، انتشارات رضی، بی تا.
۱۱. _____ مهج الدعوات، قم، انتشارات دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، کامل الزیارات، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷ش.
۱۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۱۴. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی الآلی، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵ق.
۱۵. امام ابو محمد حسن بن علی عسکری، تفسیر منسوب به الامام العسکری، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. آمدی، عبدالواحد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۱۷. بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۹. برزگر، ابراهیم، روان شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸ش.
۲۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

۲۱. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۲۲. تاج الدین شعبیری، محمد بن محمد بن حیدر، *جامع الاخبار*، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ش.
۲۳. ترمزی، محمد بن عیسی، *الجامع الصحیح (صحیح ترمزی)*، بیروت، داراحیاء التراث، بی تا.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، *مفاتیح الحیات*، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۲ش.
۲۵. حداد عادل، غلامعلی، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران، انتشارات سروش، بی تا.
۲۶. حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۲۷. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲۸. حیدری کاشانی، محمدباقر، *نسل طوفان*، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۵ش.
۲۹. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الأثر*، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۳۰. دریس، مسعود، *سلسله آموزشهای سبک زندگی مهدوی، ج (پدر مهدوی)*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، شعبه آبادان، بی تا.
۳۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *إرشاد القلوب*، بی جا، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۳۲. راوندی، فضل الله بن علی، *النوادر*، قم، دار الكتاب، بی تا.
۳۳. راوندی، سعید بن هبة الله قطب الدین، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه الإمام المهدی، ۱۴۰۹ق.
۳۴. رضایی آدریانی، محمد، *انسان شناسی و مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۳ش.
۳۵. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۳۶. شرتونی، سعید، *اقرب الموارد*، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۹۲ش.
۳۷. شریفی، احمد حسین، *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران، مرکز پژوهشهای علوم اسلامی صدرا، ۱۳۹۲ش.
۳۸. _____، *همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ش.
۳۹. شولتس، دوآن، *روانشناسی کمال*، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، نشر پیکان، ۱۳۸۸ش.
۴۰. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۱. _____، *الإرشاد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، *انتظار عامل مقاومت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۱ش.
۴۳. صبوری، حسین، *تشرفات مرعشیه*، قم، انتشارات صبوری، ۱۳۸۱ش.

۴۴. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن* ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۴۵. _____، *روابط اجتماعی در اسلام*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۶ ش.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، *الآداب الدینیة للخزانة المعینیة*، ترجمه احمد عابدی، قم، انتشارات زائر، بی تا.
۴۷. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۴۸. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۴۹. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلایل الإمامة*، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۵۱. _____، *مصباح المتعجد*، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، ۱۴۱۱ ق.
۵۲. عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۵۳. فؤادیان، محمد رضا، *زندگی مهدوی*، قم، انتشارات سبط النبی، ۱۳۹۳ ش.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۵۵. کوشکی، محمدصادق، *سیک زندگی به روایت انقلاب اسلامی*، تهران، نشر معارف، ۱۳۹۳ ش.
۵۶. کاویانی، محمد، *سیک زندگی و ابزار سنجش آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۵۷. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، *المصباح*، قم، انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق.
۵۸. گیدنز، آنتونی، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸ ش.
۵۹. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۶۰. _____، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۲ ق.
۶۱. محدثی، جواد، *عشق برتر «راههای ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان»*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۶۲. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
۶۳. محمودی، ضیاء الدین و جلیلی، نعمت الله و غلامعلی، *مهدی، الأصول الستة عشر*، قم، مؤسسه دار الحدیث، ۱۴۲۳ ق.
۶۴. مصباح یزدی، محمدتقی و دیگران، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.
۶۵. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۶۶. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۶۸. موسوی خمینی، روح الله، سرالصلوة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۶۹. _____ شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۷۰. مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷ ش.
۷۱. مؤسسه فرهنگی انتظار نور، گفتمان مهدویت (گفتمان سوم)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.
۷۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۷۳. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ ش.
۷۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۷۱ ش.
۷۵. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۷۶. نیلی پور، مهدی، خانواده مهدوی، اصفهان، انتشارات مرغ سلیمان، ۱۳۹۱ ش.
۷۷. نیلی نجفی، علی بن بهاء الدین، منتخب الأنوار المضيئه فی ذکر القائم الحجة، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۶۰ ش.
۷۸. یزدی حایری، علی، الزام الناصب، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق.

پایگاه‌های اینترنتی، مجلات و نرم افزارها

۱. پایگاه اینترنتی حرف آخر.
۲. سایت خبرگزاری شبستان.
۳. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی.
۴. فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن.
۵. فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۶. ماهنامه معارف، وابسته به نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۷. مجله پگاه حوزه.
۸. مجموعه مقالات دکترین مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن.
۹. نرم افزار صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. نرم افزار مجموعه سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، حدیث ولایت، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۱۱. نشریه امان، دو ماهنامه فرهنگ و معارف مهدوی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۱۲. نشریه آیه، ویژه نامه دین و فرهنگ، از سری نشریات همشهری.